

# فیلم و هنر

شماره ۳۶۶ - ۱۶ دی ماه ۱۳۵۰

۱۵ ریال

جنبال اعتراض تهیه کنندگان  
ایرانی بگروه های نمایش  
دهنده فیلم

سوسن

زنی در قلب همه

حرفهای تازه ای از

فریدون زورک

فیلمساز موفق سینمای ایران



گفتگویی جالب باحممد قنبری دیپرسندیکای هنرمندان فیلم ایرانی بمناسبت آغاز انتخابات سندیکا

## کلیه هنرمندان سینمای ایران بیده میشوند

بمناسبت آغاز انتخابات سومین دوره سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی و اهمیتی که این انتخابات در سر نوشت هنرمندان سینمای ایران دارد، اینمناسبت آفریدیم که نا دیر سندیکا «حمید قنبری» گفتگویی داشته باشیم و در مورد ایجاد سندیکا و اقداماتی که در طی دودوره اخیر انجام یافته و هم جنبش ایرانیانهای اقدام شده که هنوز به نتیجه ای نرسیده است و نتایج انتخابات تازه اردی اطلاعاتی بدست آوریم.

**مندان سینمای ایران پس از سالها دارای يك مركز صنفی شونند.**

قنبری: من از این که مجله فیلم و هنر فرصتی بمن داده که من چند کلمه ای راجع بسندیکای هنر - مندان فیلم ایرانی بنام دبیر سندیکا صحبت کنم، خیلی متشکرم. من کوشش کردم در چهار سال و چند ماهی که سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی بوجود آمده بودم و چه مصاحبه ای نکنم و اگر بیاد داشته باشم تاکنون يك بار «مصاحبه کردم که آنهم با مجله شما بوده برای اینکه بیشتر من طرفدار این مسئله هستم که کارای انجام شود و جنبه تبلیغی آن کمتر شود. ولی

حالا که دوره دوم دارد به آخر میرسد و چند روز دیگر انتخابات است و مجمع عمومی تشکیل میشود و عده ای برای هیئت مدیره و عده ای هم برای هیئت داوری و عده ای هم برای هیئت بازرسان انتخاب می شوند، به طور کامل فعالیت سندیکای ایران هنرمندان از طرف هیئت مدیره و وظیفه دارم که تشریح کنم ولی بر میگردم به چهار سال و چندماه قبل که هیئت موسس در باشگاه هنرمندان که در استودیو میناقیه است تشکیل شد و در همان جا انتخابات دوره اول انجام شد عده ای از دوستانمان برای هیئت مدیره انتخاب شدند و عده ای هم برای بازرسان و من در اینجایم

حمید قنبری تا آنکه در طی چند سال اخیر، در مقام دبیر سندیکا کمتر مساجدهای عمل آورده و اصولا از گفتگو با خبر نگاران مطبوعات خودداری میکند، عینا خاطیر، بوقت حاضری که پدید آمده دعوت ما را قبول کرده و با سخنگوی ستوالات ما، شدرخواستیم که با اطلاع خوانندگان فیلم و هنر برسائیم که این دوسم مصاحبه رسمی حمید قنبری در مقام دبیر سندیکای هنرمندان است که انجام می گردد اولین مصاحبه وی بز در شماره نوروز ۱۳۵۰ فیلم و هنر چاپ رسید.

**فیلم و هنر: ضمن اظهار تشکر از اینکه وقت خود را برای این مصاحبه بنا دادید، فکر می کنیم در آغاز انتخابات دوره جدید سندیکا این گفتگو لازم نظر برسید. خواستیم**

**بعنوان اولین سؤال برای ما بگوئید که اصولا سندیکا چگونه تشکیل شد و چه اقداماتی در طی سالهای اخیر با انجام میدادید؟**

چنین سازمان وسیع و مجهزی ایجاد گردیده تا هنر

میدانم از زحمات آقای مهدی میثاقی که مدتها در سال تمام تشکیلات جلسات و برنامه‌های تشریفاتی که در باشگاه هنرمندان استودیو میثاقیه بر پا میکردید از طرف کلیه اعضا تشکر کنم.

ما مدعت دولتی که در استودیو میثاقیه بودی و وضع تشکیلات سندیکارا بی‌ریزی میکردیم بچه نمو باید انجام شود. با توجه بگذشته که در حدود بیست سال قبل که یک عده از ما که علاقه داشتیم سندیکائی مثل صوف مختلف داشته باشیم، هر وقت دور هم جمع میشدیم و تشکیلاتی درست میکردیم بعد از چند ماه می‌پاشیده میشد با توجه به شکست های گذشته این مرتبه با همکاری همدی که کمالهای سال این علاقه در ما وجود داشت، بدست ما می‌دهیم و سندیکای وجود آمد. در طی دو سال اول باید بگویم فعالیت ما بیشتر برای انجام مقدمات کار بود و بی‌ریزی برای تشکیلات سندیکا بود و تماس با مسئولین وزارتخانه‌های مربوطه تا بر نامه صحیحی ریخته شد برای تکمیل سندیکای دولتی آن دو سال.

در دوره دوم تقریباً دوره سازندگی ما شروع شد با تماس های که با مسئولین محترم وزارت فرهنگ و هنر می‌گرفتیم موافقت کردند اما کامل مستقلاً داشته باشیم البته با بودجه کمی که از نظر جمع آوری حق عضویت و ورودیه داشتیم نمیتوانستیم جای آبرومندی داشته باشیم ولی وزارت فرهنگ و هنر با نهایت محبت بودجه‌ای مقرر برای سندیکا قرار دادند که ما ساختمان فلسفی را اجاره کردیم که ملاحظه می‌کنید خانه هنرمندان سینما نام گذاری شده است.

البته در این جا لازم است بگویم که در ششم آبان ماه ۱۳۴۹ علی‌حضرت فرح پهلوی شیپانوی ایران بخانه هنرمندان سینما که مرکز سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی است نزول اجلال فرموده و آنرا افتتاح فرمودند در آن روزها تابلوی نقیسه که توسط نقاشان معروف ایران است، به سندیکا اهداء فرمودند.

از نظر تجهیزات سندیکار حدود هفتاد نفر از هنرمندان

## برای هنرمندان صندوق تعاون و مسکن ایجاد میگردد.

## انتخابات سندیکا در نهایت آزادی و بدون دستبندی انجام می‌گردد.

## شرکت هنرمندان در انتخابات وظیفه فرد فرد آنان است.

### هنری ایران بان کنید.

حمید قبری، با اجازه شما من بطور کامل در مجمع عمومی سندیکا کما شازده می ماه بر گزار می‌گردد در این مورد سخن خواهم گفت، اما بطور فهرست وار در اینجا با اقدامات انجام شده اشاره می‌کنم.

۱- از نظر درمانی بانزدیکی که با مسئولین درمان نگاه احسان داشتیم، تمام اعضای سندیکا بطور رایگان از نظر اورژانس درمان نگاه احسان معالجه میشوند بدون آنکه دنیاری در این مورد هنرمندان بپردازند زیرا هزینه‌ای تحمیل سندیکا شود البته این مقدمه‌ای برای بیمه همگانی هنرمندان کما طرح آنرا رویت‌نیم و انشالله هیئت مدیره سندیکای دوره آفر با مرحله عمل درخواهد آورد.

۲- از نظر کنفرانس های مالی اقداماتی شده، قبل از تشکیل سندیکا اگر با اختلافات مالی هنرمندان با تهیه کنندگان مواجه می‌شدند نمی‌دانستند بکجا باید مراجعه کنند.

ما با ایجاد کمیسیون حل اختلاف باین مشکل بزراختامه دادیم و تا بحال در دوره دوم پیش از یکصدو بیست مورد اختلاف مالی که اکثر آنها مربوط به تهیه کنندگان منفرد بوده در سندیکا بصورت کنخدا منشی حل شده و فقط پنج یا شش پرونده وجود دارد که هنوز بطور کامل فیصله نیافته شاید بتوان گفت در طی این مدت چندین میلیون ریال از حقوق حق هنرمندان از تهیه کنندگان اخذ و بآنها مسترد شده و این از جمله اقدامات مؤثری است که انجام یافته و می‌باید در مسئله‌ای است که مدام هنرمندان با آن دست‌بگریبان هستند.

۳- از دیدگر اقدامات سندیکا شرکت نماینده سندیکادر کمیسیون

سندیکا چه از نظر مالی وجه از نظر اهداء وسائل تزئینی کمکو یاری کردند کجا دارد در اینجا از بیکای آنها تشکر کنم.

و در اینجا لازم میدانم بگویم اولین هنرمندی که برای آن کوراسیون سندیکا کمک کرد آقای فردین بود که در حدود پنجاه هزار تومان ۵۰۰۰۰ تختفالی خریدند و اهداء نمودند ۶۹۰ نفر دیگر که کدکس نام آنها در اینجا خواهد کشید.

در حال حاضر سندیکا دارای سیزده رشته هنری است که هر رشته دارای کمیته‌ای است و هر کمیته‌ای دارای هیئت رئیسه‌ای که اشکالات مربوط به هنرمندان آن رشته در آن هیئت رئیسه مطرح و به هیئت مدیره سندیکا فرستاده میشود و هیئت مدیره در مورد آن تصمیم می‌گیرد.

من در اینجا لازم است از کمکهای یکایک هیئت مدیره و هیئت بازرسان هیئت مشاوران عالی سندیکا و اعضاء هیئت رئیسه کمیته‌ها تشکر کنم برای اینکه کار ما بطور گرونی‌اش و هر کدام نسبت بوقفتشان خدماتی برای سندیکا انجام میدهند. من ممکن است در بین دوستان چون وقت بیشتری برای اینکار صرف میکنم انشاءالله، سوات خدمت بیشتری داشته باشم. نمیتوانم بگویم تمام خدماتی که انجام شده فقط من بودم و من بلکه خدمت اعضاء ساده سندیکا در پیشرفت ما مؤثر بوده است هر یک از افراد سندیکا حتی اگر یک قدم برداشته باشد جای تشکر دارد و همین خدمات دسته جمعی است که سبب شده دارای چنین مرکز تجمع آبرومندی شویم.

**فیلیم هنر:** ما هم اقداماتی که در طی دوره گذشته برای رفاه حال هنرمندان انجام گرفته است و برای ما نروس مسائل را و خدمات سندیکا را بر جامعه

های وزارت فرهنگ هنر است و این بخاطر احترامی است که مسئولین وزارت فرهنگ هنر نسبت به هنرمندان سندیکای هنرمندان دارند در گذشته ضابطه قانونی در این مورد وجود نداشته و سازمانهای مسئول هر تصمیمی که در مورد هنرمندان سینما می‌خواستند بگیرند، بدون حضور نماینده هنرمندان اتخاذ میکردند، اما امروز دولت سندیکای هنرمندان را قانونی میدانند و روزانه تخانیه‌هایی که با کار سینما و هنرمندان رابطه مستقیم دارند، یوسمه نظارت سندیکارا نیز خواستار بوده و نماینده ما در کمیسیون های مربوطه شرکت می‌کند. ۴- از نظر مطبوعات که حساب تکمیل انظورش که آمار گرفته ایم چهار سال قبل مطبوعاتی در مجله‌های مطبوعات متمسک میشد میکنند بود

نود درصد مطالبی باشد که برای هنرمندان حفظ بر ستی نمی‌کرد و اختلافات هنرمندان در مطبوعات مطرح میشد که صحیح نبود اما اکنون با حسن روابطی که میان سندیکا و سردبیران و نویسندگان مطبوعات وجود دارد درصد این مطالب بطور فاحشی کنترل پیدا کرده و دیگر انظطالی که بر حیثیت جامعه هنرمندان لطمه وارد میساخت خیری نیست و دود درصد رسیده است و ما امیدواریم این مسئله بصورتی در آید که دیگر مطلبی که با روش سندیکا مغایرت داشته باشد در مطبوعات متمسک نشود.

**فیلیم هنر:** حتما در طی دوره گذشته اقداماتی انجام گرفته که تاکنون به نتیجه کامل نرسیده و احتمالا هیئت مدیره جدید باید آنها را دنبال و از مرحله فکر بصورت مرحله عمل در آورد، خیلی متشکریم که در این مورد نیز بطور مختصر برای ما در این مورد صحبت کنید.

بقیه در صفحه ۴۱



□ صادق بیرامی و ژاله‌سام در فیلم «راز درخت سنجد»



□ نمای جالبی از فیلم «توبه» ساخته اسماعیل پورسعید

### گذر اکبر

● محمدعلی زرنندی کارگردانی فیلم تازه‌ای را بنام «گذر اکبر» آغاز نموده است که در آن رضا پیک ایمانوردی - داود رشیدی شیر اندامی و فرشته جنایی شرکت دارند.

فیلمبرداری گذر اکبر را که محصولی از شرکت سینما تانتر رکی است شرکته رفیعی‌هنده‌دار است.

### شعرا و سنج

● در فیلم «سج» که هم اکنون بکارگردانی ابراهیم گلستان توسط امیر کراری «فیلمبردار تلویزیونی ملی ایران» بطور رسمی جلوی دوربین است صها و ابوالحسن ورزی دوتن از شعرای معروف نیز شرکت کرده‌اند. در این فیلم که تاکنون یکساعت نیم تهیه‌شده پرویز صیادمری آپیک، شهناز نهرانی، لرتا، رضاهوشمند تقوایی، بهمن زربین‌رو و صادق بیرامی نیز شرکت دارند.

### ملانصرالدین در عصر فضا

● سازمان پیکانه هم‌اکنون سرگرم ساختن یک سریال تازه‌ی تلویزیونی است موسوم به «ملانصرالدین در عصر فضا» که قرار است از بعد نوروز ۱۳۵۱ نمایش آن آغاز گردد. سازنده‌ی این سریال سرگرم کننده «مهدیا» است و در آن حسن رضیانی ایفاگر نقش ملانصرالدین میباشد. پیراسته، شهری کمانی از جمله دیگر هنرپیشگانی هستند که در این سریال

تلویزیونی شرکت دارند. سناریو های این سریال را «حسین مدنی» طنز نویس معروف نوشته است.

### شوفرها و کفتها

● کار تازه سابرهموسوم به «کفتها و شوفرها» از این هفته توسط خانی جلوی و ورپین رفته است در این فیلم که داستانی در مورد مهرگان فیلم ساخته میشود پیک ایمانوردی، فروزان، منوچهر والی زاده و میری شرکت دارند. شوفرها و کفتها دارای یک سوزگرمی انتقادی طنز میباشد.

### دختر آسان

● نرسی هنرپیشه فیلم فیلمهای ایرانی قرار است با همکاری استودیو آری تهیه‌فیلی را آغاز نماید موسوم به «دختر آسان» که بکارگردانی داود اسماعیلی توسط ناصر دفت فیلم برداری خواهد شد در این فیلم پرویز کاردان، مهناز، نرسی و عنده‌ای دیگر از هنرپیشگان شرکت خواهند داشت.

### در جنوب

● این هفته ایرج قادری و رضا فاضلی جهت تعیین محیطهای فیلمبرداری «اتل‌مئل توله» به جنوب سفر نمودند و اکبر سبازنده هفته آینده برای شروع پیمان توانی خواهند رفت. در این فیلم که محصولی است از سازمان سینمایی کوروش و بکارگردانی ایرج قادری جمشید ماشایی، بهمن مفید، مهناز، رضا فاضلی، سیلان ژاله، فرکیس فروهر و ایرج قادری رلهای عمده را به عهده دارند.



### ستار خان

● علی‌حاجتی پس از مدتی سکوت - که در طی این مدت چند داستان تازه تهیه دیده‌است - به ژودی فیلم تازه‌ای را آغاز خواهد کرد بنام «ستارخان» که از زوری زندگی بهرام مشروطه ایران داستان آن تنظیم شده است. حاجتی طی مذاکراتی که با ناصر ملک مطیعی بعمل آورده توافق ویرا برای بازی نقش «ستار خان» جلب نموده‌است.

احتمالاً فیلم مزبور با سرمایه شرکت سینما رکی ساخته خواهد شد.

### بازهم همای سعادت

● فیلم همای سعادت که به علت سبزه آریانا فیلم برای نمایش در نوروز گذشته قسمت‌هایی از آن

با تمام‌مانده است. قرار است در هندوستان مجدداً فیلمبرداری شود و بهمن علت فریدن بزودی به هندوستان سفر خواهد کرد که بقیه فیلم را با وجود رحمان بازی کنند.

فیلم همای سعادت بهمن ایران در دهج کشور حتی هندوستان نمایش در نیامده است.

### بن بست

● مذاکراتی مابین مهدی مصیبی و علی حاجتی آغاز شده که حاجتی بار دیگر در سیرا فیلم داستان تازه‌ای را بنام «بن بست» کارگردانی نماید. سوزگرم «بن بست» در ماه‌های فیلم طوقی است. در صورت توافق سیرا فیلم و حاجتی، بهار آینده بن بست جلوی دوربین خواهد رفت.



□ امین امینی و ایرج قادری در صحنه‌ای از «نقره داغ»

□ لی لی و سهیلا در صحنه‌ای از «خرید جال»

### مرد اجاره‌ای

● ستاریوی «مرد اجاره‌ای» که توسط بهرام ری پوروجمال امین تنظیم یافته و دیالوگهای آنرا احمد شاملو نوشته است این هفته آماده فیلمبرداری شد. در این محصول استودیو آریب که ناچند روز دیگر با کارگردانی خسرو پرویزی توسط علیرضا زرین‌دست جلوی دوربین خواهد رفت قرار است بجن بیگ ایمانوردی، مرجان، نادیا، صادق بهرامی و شیر انسانی نیز شرکت نمایند.

### غریبه

● شاپور قریب برای فیلم تازه خود که در تینا فیلم میسازد نام «قریبه» را انتخاب نموده است در غریبه که ستاریوی آنرا «فری» نوشته است و تا چند روز دیگر توسط سرت‌الله کنی جلوی دوربین خواهد رفت بهروز وثوقی ایفاگر نقش اصلی است. این فیلم بهمدان غلام زاننده و راز درخت سنجد سومین محصول تینا فیلم است و چهارمین محصول آنرا شاملو می باشد با شرکت ناسرملک مطیعی کارگردانی خواهد کرد.

### راز درخت سنجد آماده شد

● در این هفته کلیه امور فنی محصول جدید تینا فیلم راز درخت سنجد پایان یافت و برای ساخت کپی‌های اصلی آماده گردید که تا هفته آینده برآید پروژه نمایش بوژارت به هنگامهتر ارسال گردد. راز درخت سنجد اولین فیلم کمندی جلال مقدم است و در آن

فریدن، زالماس، صادق بهرامی، عصمت صفوی، ناظری، مقبیدی و داریوش اسدزاده شرکت دارند. تهیه کننده فیلم مزبور رضا شیبانی است.

### قانون فعالیت

● شرکت سینما تأثیر رکیس بصورت قانون فعالیت فیلمسازان بسیاری شده است و در حال حاضر در این شرکت ۷ فیلم در دست تهیه آماده نمایش است و احتمالاً تا پایان امسال فیلم دیگری جلوی دوربین خواهد رفت. محمدزین دست - کفران شیردل - اسماعیل نوری - لاله حمید - صدیقی - قدرت‌الله بزرگ - پرویز سیاه - محمد علی زرنیدی از کارگردانی هستند که در حال حاضر فیلمهایشان توسط این شرکت تهیه و یا بخش میگردند. صد - سامی - لیلا ولی - صبح روز چهارم - مطرب - کنداکر - شهری آفتاب - باشرضا - تجاویز محصولات است که در این سازمان اینک در دست تهیه است.

### مرحاض فنی خاطر خواه

● با اتمام فیلمبرداری «مخاطر خواه» محصول فیلمسکو فیلمز مرحاض فنی و تکنیکی آن آغاز شده است. در این فیلم ستاریوی آن از روی داستانی بهمن نام نوشته اورتوئی کرمانی توسط سعید مطیعی تنظیم شده است ناسرملک - عطیسی، فروزان، بهمن مقبیدی، نریا بهشتی، امیرفضلی، قبادی و چهره جدید «دربا» شرکت در تهیه خاطر خواه را امیرشیراز کارگردانی و مازنیار پیر تو فیلمبرداری نموده است.

### شغفاری و صبیاد

● فرخ‌شغفاری فیلمسازی که سالها قبل فیلمهای جنوب شهر، عروس کدومه و شب‌قوزی را از او در پیاده‌دردم تهیه و کارگردانی فیلم تازه‌ای است و مذاکراتی در این زمینه با پرویز سیاه بعمل آورد تا او در تولید تلویزیونی‌اش در این فیلم شرکت نمایند هنوز از نام فیلم‌شغفاری نتیجه مذاکراتش با سیاه اطلاع‌ی در دست نیست ولی قرار است این فیلم رادمنت حقیقی که قبلاً با شغفاری در تلویزیون همکاری داشته است فیلم برداری نماید.

### خیلی هم ممنون

● فیلمبرداری دومین فیلم «آغاسی» کاملاً ادامه دارد. در این فیلم محصول تازه‌ای است از سازمان سینمایی پانوراما و بکارگردانی منوچهر نودری توسط احمدشیرازی فیلمبرداری میشود سیمین غفاری ایفاگر نقش «آمنه» در ایوانه باز دیگر نقش مقابل آغاسی را بازی می‌نماید. نام این فیلم «خیلی هم ممنون» است. کلیه امور فنی این فیلم در استودیو مهرگان فیلم طی می‌شود و آغاسی چند هفته تازه در آن اجرا می‌نماید.

### «خاتم» خانوما شروع شد

● بعد از اختلافی که هفته‌ای منوچهری باشرکی خود در فیلم خانوم خانوما بیست و نهم که منوچهری بتسلیم شدن مدتی از فیلمبرداری فیلم مزبور کرد. از این هفته بار دیگر کار فیلمبرداری فیلم آغاز شد.

تاکنون در حدود ۳۰ دقیقه از این فیلم بطریقه رنگی فیلم برداری شده است و اینک کپی برای تهیه صحنه‌های خارجی فیلم در این هفته احتمالاً با جنوب سفر خواهند کرد.

سناریست و کارگردان خانوم خانوما که يك فیلم مونوپال است فتح‌الله منوچهری است و موزیک آن توسط واتقی ساخته شده است.

### دل‌آوران سینستان

● دکتر کوشان که اینک کمتر فیلمی را کارگردانی میکند، قسار است از بهار آینده فیلم جدیدی را بطریقه سینما سکوپ و رنگی تهیه و کارگردانی نماید که دل‌آوران سینستان نام دارد و اینک مدت چندماه است که برای تنظیم سناریوی آن چند تن از سناریست‌های ایرانی به سرپرستی خود وی مشغول تنظیم آن‌اند و داستان‌های تاریخی هستند.

● در حال حاضر «تقی مختار» کاندیدهای ایفای نقش نخست فیلم است و بطور قطع امور فیلمبرداری آنرا محمود کوشان عمده دار خواهد شد.

### بابا نان داد

● با اتمام فیلم شلوارک داغ و کلاصمخالی، از این هفته کارگردانی فیلم تازه‌ای در پارس فیلم بکارگردانی امان‌متقی بنام بابا نان‌داد آغاز گردیده است که در آن پیک ایمانوردی نقش نخست فیلم را هم‌مدار است. «ساسان» کوهک در رسالی که ورق بریزد

## مرگ موریس شوالیه

● موریس شوالیه هنرپیشه هشتاد و سه ساله فرانسوی روزی یکشنبه این هفته بر اثر بیماری عفونت کلیه در بیمارستان «نکر» پاریس درگذشت.  
از این هنرمند بزرگ فرانسوی مطلبی در این شماره تحت عنوان «بیاد یک نابغه» چاپ شده است.

کرد تصویر شده است. صافا ضابطی بازیگر نقش اصلی داستان است و هنرمندان دیگری چون لیلی-شهبان-سبیلا-اسدزاده معاشین-چیان-ابراهیم-فخار - اسدالله - یکتا - فرنکسیس - فروهر و عزت‌الله مقلی شرکت دارند.

فیلم مزبور توسط کمال‌دانش کارگردانی شده و توج کهنیان اشعار ریتمیک آن را سروده است.

### همیشه قهرمان

● عزیزالله بهادری بزودی فیلم تازه‌ای را برای شرکت فیلمکو-فیلمز کارگردانی خواهد کرد که همیشه قهرمان، نام دارد. بیلک ایما نوردی بازیگر نقش نخست فیلم است و فیلمبرداری آن را امیرابریانو انجام میدهد.

### آقای قاطبه و فیلم ایرانی

● خبری داشتیم هفته قبل که نوذر آزادی در فیلم علی کتکوری شرکت خواهد کرد. بعد از انتشار مجله هفته گشتی مسئله شرکت خود را در این فیلم تکذیب نموده و اظهار داشت تاکنون پیشنهادی برای بازی در این فیلم بمن نشده است.



فخار در آن شرکت دارند. سناریو فیلم را دکتر کی مرام نوشته و خانی آن را فیلمبرداری کرده است.

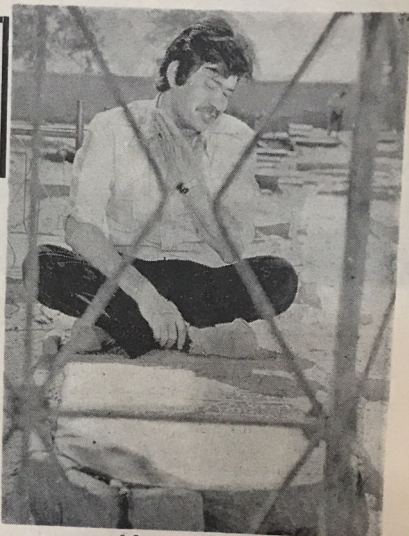
### توبه

● فیلم توبه محصول جدید است. کار فیلم آخرین مراحل فی خود را طی میکند و تا یکی دو هفته دیگر آماده نمایش خواهد شد. بدلت دقتی که در امر ساختن توبه بکاررفته است، این فیلم از جمله فیلمهای قابل توجهی گردیده که تاکنون استر فیلم تهیه کرده است.

در توبه ایرج قادری - زری خوشکام - بهمن مفید ایفاگر نقش های اصلی فیلمند. توبه توسط اسماعیل پورسعید کارگردانی گردیده است و بازیگران دیگری چون محمدعبیدی - فرنکسیس - فروهر در آن شرکت دارند.

### خردجال چه میکند

● فیلم خردجال که اولین محصول کورش فیلم است با انبوه هنرپیشگان بسیار خود، در حدود یکسال است که تهیه آن بطول انجامیده و احتمالاً در بهار آینده بمرورش نمایش درخواهد آمد. در خردجال که نگرشی کوتاه بزندگی بشر از آغاز خلقت تا کنون است و در آن خیلی از مسائلی که سبب اختلافات بشری



### متوجه صادقور در صحنه‌ای از «عزیز قرقی»

فیلم را برعهده دارند و با احتمال قوی چون فیلم قبلی این استودیو کوچه مردها با استقبال مواجه خواهد شد.

### عزیز قرقی

● متوجه صادقور فیلم عزیز قرقی را آماده نمایش ساخت. در این فیلم وی بار دیگر نقش نخست فیلم را عهده‌دار است و ایفاکننده نقش عزیز قرقی است. فیلم عزیز قرقی توسط جواد طاهری کارگردانی شده و فریده نصیری - شیراندامی - اسدالله یکتا - شهرزاد، آراسته، ابراهیم

برنامه‌های در کارنامه‌های تهران اجرا میکنند. در این فیلم که توسط محمود کوشان فیلمبرداری می‌گردد نیز شرکت دارد.

### نقره‌داغ و امینی

● در محصول جدید استودیو عصر طلایی نقره‌داغ که بزودی آن را مشاهده خواهیم کرد، امین - امینی بار دیگر بازی خوب و قابل توجهی ارائه داده است. در نقره‌داغ که توسط ایرج قادری در یزد کارگردانی شده ناصر ملک‌مطیعی، ایرج قادری، سپیده و امین امینی نقش‌های اصلی

چاپ از، شرکت چاپ تابان  
تلفن: ۰۲۴۵۶ - ۰۵۱۴۰

گزارش از، جواهری  
تلفن: ۳۹۳۱۱

روی جلد، سوسن  
پشت جلد، منوچهر طایفه  
هنرپیشه فیلم «شیربها» و  
«ننی و نگار»  
تابلو وسط،  
کلودین اوژه

دارنده امتیاز و مدیر  
عبدالمجید رضائی

زیر نظر  
علی مرتضوی



شماره ۲۶۶  
پنجمین ۱۶ دی ماه ۱۳۵۰

محل اداره: دروازه دولت - ابتدای روزولت شماره ۲ - آپارتمان ۱۰ - تلفن ۸۲۹۹۷۱ - آدرس پستی: تهران صندوق ۱۹۴۷



# کاسب سوردیدر

ختم چاپ خواهیم کرد .

## خرم آباد - آقای عزیز کشاورز :

مطلب شما را در مورد خدا حافظ رفیق دریافت کردیم و لی خیلی دور بود ، بخصوص صفحه ای برای این منظور نداریم امیدواریم زودی با ایجاد ستون فیلیما و خوانندگان بتوانیم از نظریات شما استفاده کنیم.

## آقای علی محتمی :

مطالب ارسالی شما در مورد واره های آثار بسیار جالب بود در فرصت مناسب آنها را چاپ خواهیم کرد، در انتظار مطالب دیگر شما در زمینه آثار هستیم.

## آقای محمود رنجکش :

حتماً شرایط ارسال پاسخ های مسابقه یک به ده را در نظر بگیرید بویلا چرا در هفته گذشته آثار ما به دست ما در مورد مسابقه می رسید و پاسخ های شما نمی رسید .

## مرد ند - آقای احسان صلح جو :

هنه خوانندگان مجله می توانند با فیلم هنر مکانی داشته باشند منتهی مجله برای کسی کارت خرید نگاری صادر نمی کند در مورد ستون دوست یابی چندی از مجله حذف شده بود که از این هفته آن را ملاحظه میفرمایید.

## آقای ناصر یی آفرین :

شماره مخصوص لیلی و مجنون در آرشو موجود است با ارسال ۱۵ ریال و آدرس دقیق خودتورا می توانید دریافت دارید.

## ساری - آقای حسن مجیدیان :

۱- شماره مورد نظر جهت شما ارسال گردید ۲- کارگردان فیلمهای که خواسته اید عبارتند از: «حسادت» توش کرون (نورمن جویون) «دانهای من (رابرت وایز) بوت (پتر باتس) ایستگاه زیرا (جان استورج) ایرد- الصلین (کلون باج) - محصور نمی کنیم مسعود کاجیچیتور سلیمان جزو کاندیداهای امسال باشد .

## خرم آباد - آقای علی سکوند :

۱- تعداد فیلمهای که اسکر گرفته اند زیاد است و امکان درج آنها در این شماره میسر نیست- ۲- بهترین فیلم فردین در سال ۱۳۵۰ فیلم اولی بکارگردانی فریدون ورک است- ۳- کارگردانان فیلمها عبارتند از: پارانلان (گوردن داگلاس) ۵۵ روزد کیم (تیکسلا سری) بازداشتگاه شماره ۱۷ (بیلی وایلد) کتاب آفرینش (جان هوستون) مادام ایکس (ویلیام دیلوی) (ریچ نیهور) ویلیام وایلد) ده فرمان (سیسل ب. دویل) قمار بزینگ (ریچارد فلیشر) دور از اجتماع (ریچارد جان فلزینگر) شی دردم (ویلیام وایلد) دهه سطر (استا لدان)

مطلبی که در هفته است در مجله چاپ می رسد و حتماً آن را خوانده خواهید خواند . نامه شما را نیز بعد از مطلبی سازنده میعادگاه خدمت دادیم.

## خرم آباد - آقای رضا

### یار احمدی :

۱- ارفوش فیلم مردان خن در صفحه رنگارنگ چاپ شده است ۲- برای آغاسی می توانید بآدرس کارگاه شکوفه نو تهران نامه ارسال دارید- ۳- بله شماره مخصوص حیدر دفتر مجله موجود است.

## تهران - آقای عبدالحمید

### رحیمی :

از دج آدرس منزل فردین معلومیم اما آدرس دفتر کار او (خیابان یاور واوره کار) هم نامفردین (فیلم) می باشد. آدرس هر دو تا فیلم نیز (خیابان قرق شملی) - ابتدای تکش (شری) است.

## قم - آقای مهدی مصاحی :

فیلم راهی بسوی خدا با نام مبارزه با شیطان نمایش در خواهد آمد و تاریخ نمایش آن فیلمی با کاکل زری، حسین دینامیت هنوز معلوم نیست و شماره مخصوص جهت آنها منتشر نخواهیم کرد . عکس این فیلمها نیز بارها در مجله چاپ شده و باز هم زمان نمایش چاپ خواهد رسید .

## مشهد - آقای ابراهیم فدائی :

۱- کارگردانان فیلمهای که خواسته اید اسباب لاگوس (استا لی کو بریک) باراباس (ریچارد فلیشر) کنتز ژوگود (دیوید لین) ریتسانا (ژوئی بو نوئل) ۲- مصاحبه آقایان اکرمی و امید با کیمیایی در مورد داش کل مدتی است با یان بافر ۳- سازنده موزیک متن فیلمهای این دوره (دیمتری تومینکن) ولورنس هرمان (موریس ژان) بود. در ضمن پیشنهادات شما را سعی می کنیم عملی سازیم.

## اصفهان - آقای محمود اسدی :

۱- نامه گونگه که در مصاحبه آقای مطلبی می خوانید ، در سوزیفیلم میعادگاه فیلم آرزوی فیلم آخرین قطار گانگنیل اقتباس شده بود - فیلم میعادگاه ما نیز از کوجه مرها برابر در مرتبه والاژی قرار داشت ۳ - چشم عکس تازه فردین را هنگام نمایش میعادگاه

کردیم . ناراحت نباشید ، مجله حتماً بهر شما خواهد آمد ۴- اولین فیلم مرجان دنیای برآمید بود که در آن با فردین همبازی بود. ۳- فردین فعلاً بسفر انگلستان رفته و قسراست تا اواخر این ماه بهران بازگردد.

## داراب - آقای سید نورالدین

### بزرگی :

ما صفحه ای برای اظهار نظر خوانندگان در مورد فیلمهای روی پرده نداریم والا نظر شما را در مورد فیلم میعادگاه ختم چاپ می- کردیم . عین مطلب شما را برای سعید مطلبی کارگردان فیلم ارسال داشتیم .

## تهران - آقای حسین سهرابی :

از این همه محبت و لطیفی که به فیلم و هنر دارید بسیار متشکرم . با شما مسالمت آشنائی داریم و از اینکه مبلغ خوبی برای فیلم هنر هستید از شما بسیار متشکرم . آگهی که ارسال داشته بودید ۴۰۰ ریال خرج بر میآورد که در صورت علاقه می توانید بدقت مجله مراجعه و ترتیب چاپ آن را بپذیرد.

## تهران - آقای ناصر نظری :

کلیه سناریوها با بنی دوره نخبه تهیه و ماشین شود برای ارضاحی به اداره کل گزارش و وزارت فرهنگ به ارسال گردند تا پس از بررسی اجازه تهیه فیلم از روی آن صادر گردد. آدرس وزارت فرهنگ و هنر نیز میدان ایستارسان می باشد.

## آقای جواد فتوی :

۱- شماره مخصوص سال ۴۹ و ۵۰ در دفتر مجله موجود است و برای ۷۵ ریال است ۳- شرایط شرکت در مسابقات مجله در هسان صفحه نوشته شده. ۴- کارت اختیاری سینما فقط برای پرسنل آن مجله ارسال می شود.

## تهران - آقای حبیب الله

### احتمانی :

مطلب شما در مورد فیلم میعادگاه ختم دریافت کردیم. در مورد این فیلم و اینکه چطور جزئی در آن مطرح شده است اما به علت مساور از آن حذف گردیده گفتگویی نداریم با سعید

## آقای فتحعلی علیزاده :

برای پیروز و نوکی فعلاً می- توانید بآدرس استودیو مینا قبه نامه ارسال دارید و نظراتان را با وی در میان گذارید. برای ابرج قادری نیز به آدرس خانه هنرمندان نامه ارسال دارید.

## شهر کرد - آقای حسین رفیعی :

۱- برای سپهر نیاید فرزند - سعیدراد - ظهوری می توانید بخانه هنرمندان نامه ارسال دارید. آدرس پستی آنها خانه هنرمندان است. ۲- در مورد هنر پیشگی کتابی نوشته شده، اما کتابی بنام دفتر کارگردان « بفارسی ترجمه و منتشر گردیده است.

## آقای دارا خاکپور :

اگر هنرمندانی که نام آنها را در نامه خود مرقوم داشته اید جایزه اسکار ریخته ذکر نام فیلمهای آنان دریافت پول می آید میعادگاه در فرصت بعدی .

## شیراز - آقای مهدی قربانی :

از دج آدرس منزل هنرمندان معلومیم . اما برای کلیه هنرمندان سینمای ایران می توانید بآدرس خانه هنرمندان نامه ارسال دارید حتماً آنگاه دریافت پول می آید.

## ساوه - آقای رضا حاجی خانی :

۱- فروش کلیه فیلمهای امسال را در صفحه رنگارنگ چاپ کرده ایم ، ۲- صفحه مزبور مراجعه فرمایید . ۳- مورد فیلمهای سال گذشته نیز بارها در همین صفحه فروش ها را چاپ کرده ایم . دوره مجله را مطالعه کنید ۴- آدرس «دقیق آدرس» دارید که برای این مجله فرستاده شود .

## مشهد - آقای سعید فرهنگند :

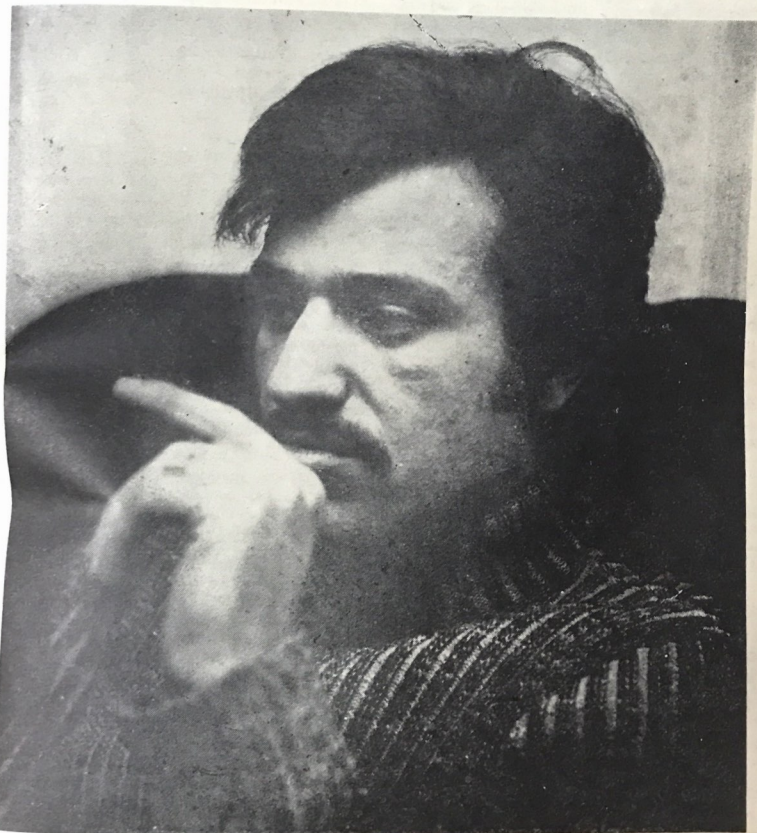
مطلب ارسالی شما در مورد خلام ژاندارم دریافت داشتیم، چون برای ما قابل استفاده نبود و صفحه ای بدین منظور نداریم آن را جهت مطالعه تهیه کنیم و کارگردان فیلم مزبور ارسال داشتیم.

## قوجان - آقای فریدون گوریزان :

۱- در مورد بردن نامی اقدام

حرفهای تازه «فریدون زورک» فیلمساز موفق سینمای ایران

# از «صفر» تا «بینهایت»





● **من از تمام جزئیات ساختن يك فيلم آگاهی دارم و همین ار دردم این ایجاد و سوا س کرده است .**  
 ● **من فکر میکنم بعضی ها با عنوان کردن کلمه « تجارتي » میخواهند کار مرا تخطئه کنند.**  
 ● **بمنظرم هر کارگردانی مؤلف است که مونتاز فیلمهاش را خودش انجام دهد.**

**- بعنوان اولین سؤال  
 خاستم بپرسم که شما چه  
 تجربیاتی در زمینه سینما قبل  
 از آنکه وارد مرحله فیلمسازی  
 شوید بدست آورده و این  
 تجربیات در چه مراعاتی بود و  
 بچه صورتی انجام شد؟**

- در دهه ۳۰ که تحصیل می -  
 کردم بصورت کارآموز باستودیو  
 کاروان فیلم کلاسیمار از جنس پان  
 نوار در آن استودیو آغاز کردم .  
 بتدریج بکارهای صدا برداری که  
 زیر نظر مرحوم محمود نوذری بود  
 وارد شدم و سپس مشغول کار شدم .  
 بعد از آن رفته رفته از کارهای  
 مونتاز تکلیف ، صدا ، افکت و  
 لابراتوار تجربیاتی بدست آوردم .  
 بافت مرحوم نوذری من از کار  
 در کاروان فیلم دست کشیده ، و  
 باستودیو سایه فیلم مدتی در آنجا  
 در آن صدا برداری کار کردم ، بعد  
 از آن باستودیو مهرگان فیلم رفته  
 و بدست مدبر فنی استودیو ، استودیو  
 رسمی آنجا شدم و این زمانه ، بخود  
 که تحصیلاتم پایان یافته بود در  
 زمان تصدی کار در مهرگان فیلم  
 بطور کلی همه امور فنی از چاپ و  
 لابراتوار و صدا برداری و ساختن  
 آونسی زیر نظر من بود چون  
 تصمیم گرفتیم ، بودم که فالترت را  
 در زمینه فیلمهای ایرانی گسترش  
 دهم و از امور فیلم برداری اطلاعی  
 نداشتم ، شروع ساختن فیلمهای

● **در فیلدون ژورک فیلم ساز خود ساخته ای است که تاکنون با کارگردانی آثار فروش موفق چون ایوب ، حیدر ، تخال ، شورشوب ، توانسته است نام خود را بعنوان يك چهره سرشناس و موفق در سینمای ایران ثبت کند.**  
 وی با آنکه بیوسه از گفتگو و مصاحبه با مطبوعات طفره میورد ، مهذا فیلم او هر بیوسه درسد آن بوده که با دیداری از وی و ترتیب دادن گفتگو ای از نظر فانی ، فوایش و سالی که کارش مطلع گردد و راجع بهمه ساللی که بگرفیلم و سینما وابستگی پیدا میکند اطلاع حاصل نماید .  
 در این گفتگو که با وی در دفتر سازمان سینمای ژورک انجام گرفته ، برای اولین بار ژورک بطرح مسائل و حرفهای تازه ای می پردازد که بسیار برای دوستداران او و سینمای ایران تاریخی خواهد داشت .

تجلیاتی نمود . در این فیلمها از نظر مالی بکارگردانان و فیلم برداران آوانس های مالی میدادم که کار یاد بگیرم تا اینکه در سال ۱۳۴۱ از مهرگان فیلم بیرون آمدم و مستقلاً کار فیلم ایرانی را شروع کردم . برای این منظور با آقای رئیس فیروز بعنوان کارگردان قرارداد بستیم و بعنوان تهیه کننده ، شروع ساختن این فیلم کردم با تجربیاتی که در زمینه فیلم برداری بدست آورده بودم ، فیلم برداری آن فیلم را نیز خودم انجام دادم ، در طی تهیه این فیلم به امور دکوپاژ فیلم و فویش و فویش نامدار که خود آشنا بودم تسلط یافته ام که خوشگلان و قهرمان نام داشت ، موزیک کارگردانی کردیم و فیلم برداری و این کار را تا مرحله فویش ادامه دادیم .

**- در طی صحبت های خود  
 بسنله ای اشاره کردید و آن این  
 بود که شما در همه امور فنی  
 فیلمسازی تسلط کامل دارید .  
 بنظر شما این تسلط چه منافی  
 برای يك کارگردان در بردارند؟**  
 - این تسلط که من در کار تکنیک دارم برایم زحمت فوق العاده ای ایجاد میکند ، بدلیل اینکه چون من این کار را از ژورن اولی که شروع کردم یله به یله آغاز کردم ، تمام کار يك فیلم را بنتهائی بلدم انجام دهم و همین

دلیل در گذشته حتی فیلم برداری فیلمهای را خودم انجام میدادم ولی اخیراً بجز آنکه کارگردانی فیلم برعهده ام است ، کارهای دیگری هم باید انجام دهم و از نظر وقت در مضیق ام ، برای فیلمهای فیلم بردار انتخاب میکنم چون من از تمام جزئیات ساختن يك فیلم آگاهی دارم همین مسئله سبب ایجاد و سوا س کرده شده که همه چیز را زیر نظر بگیرم و این بدان علت نیست که من یکسکی مطمئنان ندارم ، بلکه کنترل کار حتی فیلم بردار برای من بصورت یک عادت در آمده ، بگذارید مسئله را برای شما مطرح سازم ، شاید من اولین کارگردانی باشم که با وجود ساختن چندین فیلم ، هیچ يك از داستانهائی فیلمهایم از روی فیلمی کپی نشده و تصه و داستان فیلمهای را خودم اسکلتش را بوجود آورده ام . این خودش کاری است بر دوسر ، در مرحله فیلم برداری کار فیلم بردار را دقیقاً کنترل میکنم ، چون باین رشته کاملاً واردم . همین نسبت آستان فیلم بردار از نیز خودم کارش را کنترل میکنم برای آنکه میخوام مطمئن شوهری که این اتفاق میشود صحیح هست یا نه ، نور را نیز خودم کنترل می کنم و در تنظیم آن دخالت دارم ، از این مرحله که بگذریم کارگردانی نیز بعهده من است . تازه پس از اتمام فیلم برداری کارو زحمت من آغاز میگردد ، در صدا برداری همیشه حضور دارم زیرا در بعضی موارد صدا بردار نبوده و یا آنکه اشتباهی در کارش رخ داده ، خودم صدا برداری را انجام دادم . ساختن آونسی فیلمهای نیز با من است و خودم شخصاً انجام میدهم ، در مورد افکت و موزیک نیز اکثرآ خودم کارهای فیلم را انجام میدهم ، نه از جهت آنکه از نظر مالی

صرفه جویی کنم ، بلکه بعلت سوا س است که در کارم دارم ، حتی اگر تکسیونی کار را انجام دهم مهذا آنرا شخصاً نظارت و کنترل می - کنم و حتی این کار باعث پیشوایی شهبای بسیاری برام شده است . اما در مورد اطلاع اطلعا از امور فنی چنانچه بحال کارگردان دادد باید بگویم وقتی کارگردانی از همه جزئیات ساختن يك فیلم اطلاع داشت و آنرا کنترل کرد بهتر میتوان نمود افترای که ساخته ، باشد و بالطبع در کارش از هر جهت موفقیت زیادتری پیدا میکند و عوین و نقی کمترین فیلم ساختن میشود .

**- اگر ما در کارهایی که شما تاکنون ساخته اید بررسی کنیم بیشتر این مسئله بچشم میخورد که شما بیشتر روی « فرده کتبه » میکنید ، فکرمی کنید این « فرده کتبه » در فیلمهای شما بر اثر چه عاملی بوجود آمده است ؟**  
 - من فکر میکنم بیشتر مر بوط بر وجهه ام باشد ، زیرا خود من بیشتر قهرمان پرستم و در تمام مراحل زندگیم بقهرمانان خیلی اهمیت میدهم همین خاطر بیشتر توجهم در داستان فیلم مر بوط به فرد واحدی است و آنچه که او را از دیگران متمایز ساخته بصورت يك قهرمان در میآورد .

**- عده ای معتقدند که در کار ساختن فیلم بیشتر جنبه تجارتي فیلم توجه دارید تا جنبه هنری آن و نگاه فیلمهای شما که اکثرآ در دردی زایر و فویش این فیلمهای سینمای ایران است این مسئله را با ثبات برساند ، خودتان در این مورد چه نظری دارید؟**  
 - من فکر میکنم بعضی ها با این کلمه « تجارتي » میخواهند کار مرا تخطئه کنند ، من معتقدم که فیلم را باید بر مردم ساخت

هفته

# یادداشتهای

کسیم که هفته گذشته یکی از هنرپیشگان سکسی فیلمهای فارسی چار و پنجبال راه انداخت که حاضر است در قبال پیروزی فونالیست های ایرانی بر تیم کویت ، مورد مفضلی در خانه اش بدهد. که البته سابقه در «قاهره» بر گذار نشد و گویا قضیه سوز دادن فلامنتی شده است؛ ولی آیا پیشتر نبود که این خانم تصمیم میگرفتند بنظر بهترین فیلم ایرانی سوز بدهند؟ بقول معروف اول از خود، بد دیگران ...

۴ . صفار

## ● هنرپیشگان تأمین ندارند!!

نظریه یکی از خوانندگان مجله بنام خانم « فلورا » که مدتی در لندن به تحصیل مشغول بوده است موضوع جالبی برای یادداشتهای هفته میباشد. این خواننده عزیز که باهیجان تمام صحبت میکرد متذکر بود که هنرپیشگان ایران هیچ تأمینی ندارند. هنرپیشه های که سالهای جوانی خود را در سینما و تئاتر از دست داده است اکنون که دیگر نمیتواند کار کند چنگار باید بکشد؛ او واقعا به آرامش بیشتری نیاز دارد. مگر او نبوده است که عمر خود را در سینمای این آب و خاک تلف کرده است؛ اکنون که بازنشسته شده چنگار باید بکشد؟

باکمی تعمق بفکر قابل تحسین این خواننده عزیز باین نتیجه میرسیم که در سینمای ایران علیرغم پیشرفت های چشمگیری هنوز کسی پیدا نشده است سمیانه ویا تمام وجود بفکر هنرپیشگان باشد. من خود پشتمه هنرپیشه ای را میشناسم که زندگی خود را وقف سینماواتار این مملکت کرده است وعمیشه نیز جزو یکی از بهترین ها بوده است و اکنون که از فعالیتش کشته شده است تنها و منزوی است. هنرپیشه های که روزی روی پرده سینما و روی سن تئاتر میزدند را بگریه و امیدداشت. اکنون به روزگار خود گریه می کند چون آه در بساط ندادند!

چرا؟ برای چه هنرپیشگان ما تأمین ندارند؛ چرا هنرمندان ما که دستمزدشان پست است کمتر از سایر هنرمندان کشورهای بیگانه هست نباید همچون آنان در مقابل حوادث هنگام فیلمبرداری بیسه شوند؛ و چرا نباید صندوق تأمونی و یا هر چیز دیگر وجود داشته باشد که بتواند مرجمی باشد بر خزه های یک هنرمند در دوران کهنوت؟ ای کاش حداقل سندیکای هنرمندان زودتر برپا شود تا بتواند بدون شك دولت نیز با حسن نیت تمام از این فکر استقبال خواهد کرد تا آنچه بهره این دسته از هنرپیشگان سینما و تئاتر روشن شود و تالاق آنها موجود نتواند دوران پیری خود را در فقر و تنگدستی بگذرانند. در آرزوی روزی که همه هنرمندان این مملکت تأمین داشته باشند.

حسن - مرتضوی

## ● مزد سکوت!

در یکی دو هفته اخیر هر جا با یکی از این هنرمندان بر - خود کرده ایم و خواسته ایم که عقیده شان را مثلا در مورد فلاغ موضوع روز یا فلاغ هنرپیشه که باید در چند ماه بعد با آنها کار کند، جویا شویم، حضرات پاکدامن از سر بیدار کرده و همچنان مهر سکوت را بر لبان خود حفظ کرده اند.

نکته قابل تذکر آنکه عده ای از هنرمندان ما بدمجوری محافظه قیه در صفحه ۲۹

## ● انتخابات سندیکای هنرمندان

پنجاه و هفتمین هفته ساعت ۳ بعد از ظهر در تالار موزه انتخابات هنر سندیکای هنرمندان فیلم ایرانی تجدید میگردد . چهار سال قبل، وقتی حمید قنبری در پشت میزکرن پاشگاه هنرمندان استودیو مناقبه اجازه تشکیل سندیکای نشان داد، من شاهد گریه خوشحالی او بودم. در آن روز او اظهار داشت بعد از بیست سال تلاش و ایجاد چندین سندیکای مختلف بالاخره هنرمندان ایران دارای يك تشکیلات قانونی شدند.

آنروز من در قیافه مصمم قنبری میدیدم که چه شور و شوقی هویدا است و احساس میکردم که تا جمیع بنگاری که آغاز شده خوشبین است. از آن روز چهار سال میگذرد، حالا سندیکای يك اطافه هنرمندان فیلم ایرانی، بصورت یکی از بهترین ساختمانهای تهران در آمد و تالاری که در طی چهار سال برای فاده هنرمندان سینمای ایران بعمل آمده ، وضع آنرا دیگر کوناستاخته و بیخامه هنرمندان تخصصیست داده است و آنان را در يك کانون گرم و فعال جمع کرده است هر چند هم هنوز هم که هنوز است گروهی منفی باف با وجود این سندیکها لغت کرده و اثراتش را نادیده میگیرند، ولی بحق باید گفت که هنرمندان این شایستگی را نشان داده اند که می توانند بصورت يك جامعه متحد از حقوق فرد فرد خود دفاع کنند.

با آنکه شایمانی در مورد تحریم انتخابات این دوره بگوئیم - رسد، همه ما بنظر من وظیفه فرد در هنرمندان عضو سندیکاست که در اجتماع بزرگی که هشتاد و پنج ساله تشکیل میگردد شرکت کنند و در نهایت آزادی بکابندیهای خود رای دهند و نگذارند که سر نوشت آنها معلم دست مشتی آدم منفی باف و سودجو قرار گیرد.

علی - مرتضوی

## ● «جنگ اعصاب» و «ماجرای فو تبالیست ها»!

چندی پیش « فرخ ساجدی » را در یکی از استودیو ها دیدم که سخت چهره اش گرفته بود ، و میگفت که میخواهد برای مدتی با اروپا برود تا « اعصابش » تسکین یابد. ساجدی خیلی درددل داشت. میگفت سینمای فارسی یعنی « جنگ اعصاب »!

مرتب باید با این و آن سروکله زد و در پیاره چنگ و سفته و دستمزد و این جور حرفها بحث و گفتگو نمود. حرف ساجدی مرا یباد چکههای برگشتی بعضی از تهیه کنندگان تازه وارد انداخت که باعث در دسر هنرپیشگان میشوند و ناخود آگاه عده ای از دست اندر کاران و مسئولین سندیکای هنرمندان را دچار جنگ اعصاب و بیگومکو میکنند . راستی چرا ؟

وایضا در حاشیه یادداشت هفته بدینست این نکته را هم اضافه

وجود دارد.

از پول می‌گذارد و می‌خواهد استفاده کند، بنابراین تهیه‌کننده‌ای اگر بتواند در فلسفه فیلمسازی تعادل بکشد، یعنی تعادل تجارتي همانا پس که فیلم را نگاهدارد، ولی اگر دست فیلمساز پات بود و بدون وسوسه و بدون آنکه بفکر چک و سفته و از این جور کارها باشد، فیلمساز را بازار آنوقت ما می‌توانیم امیدوار باشیم.

● **مهرجویی در فیلم «گاو» با مشکلات معنوی و مادی بسیار روبرو شد ولی با همکاری سایرین این فیلم را ساخت. حال که شما می‌گویید يك فیلمساز باید بدون توجه به مشکلاتی مادی فیلمی بسازد، می‌خواستم سؤال کنم چطور شخصی مانند مهر - جویی توانست اینکار را بکند و سایرین نمیتوانند؟**

- شما از کجا میدانید اگر مهرجویی دست و پا نشد در ساختن این فیلم باز می‌بود، فیلمش به مراتب بهتر جواب ترمیشت؟

● **درست است، ولی می‌خواهم بگویم یا پول کم و یا امکانات کم نیز میشود فیلم خوب ساخت. ما بی‌تایم بی‌تیم مقرر اصلی در این وسط کیه.**

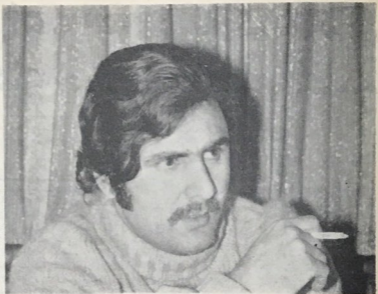
- ما برمی‌گردیم بهمان عزت نفس و گشختن که در مورد مهر - جویی شما گفتیم که آدمی بی‌عاطف ایندو طرفش از زندگی مختصرش قناعت کند، و این امر با زندگی سینمایی واقعا مناسبت دارد و مشکل است.

دوستان دیگر زندگی خوب و ماشین آخرین سیستم دارند. ولی اگر یک نفر بخواهد از همه‌ی اینها بگذرد و عزت نفس نشان دهد، واقعا بنظر شما چندان می‌تواند دوام پیدا کند؟

● **حال بر گردیم بخود شما، می‌خواستم بدانم منهای دوران تحصیلات در آمریکا، آیا قبل از فیلم «دکتر» و فیلم دیگری ساخته‌اید؟**

- خیر - من هیچ تجربه‌ای به‌عنوان فیلمساز نداشته‌ام.

● **حال به‌عنوان کارگردان ممکن است عواملی که باعث پیشرفت کارگردان و عواملی که بقیه در صفحه ۲۸**



مالی است.

يك فیلمساز مثل مهرجویی تمام لذات زندگی را از خودش بریده. من مهرجویی را خوب می‌شناسم، آدمی است که بعد اقل قناعت کرده و فیلم می‌سازد. خوب همه اینطور نیستند، همه فیلم - سازان، بدون آنکه بخواهم یکسوی توهمین کنم این از خود گشختگی را ندارند.

حالا آمدیم توی این کار. ماه بعد از بی‌رحمی کشیم، عده‌ای می‌گویند که در سینمای مأمالی وجود دارد، در صورتی که اینطور نیست. ما استطاعت و امکانات مالی نداریم، یعنی يك فیلمساز ایرانی «سوپر» مالی ندارد. فقط این اواخر آقای مبتلاقیه يك مقدار امکانات در اختیار فیلمسازان جوان گذاشته‌اند و آنها نیز اکنون مشغول ساختن فیلم هستند، و حتی گفته‌اند که هر نوع فیلمی می‌خواهد بسازید بسیار خوب، این فقط يك نفس است.

در يك اجتماع ۳۰ میلیونی که الان داریم ما با افرادی بیشتری احتیاج داریم، افرادی که استعداد فیلمسازی دارند. نباید نرسد تهیه‌کننده‌ای برود. همان طوری که می‌تواند تهیه‌کننده يك تاجر است، این موضوع در همه دنیا

## معصومیت های از دست رفته

● **فریدون گل: مهرجویی تمام لذات زندگی را از خودش بریده.**

● **ما همیشه هنگام فیلمبرداری درگیری تلخ و زنده‌ای با مردم داشته‌ایم.**

● **بايد مطلب «مردم و سینما» هر چه زودتر حل شود.**

### «۳»

که فیلمهای ما بخارج نرود و بالااقل فیلمهای خوب ما مثلا هالوو - در شکلی - فیصلر و یا داش آکل فرق نمیکنند. فیلم حالی که با اقبال تماشاچی روبرو شده است؟

- بنظر من، اگر يك فیلم از يك کشوری که سینمایش عقب‌تر از سایرین است بخواهد خودش را بک محیطی که سینمایش جلوتر است بکشانند مستلزم داشتن «يك گراند» میباشد و این «يك گراند» بقمیده من فقط بنقط استطاعت

- حال ما باین نتیجه رسیدیم که بپه‌های ما از بسیاری جهات از فیلمسازان خارجی مثلا کشور همسایه خودمان هندوستان، بر مراتب سینما را بهتر میشناسند. من این سؤال را مطرح میکنم که چرا ما نباید فیلمی در سطح جهانی بسازیم. و فقط به خاطر تماشاچی تهرانی و شهرستانی فیلم بسازیم. و بیاییم حلاجی کنیم که چه عاملی باعث میشود

# جنجال اعتراض تهیه کنندگان بگر وهای نمایش دهنده فیلم

جنجال بزرگ «۹ مرد مبارز» با مراحل باریک تری میرسد

تهیه و تنظیم از: جمشید ارمیان

بزرگ فروش فیلم های فارسی را هر سال در یکی دوتا از شهر های بزرگ ناپسود میکند فی المثل اخیراً این وضع در مشهد بوجود آمده است . کلوژیون ۵۰ درصد از فروش فیلم های ایرانی را پالسن می آورد .

من که تهیه کننده ای قدیمی هست و مسدست ۲۲ سال است که مشغول تهیه فیلم هستم و خودم هم مستقیماً فیلم هایم را پخش میکنم الساعه با احتیاط دست به تهیه فیلم میزنم چون خفتاد درصد خطر ضرر هست . با این وصف معلوم نیست آن کسانی که تازه قدم به این کار می گذارند ، چه باید کنند؟

از طرفی ، هنر پشه های طراز اول ما هم به چوچه حاضر نیستند دستمزدهای کلان خودشان را پالسن بیاورند و بطوریکه در سه ماه اخیر همه دیدیم ، فیلم های بزرگی که پرخرج هم بودند و

نداریم وهم آن که سرعایه تهیه کنندها بخاطر نمی آید ، چون سه فیلم فارسی روی هم نمی خورد و به همین دلیل لطمه نمی زند .

اصولاً تماشاگر فیلم ایرانی ، یک بودجه معین برای دیدن فیلم فارسی دارد . اگر در هفته دو فیلم باشد این بودجه برای این دو فیلم خرج میشود ولی اگر سه فیلم در یک هفته روی پرده بیاید ، این بودجه بین این سه فیلم تقسیم می شود . از طرفی در شهرستان ها که اغلب دو گروه نمایش دهنده فیلم فارسی هست ، همیشه یک فیلم زیاد دارند و آنها هم فیلم های سبک و سنگین می کنند و به فیلمی که نسبت به دو فیلم دیگر آن سنگین ضعیف است یا پند به نوبت نویی یکی از گروه ها بخواهند سر نوشت تهیه کنندگان معلوم نیست چه بشود!

از سوی دیگر ما دشمن بسیار بزرگی بنامی پیدا کرده ایم و آن تلویزیون است . این دشمن

هر هفته بر میزان استقبال تهیه کنندگان سینمای ایران از این بحث اساسی و حیاتی که بعنوان یک موضوع روز سینما در ایران تلقی شده ، افزوده میشود و مسا خوشحال هستیم که با ادامه این بحث و ایجاد روزنه های متعدد جهت راهگشایی های لازم و مفید فایده ، وظیفه اساسی خود را درقبال این مسأله حیاتی بنحو کامل انجام میدهیم .

اینک در این هفته ، عقاید سه تهیه کننده و یک مدیر سینما را که برایمان رسیده در ذیل می آوریم و در هفته های آینده پس از پایان این بحث داغ ، میزگردی بسازیم که تمام افراد صاحب نظر در سینمای هنرمندان ترکیب خواهیم داد تا نتیجه و دستورالعمل های لازم برای این مسأله تعیین و برآورد گردد .

## عباس همایون:

در مورد وضع فعلی فیلم -

های ایرانی نظرم این است که در حال حاضر این تورم فیلم که به وجود آمده بیشتر به گذشته ارتباط دارد . چون قبلاً این مقررات لایحه الاجرائی که اکنون صنایع فیلم متندان و اتحادیه صنایع ملی فیلم ایران برای اصلاحیت کارگردانان تهیه کنندگان فیلم ایرانی جهت تهیه فیلم وضع کرده است ، وجود نداشت و لاجرم عمده ای فیلم های تهیه کردند که امروز مشاهده کنیم این فیلم های مبتذل که تهیه کنندگان در گذشته تهیه کرده اند و معدتها در توقیف بود ، بالاخره وزارت فرهنگ و هنر پس از دو سال که از توقیف آنها می گذشت ، همه را آزاد کرد .

این فیلم های توقیف با فیلم هایی که قبلاً دارند مسا ند ، یک مرتبه جمع شد و تورم فیلم را به وجود آورد .

اکنون مشاهده می کنیم که با وجود آن که سه گروه جهت نمایش فیلم های ایرانی موجود است ، باز هم عمده ای برای فیلم هایشان

اگر آن بدست نمی آوردند و من عمده ای از تهیه کنندگان را می شناسم که مرتب با من تلفن می کنند و راجع به فیلمشان اگر آن نمی خواهند و من می گویند یا آقای متناهی صحبت کنم ولی مستأفانه تا اردیبهشت ۵۱ برای فیلمها قرار داد بسته ایم و محل خالی نداریم .

به اعتقاد من در سال ۵۱ با این سخت گیری هایی که در حال حاضر وزارت فرهنگ و هنر و اتحادیه صنایع ملی فیلم ایران و سینمای هنر متندان برای تهیه فیلم فارسی بعمل می آورند و تهیه کنندگان حقیقی هم در سال برای دو گروه بیشتر نمی توانند فیلم تهیه کنند . من پیش بینی می - کنم سال آینده اگر سه گروه داشته باشیم کم بود فیلم پیدا خواهیم کرد و شاید منجور بشویم مثل گذشته باز صادرات به نمایش فیلم های هندی و اخیراً عربی کنیم که چیر آن کم بود بشود . ولی عقیده من این است که اگر این گروه های فعلی در سال آینده دو گروه کاهش یابند ، هم احتیاج به نمایش فیلم هندی



عباس همایون

عباس همایون :

تلوئیزون، دشمن تازه و خطرناک فیلم

ایرانی است!

حسامیان :

وزارت فرهنگ و هنر و سندیکای

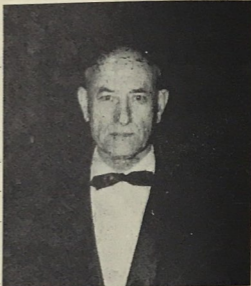
هنرمندان باید راه‌حلهائی برای این

موضوع پیدا کنند.

صادقی :

من معتقدم که عده‌ای از صاحبان فیلم

به صاحبان سینماها اجحاف می‌کنند!



حسامیان □

۵۰۰ هزار تومان فروخت باید  
نمایش آن در هفته دوم ادامه پیدا  
کند و اگر یک میلیون تومان  
فروخت باید به هفته سوم برود.  
از سوی دیگر صاحب سینما  
هم گناهی ندارد. آنها سرمایه‌گذاری  
کرده‌اند و باید کاری کنند که  
سرمایشان برگردد. آنها وقتی  
می‌بینند دوتا سینما فروش می-  
افتد، مجبور میشوند عوض کنند.  
مثلا عموپادکار را باید یک هفته  
دیگر ادامه بدهیم درحالی‌که ما نظور  
که عرض کردم پاستی امروز عوض  
میشد.

در مورد تعداد گروه‌ها من  
معتقدم که دو گروهی ۱۰ سینمایی  
برای اکران اول و یک گروه ۱۰  
ثانی برای اکران دوم تشکیل شود  
که بلافاصله فیلم‌ها از اکران اول  
به اکران دوم بروند. بدین ترتیب  
هم صاحب فیلم پولش برمیگردد  
و هم صاحب سینما راضی خواهد شد.

این بحث ادامه دارد

اونیورسال) :  
□ مساله اجحاف سینما ها  
به تهیه‌کنندگان سینما ممکن است  
تا حدودی صحت داشته باشد شاید  
عده‌ای باشند که به صاحبان فیلم‌ها  
اجحاف می‌کنند، اما گروه ما  
فقط این کار را نمی‌کنند، بدلیل  
آن‌که ما فلام ژاندارم‌ها را که  
در هفته دوم هنوز فروش به یک  
میلیون تومان نرسیده بود،  
عوض نکردیم و به هفته سوم  
بردیم.

من معتقدم که عده‌ای از  
صاحبان فیلم‌ها به صاحبان  
عموپادکار می‌پاستی امروز  
( چهارشنبه ۸ دیماه) عوض  
می‌شد اما ما این کار را نکردیم.  
شاید صاحبان فیلم تا اندازه‌ای  
حق داشته باشند، ولی گروه ما سعی  
می‌کند مواضبات رضایت خاطر  
آنها را فراهم آورد. در مورد مثلا  
«حیدر» من شخصا معتقدم که نمی  
پاستی آن گروه فیلم را عوض  
می‌کرد!

در مورد فروش و تمویض یک  
فیلم من معتقدم که این امر به  
ضخیم باقوی بودن گروه و خوبی  
یا بدی فیلم ارتباط پیدا میکند.  
اگر فیلمی در هفته اول بی‌مثال

و میگویند «تمهت داریم»  
در مورد گروه‌های سینمایی،  
زمانی توافق شد که هفت سینما  
بیشتر نباشد. بیه ناگاه تعداد  
سینماهای یک گروه به چهارده‌الی  
شانزده سینما هم رسید و وضع این  
صورت درآمد که اکنون ناظر آن  
هستیم. در این گروه‌های پانزده  
سینمایی احتمال دارد فقط پنج یا  
شش سینما فروششان خوب باشد،  
بقیه سینماها فروششان از روز  
شنبه، یکشنبه به بعد می‌افتد. سینما  
های بزرگ بالای شهر بخاطر  
جبران فروش سینماهای کوچک،  
این بازتدا راه می‌اندازند!

من معتقدم که گروه‌ها باید  
۵ الی ۷ سینمایی بشوند، چرا  
که در این صورت فروش آنها  
پایین نمی‌آید و این وضع ایجاد  
نمی‌شود و فروش سینما های  
کوچک که روزهای پنجشنبه،  
جمعه و شنبه خوب است نمی  
افتد.

راستی چرا پانزده سینما؟  
وزارت فرهنگ و هنر بقیه  
من باید در این کار مداخله کند  
و یک آئین اصولی تدوین کند  
یا قرار دادی از طرف سندیکا  
تعیین شود که هر کس خلاف  
کرده، خسارتش را جبران نماید.  
● صادق (مدیر سینما

هنرپیشه‌های بزرگی داشتند،  
تهیه‌کنندگان‌شان را به ورشکستگی  
سوق دادند.  
با این وصف من آخرین راه  
حلی که بنظر می‌رسد این است  
که روسای اتحادیه‌ها دورهم جمع  
شوند - برای آنکه صنعت سینما  
از بین نرود و تهیه‌کنندگان حقیقی  
سقوط نکنند - جلساتی تشکیل  
دهند و راه حلی برای این کار  
پیدا کنند.

حسامیان: □

من فکر می‌کنم که تمویض  
فیلم‌ها باید تابع قراردادی باشد  
که بین صاحب فیلم و صاحب سینما  
منعقد میشود و اگر تخلفی در این  
مورد صورت گیرد، خسارت آن  
داده بشود. همه باید این کار را  
بکنند. این مساله عرضه و تقاضاست،  
طرفین باید در موقع عقد قرارداد،  
مواد کارشان را به وضوح ذکر کنند.  
بنظر من صاحبان فیلم،  
تهیه‌کنندگان و صاحبان سینما  
باید یکجا دور هم جمع بشوند و  
خودشان راه حل مناسبی پیدا  
کنند. اکنون این مشکل فلسفی  
در شهرستان‌ها هم ایجاد شده است.  
مثلا فیلمی را همزمان با تهران  
در شهرستان‌ها بروی اکران می  
آوردند و هنوز فروش فیلم در تهران  
پایین نیامده، فیلم‌ها را عوض می‌کنند

# سینمای مسلح

## در ایران

- سینمای شمشیر، گرز و سپر
- فیلمهای جنایی
- فیلمهای جاهلی

۱

● از همان سال ۱۳۲۲ که فعالیت فیلمسازی در ایران بصورت جدی دنبال شد، سینما گران و دست آنقدر کاران امور هنری، برای جلب توجه مردم فیلمهای ساختند که حادثه و زرد و خورد مسر اصلی داستان را معین میکرد و تماشاگر را با تهرمانان اصلی فیلم که با اصطلاح ازبه «یکهیزن» تر بود آشنا می ساخت.

از همان زمان «سینمای مسلح» در ایران ناخود آگاه بوجود آمده زیرا بجای مشت و لگد بوسیله شمشیر، پالسلحه و یا خنجر و دیگر آلات کشفه بهتر میتوانستند تماشاگر را به هیجان بیاورند و او را روی سندی سینما میخکوب کنند.

اکنون ما به بررسی سینمای مسلح در ایران می پردازیم، و برای اینکه در این بررسی مشکلی ایجاد نشود، آنرا به دسته تقسیم می کنیم.

- ۱- فیلمهای تاریخی
- ۲- فیلمهای جنایی
- ۳- فیلمهای جاهلی

● اولین فیلم تاریخی سینمای ایران

دکتر کوشان در اوائل سال ۱۳۲۷ بوسیله چندتن آندوستان خود «میتزافلم» را تشکیل داد و فیلم ملوفان زندگی را ساخت.

اما این فیلم چندان موفقیتی بدست نیاورد و دکتر کوشان را بر آن ساخت که پارسیفلم را تأسیس کند. بالاخره این تصمیم در اوائل سال ۱۳۲۷ بمرحله اجرا درآمد و اولین فیلم مسلح سینمای ایران با نام «زندانی امیر» جلوی دوربین رفت.

در این فیلم «زینت مودب» و «مهندس طاقی» ایفای نقش میکردند. سوژه این فیلم سرگذشت جوانی بود با سر برزو که عاشق دختر یک حاکم عرب میشود و او را از توطئه ای که علیه اش شده است نجات میدهد سپس با یکدیگر ازدواج میکنند.

در این فیلم برزو برای سرد با دشمنان خود از خنجر و شمشیر استفاده کرده بود و تماشاگران فیلم فارسی نیز برای اولین بار با سینمای مسلح فارسی آشنا شدند. فیلم زندانی امیر، بواسطه تم حماسی و قهرمان سازی که در آن شده بود مورد توجه قرار گرفت و در حدود چهل هزار تومان فروش کرد. که در آن زمان این مبلغ، قابل توجه و چشم گیر بود.

در سال ۱۳۳۱ نیز قرار شد که پارسیفلم، یک فیلم تاریخی دیگر بنام «تاد شاه» بسازد که نقش نخست آنرا نصرت الله محنت افینا میگرد. اما چون پارسیفلم در آن زمان دچار حریق شد، از اینرو تهیه این فیلم موقوف ماند و با تمام ترسید.

و آقا محمدخان، فیلم دیگری بود که ماجراهای تاریخی آن، باعث فروش فیلم گردید. در این فیلم «نصرت الله محنتشو» ژاله و مودین ایفای نقش میکردند. و «قیام پشه وری» نیز که محصول

او را در تئاتل فیلم بود، با شرکت محمدی، و دادیان، بکارگردانی خطی ساخته شد.

در سال ۱۳۴۴ شاپور پاسمی کارگردانی فیلمی را برای یارس فیلم بهینه گرفت که «امیر ارسلان» نام داشت.

در این فیلم افسانه ای، اپلوش قهرمان زیبایی اندام آن زمان با «روفا» همبازی شد. در این فیلم که هم از شمشیر و هم از گرز و «سنگ» پهای اسلحه استفاده شده بود، برای اولین بار اپلوش و

روفا سینمای فارسی معرفی شدند و شهرت بسیاری بدست آوردند. امیر ارسلان یکی از فیلمهای موفق تاریخ سینما در ایران می باشد. «مستشار جزیره» نیز از فیلمهایی بود که سعی شده بود تم حماسی داشته باشد. این فیلم در استودیو «ایران فیلم» توسط جمشید شیانی و با شرکت صادق بهرامی ساخته شد.

از فیلمهای مسلح تاریخی، باید «یوسف و زلیخا» را نام برد که سال ۱۳۳۵ با شرکت مهدوی و شهره دربار سینما، توسط پیامک پاسمی ساخته شد. و بعد از آن در سال ۱۳۴۶ فیلم «قزل ارسلان» که تقریباً در همان حال هوای امیر ارسلان بود بر روی آکران آمد و اپلوش و ماه جهان نقشیهای اصلی آنرا به عهده داشتند.

«مهدی رئیس فیروز» پس از موفقیتی که نصیب فیلمهای امیر ارسلان و قزل ارسلان شد، در دبا تا فیلم، «درسم و سهراب» را با شرکت تقوی، انقطاع و روفا جلوی دوربین بقیه در صفحه ۴۰



□ روفا هنر پیشه ای که با اولین فیلمهای «سینمای مسلح» شهرت یافت

# من از «میعادگاه خشم» دفاع میکنم

● من و فردین بخاطر سکانس نهائی فیلم دچار اختلاف

نظر شدید شدیم .

● داستان میعادگاه خشم اقتباسی از فیلم آخر بن قنطار

سنان هیل بود.

## «۳»

سکانس نهائی فیلم با نظر شما عوض شد یا این که تهیه کننده در آن دخالت داشت؟

نه، من برای آنکه در این مورد محکم کاری کنم از تهیه کننده کلمه‌ای گرفته‌ام که سکانس پایان فیلم با نظری تهیه کننده و یا صلاحیت او عوض شده و کارگردان فیلم در این مورد هیچ نوع مسئولیتی ندارد چون من دقیقاً میدانستم که بر سر فیلم چه پلاژی خواهد آمد.

یک مسئله ایجاد طرح است، شما یک دلیل انتظار داشتید که فیلم من با موفقیت زوربو شود. تهیه کننده باین دلیل منو فیلم داده بود که من در عین آنکه فیلم تجارتی میسازم، فیلم خود هم میسازم و چون بکلمه اقتدا داشت من با او گفتم که در صورتیکه پایان فیلم خوب شود، این فیلم چیز جالبی نخواهد بود حتی کار جالبی کشید کمین نوشته‌ام از او گرفته که بعداً اعتراضی بپیمان نیاید. زیرا من دانستم فیلم من بدون آن پایان چه پلاژی بر سرش خواهد آمد.

فیلم میعادگاه خشم به همان صورت که ملاحظه کردید بالاخره بنمایش درآمد.

اما باید یک مسئله را برای شما روشن کنم و آن اینست که داد و رد شدی این فیلم را بخاطر «سهراب کثون» آخرش بازی کرده بود، ایرت قادری نیز بهم چنین خود من تمام ۹۰ دقیقه فیلم را دزدی کرده بودم که به سکانس آخر فیلم برسم و تمام عوامل را در آن نقطه کور دور هم جمع کنم. اما با آن وضع که فیلم بنمایش درآمد همه

ما دعاغمان سوخت و برای همه ما دلیلی که برای آن بدنیال فیلم آمده بودیم از میان رفته بود. و طبیعی است همه ما نسبت سهی که در این کار داشتیم ناراحت شدیم و با آنکه من راجع به فیلم «سوجنم» خیلی حرف زده بودم راجع باین فیلم سکوت کردم و حرفی نزدم. در حالیکه من پیش از فیلم قبلی در مورد این فیلم فکر کرده بودم. از شروع فیلم برداری پست روز روی کارهای دورین فکر کرده بودم. شما در این فیلم شاید دو تا سه هزار لیکه بیشتر مشاهده نمی کردید. فضای فیلم اقتضا میکرد یک نوع کار دورین خاص در پیش پاره شود. کار دورینی که از کارگردانی او دیده‌ام فیکس می‌باشد استفاده شود و چون تعداد جمعیت همیشه یاد بود بنا بر این برای من ایجاد می‌ناتسن دیکسری را میگردم. میزان سن دیهدار، و من فکر کردم اگر فیلمی در این مایه ساخته شود

ما دعاغمان سوخت و برای همه ما دلیلی که برای آن بدنیال فیلم آمده بودیم از میان رفته بود. و طبیعی است همه ما نسبت سهی که در این کار داشتیم ناراحت شدیم و با آنکه من راجع به فیلم «سوجنم» خیلی حرف زده بودم راجع باین فیلم سکوت کردم و حرفی نزدم. در حالیکه من پیش از فیلم قبلی در مورد این فیلم فکر کرده بودم. از شروع فیلم برداری پست روز روی کارهای دورین فکر کرده بودم. شما در این فیلم شاید دو تا سه هزار لیکه بیشتر مشاهده نمی کردید. فضای فیلم اقتضا میکرد یک نوع کار دورین خاص در پیش پاره شود. کار دورینی که از کارگردانی او دیده‌ام فیکس می‌باشد استفاده شود و چون تعداد جمعیت همیشه یاد بود بنا بر این برای من ایجاد می‌ناتسن دیکسری را میگردم. میزان سن دیهدار، و من فکر کردم اگر فیلمی در این مایه ساخته شود



□ سکانس تجاوز به زن «قدم» بعثت اختلاف من و فردین توسط خود فردین کارگردانی شده بود. فردین و ارغوان در صحنه‌ای از فیلم میعادگاه خشم

بخطرات سکانس نهائی فیلم بود. میدانید که فردین خیلی با من دوست بود و بینم علاقه داشت و بینم محبت کرده بود و برای اولین بار در فیلمی که من میخواستم سازم و کسی نمیدانست که آیا من اصولاً میدانم دورین چیست یا نه فردین آمد و دورین فیلم من بازی کرد و این بین محبت خیلی بزرگی بود، منتها با توجه بهم چیزهایی که من در مورد پایان فیلم با شما حرف زدم میتوانم درنگ کنید که من باین پایان چقدر وابسته بودم. فردین میایل بود که پایان فیلم به طرفی که میخواهد گرفته نشود. اما من بخاطر این پایان کار را دنبال کرده بودم.

برای من مسئله «هاشم» «ستاره» و «قدم» مطرح بود یعنی آقدر که قدم بر این مطرح بود فردین مطرح نبود در نتیجه با آنکه می دانستم اگر پایان را به آن صورت که مایل بودم بگیرم، دوست و سپیتم با فردین قطع میشود. این کار را کردم یعنی من در ازای آن دست دادن دوستی و محبت فردین سکانس پایان را آنطور که مایل بودم گرفتم که متأسفانه حذف شد. وقتی که کارما در کشتان تمام شد و تهران آمدیم سکانس ابتدای فیلم باقی مانده بود و آن مسئله تجاوز بزن «قدم» در کنار رودخانه بود.

یعنی آخرین سکانس کارما در کشتان سکانس پایان فیلم بود و اختلاف من و فردین، وقتی که به تهران بر گشتم نتجتاً روابط دوستانه من و فردین هم قطع شده بود و همین علت هم در صحنه نشدم و برداری این سکانس حاضر نشدم و خودشان با استفاده از سانسریو فیلم برداری کردند.

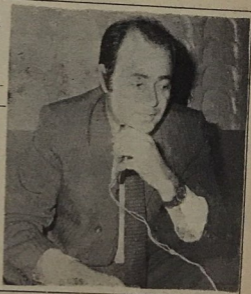
— در تریلز از فیلم «ام چهار نفر بعنوان سانسریو آورده شده بود، نقش این چهار نفر در تنظیم سانسریو چه بود؟

— شما میدانید که این فیلم اقتباسی از فیلم آخرین قطارگان هیل بود. رویک زادورسین این بقیه در صحنه ۴۲

يك گپ تلفنی با:

## امير شروان

سازنده فيلم «يك مرد و يك شهر»



● الو آقای شروان؟

□ بله ، خودم هستم .

● من از مجله فيلم و هنر

صحبت ميكنم .

□ خواهش ميكنم ،

حائتون چطوره ؟

● متشكرم ، آقای شروان

يك مرد و يك شهر ، چه جور

فيلمی است ؟

□ فيلمی است و رای تمام

فيلمهایی که تا کنون ساخته ام .

مردی در لباس پلیس و يك انسان

واقعی .. ماجرا مریضه ميشود

بزندگی شخصی او . و او در نهایت

فداکاری از زندگی ، زن و بچه

بخاطر اجتماعی که در آن زندگی

ميکند ميگذرد . سوره فيلم کلاما

نو و بسابقه است و جوابگوی

خواستۀ تماشاچيانی است که همیشه

گفته اند فيلمهای ایرانی يک نواخت

هستند ، زیرا اين فيلم از آن

يک نواختی هميشگی خارج شده

است .

● بازی هنر پيشگان چطور

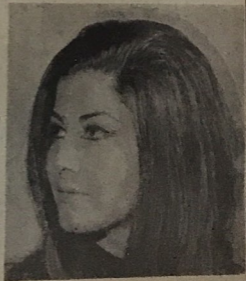
است ؟

□ همگی خوبست . آرمغان

# اين چهره های آشنا

يك گفتمگوی خودماني با:

## پوری بنائی



● سالهاست که اورا پنهان

يک زن هنرمند مينشاسم . چهره ای

دوست داشتنی دارد ، متواضع و

فروتن است کسی نيست که پس

از يك برخورد حتی اکر کوتاه باشد

شيته رفتار و اخلاق اونشود .

هر چند هنوز ازدواج نکرده

است ولی بازيک کنديا توی بشمام

معنی و يك خواهر مهربان همچون

مادر برای برادر و خواهرانش

ميباشد . سينما را دوست دارد و

بقول خودش دوری از آن برایش

امکان پذير نيست . همين دليل

هميشه کارش قرين موفقيت بوده

است .

اکنون بعد از مدتی کوتاه از

مسافرتش بايستران باز گشته است

بهمين دليل پديدش ميرويم . باز

متواضع و مهربان ، مثل يك دوست ،

يك آشنا پذيرای ما می شود . آزاد

ميخواهيم که علت مسافرتش را

برايان بگويد .

« بيست سالی بود که ناراحتی

معهه داشتم . در ملی اين نيست

سال چه ناراحتی ها که نکشيدم ، حتی

گاهی اوقات هنگام فيلم برداری

دچار ناراحتی ميشدم و اين موضوع

بيشتر مرا من رنج ميداد من اصولا

برای کسانی که در سينما فعاليت

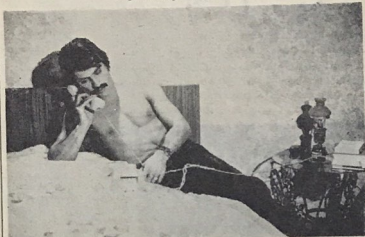
دارند ارزش قائم و هر وقت وقته ای



چهره به چهره با :

# سیامک دولتشاهی

فروخته‌ای که خوب درخشید.



با وجود آنکه نقش کوتاهی دارد ولی در خود توجه می‌باشد. تپ بهروز وثوقی در این فیلم بسیار به فیلمهای گذشته اش فرق دارد و یک ایستادگی نیز نسبت به فیلمهای قبلی اش موفق تر میباشد. این فیلم بهترین کار من است. زیرا تهیه کنندگان آن در خرج کردن هیچگونه مواظبه ای نکرده اند.

## ● مگر چه مقدار خرج

شده است ؟

□ همانطور که میدانید در این فیلم هنرپیشگان درجه اول سینمای ایران شرکت دارند این خود مخارجی است و در ضمن تهیه این فیلم مدتها بطول انجامیده است که باز خود مخارجی را محتمل شده.

بقیه در صفحه ۳۹

## از : ح . پوریور

### ● حال شما فکر میکنید واقعاً در فیلم چه نقشی را داشتید !!

در فیلم شخصی بودم نوسانی و بیقتضای زمان کاراکتر من در فیلم فرق میکرد و باید بگویم که من برای کاراکتری که در فیلم داشتم، هضم !!

### ● برای ایفای این نقش چه تمریناتی کردید ؟

— شاید قبول نکنید که من مدت یکماه به بیمارستان سینا میرفتم و از نزدیک طرز رفتار و حرکات دانشجویان را زیر نظر میکردم زیرا در کارموش بود و تمرینات بیش از حد دیگری که زیر نظر «هری شاک» انجام میدادیم.

### ● آیا پیشنهاد جدیدی بشما شده است ؟

— از همان اوان که خبر فیلم برداری و چاپ سخته‌های فیلم در مجلات شروع شد سراسر غم آمده‌ام البته تنها من نبودم سایرین نیز پیشنهاداتی گرفته‌اند. ما با یک ایمان و اعتقادی کارمان را شروع کرده‌ایم بصورت یک گروه تازه کار و علاقتند. و از طرف خود شوالیم بقیه در صفحه ۳۸

### ● متأسفانه رفته. رفته تقلیل پیدا کردند. تا آنکه موضوع تهیه فیلم «آدمک» پیش آمد.

### ● چه فعالیتی قبل از ورود باین کار داشتید ؟

— من هیچ فعالیتی در زمینه هنرپیشگی نداشته‌ام. فقط به ورزش علاقتند بودم و در دوران دبیرستان نیز موفقیت‌هایی بدست آوردم. حتی فکر نمی‌کردم روزی هنرپیشه شوم. آدمی بودم خالی از هر نوع تجربه و هیچکامیکدر کار «هری شاک» ثبت نام کردم. مثل کسانی بودم که در دهانش شیش برایش می‌کند وجود داشته باشد. من تا تمام دستورات و گفته‌های ایشان را پذیرا میشدم.

### ● چطور شد شما برای ایفای این نقش انتخاب شدید ؟

— هری شاک، بعد از آنکه بفکر ساختن فیلم «آدمک» افتاد، از افراد مختلف آزمایشاتی بعمل می‌آورد و خوشبختانه من برای ایفای این نقش مورد توجه قرار گرفتم.

### ● آماده شدن فیلم «آدمک» آنرا دیده‌اید ؟

— بله من فیلم را دیده‌ام. یازده بار دیده‌ام.

متولد ۱۳۲۷ و در پیله‌پریاشی است و عملاً خودش را برای کشور آماده می‌کند. «آدمک» اولین کار سینمایی اوست. ولی کسانی که فیلم را دیده‌اند می‌گویند که او به کارش مسلط و تجربه کافی دارد. خودش این موفقیت را مدیون «هری شاک» میدانند و در این مورد می‌گویند «صرف نظر از اینکه من قابل آقای هری شاک هستم. جزو یکی از شاگردان کارل اسی او بودم. زیرا ایشان بمحس وود و پیران کارل اسی جهت علاقتندان به هنر — پیشگی و سینما دایر کردند. و من نیز مثل سایرین در این کارها شرکت میکردم.

ابتدا بدستور ایشان با بطور آزمایشی فعالیت‌هایی کردم و طبیعی بود در پایان کار اسی افراد کمتری باقی می‌ماندند و من نیز جزو معدود افرادی بودم که بقول معروف استقامت نشان دادند.

### ● در این کار چه کار — هائی انجام میشد ؟

— خواندن کتب و بیسی‌های مختلف ما ابتدا با فن بیان و خلاصه تا تر آشنا شدیم و همان‌طور که گفته اواصل تعداد دانشجویان زیاد بودند ولی

در کارشان دیده‌اند تا راحت بشوم. بهر حال در این اواخر ابتلا به یک دیفتری سخت مرا دچار تشویش و نگرانی کرد. متأسفانه تپویز پیشگان نیز نتوانست مرا از این ناراحتی بیرون بیاورد. بعدها تشخیص دادند که اسهال مدام زیاد شده و بناچار مرا به لندن شدم. خوشحالیم از اینکه اکنون روزی خوشحال است. گوئی اصلاً رنگ بیماری در قیاسات نیست بهمین دلیل از او می‌پرسم حالا چطور ؟

« اکنون واقعاً راحت‌م. از هر نظر که بخواهید. حتی مقدار ناراحتی روحی که ناشی از این بیماری بود دیگر دردم وجود ندارد. و حالا اراحتی میتوانم کار کنم. فعالیت کنم. فعالیتی که مدتها از او دور بودم.»

بقیه در صفحه ۳۹

# سندی‌کای هنرمندان تلویزیون باید تشکیل شود

● دستمزد هرپیشه برنامه های تلویزیونی را چه کسی باید تعیین کند ● هنرپیشه برنامه های تلویزیونی در مواقع ضروری بچه کسی باید شکایت کند ● هنرمندان معروف تلویزیون در مورد تشکیل سندیکای هنرمندان تلویزیون چه نظری دارند ● ماجرای تعویض «یدابنده گدا» و «عین ابده گدا» در برنامه قمرخانم بر سر چه بود؟



□ فخری نیکباز

● یاد داشی که در دو هفته اخیر، در باره هنر پیشگان و تهیه کنندگان برنامه های تلویزیونی داشتیم، با استقبال جوی از بازنگران حرفه ای سرپال های ایرانی تلویزیون روبرو شد. از این رو درصدد برآمدیم تا این یادداشت را به صورت جدی در قالب نامه و رابطه هنرپیشه با تهیه کننده را اصولی تر در دو هفته نگذاریم، و در باره نظرات خود گروه به بحث و گفتگو بنشینیم.

□□□

بعد از شک نمودن تأثیر برای تلویزیون رادار جماعت قلمبرگرفته و شاید همین خاطر است که تلویزیون دهر کنونی، مانند هر وسیله ارتباط جمعی دیگر، روزنامه، مجله، رادیو، سینما و غیره مستقار در پیشرفت و جامع خود مقرر واقع شود.

در کشورهای اروپایی، اکنون تلویزیون جزو انشاء و ابتکاح خانواده محسوب می آید، یعنی دهر خانواده اروپایی، تلویزیون عاملی بحساب می آید که می تواند جنبشهای گوناگون را سرگرم کند و با آنها رابطه ای بسیمانه برقرار سازد.

تلویزیون در ایران، مانند هر پدیده دیگری با استقبال مواجه شد، و مردم نیز این وسیله ارتباط جمعی را مثل افراد خانواده خود صمیمی و گرمی داشتند. بطوری که اکنون نیمی از انسانها و شهرستان های ایران، صاحب تلویزیون شده اند و می توانند برخی از برنامه های متنوع و سرگرم کننده استفاده نمایند و در مسیح رویداد های داخلی و خارجی قرار گیرند.

در اینجا رابطه و مطوعات و دتلویزیون، بعنوان یک مسئله مهم مطرح میشود. این هر دو، وسیله ارتباط جمعی هستند، و می توانند در حاشیه برنامه ها و بیرون آن به بحث و گفتگو و افلافاقت بنشینند. و شاید همین علت است که سازمان تلویزیون ملی، با آغوش باز اظهار نظرها و انتقادات و تعریف

و تهنیدها را می پذیرد. و در برنامه و شما و تلویزیون، آن را بد می کند و شاید همین حساسگی و حس نسبت متوازن تلویزیون است که برنامه روزها و روزنامه ها، هر هفته از تلویزیون پیش می رود و مردم را با نظاید و اظهار نظر نویسندگان و جامعه مطوعات آشنا می سازد. بعثت هنرنامه اردبیلی که میان مطبوعات و تلویزیون وجود دارد، حتی برای آن که از دو هفته اخیر در باره هنر پیشگان و تهیه کنندگان تلویزیون شروع کرده ایم ادامه میدهد.

●●●

هنه گذشته یادآور شدیم که بعضی از بازیگران تلویزیون، نمیتوانند زیرا هیچ پهنوائی برای ادامه کار آنها در تلویزیون وجود ندارد، و بعضی از بازیگران استعداد تلویزیون، بعثت نامهماهنگی با تهیه کننده نتوانستند کارشان را در تلویزیون ادامه دهند. مثال ساده تری برین، چندین پیش که سرپال تلویزیونی بیوانان بطور غرب از تلویزیون پیش می آمد، یکی از بازیگران که نقش دمسرخان شجاع الملوک را بازی می-

کرد، بعثت اخلاقی که با تهیه کننده داشت، از بازی در سرپال کنارگرفته، و شخص دیگری را بجای او و نام دشنام ققام، در سرپال آوردند. با این ترتیب، حرف بازیگر هیچگاه بگری نخواندند، و هماهنگی برنامه بعثت اینگونه تغییر و تحول از این می رود و باعث می شود که دست و پای نویسنده در خلق پرسازها بسته شود، و با هر حرفه میخ داستان را عوض بکند.

این مثال در مورد برنامه قمر خانم هم که چندین پیش پیش آن به قمرخانم هنرپیشه ای نام و عدالت عبدالوهابی، با ماکر کش و پدیده گدا می بود، اما بازی اخلاقیات آورده ا او را ادامه بازی خودداری کرد، و با کنارش گذاشتند، و بجای او شخص دیگری را باسم و عین ابده گدا وارد میدان کردند!

البته این برکتی و از همی گسیختگی بعثت نمیتواند باشد. زیرا که هرپیشه هم، مثل هر شخص دیگری کار میکند و نفعاتی دارد، وقتی تهیه کننده نفعاتی از او می جویند و با او با همی هرپیشه از همی

راهی که آمده برای دیگر می رود! و همچنین است وسعت نویسندگان برنامه ها. نویسنده باید در خلق پرساز مختار باشد، و در بوجود آوردن حوادث و سیر طبیعی داستان تاحدی آزادی عمل داشته باشد. حال اگر تهیه کننده یا هنرپیشه نخواست حواست که نویسنده را در چارچوب نگذارد تا کشت او را زیادتر کند، و ناچار سیر طبیعی داستان، و خلق پرسازهای دیگر دچار ضعف می شود و برنامه بجای اوج گرفتن، رو به سقوط میگذارد و مورد انتقاد قرار میگیرد در حالی که هر تهیه کننده می تواند از وجود چند نویسنده برای بنای برنامه خود دعوت بعمل آورد و خورالی تشکیل دهد تا با این وسیله پایه اصلی برنامه توسط نویسندگان دست در پخته شود. در حاشیه آنچه را که ما در بعضی از برنامه های تلویزیونی می بینیم خلاف این موضوع است، یعنی اینکه بعضی از تهیه کنندگان، علاوه بر دست خود با بنای کشت نخست، نویسندگی کار خود را می برنامه می بردارند و اسم آنها پیش از هر نام

منوچهر طایفه :

# در جازدن برای همو پیشه مرگ تدریجی است

دیگر در تراز ۹ به دیده میثود. حب، معلوم است دیگر، این تهیه کننده وقت سرخارا تن ندارد، چه برسد به اینکه بنشیند و در مورد برنامه خود مشاور کند. و با بردن هنرپیشان خود برسد. و مهمتر اینکه اگر این تهیه کننده در برنامه دیگر را هم میباید زمان تهیه بکنند کارگردانی و نویسندگی آنها را هم به عهده بگیرد. آنوقت معلوم میثود که چه دست پستی از آن در خواهد آمد. همه اینها میثوانند در شغف یک برنامه تلویزیونی مؤثر واقع شود.

اما علت دیگری که هنرپیشان، از بعضی از برنامهها کناره گیری میکنند، شاید بخاطر مادیات باشد. راستی چه کسی باید در برنامههای تلویزیونی دستمزد هنرپیشان را را معین کند آنچه کسی باید با اختلافات آنها رسیدگی کند. هنر پشتهای که نسبتاً در مواقع ضروری مهم اوقات متوالین شود.

اما بنا یافته خودشان (با بزرگان) یک راه حل در این میان هست، و آنهم وجود یک سندیکای هنرپیمانان تلویزیونی می باشد.

تشکیل سندیکای هنرپیمانان تلویزیونی، میثواند در آیهوسر نوشت و اختلافات هنرپیمانان تلویزیونی را بازی کند، و همچنین میثواند از این طریق به تهیه کنندگان کمک شایانی کند تا در زمینه هنرپیشگی قرار بگیرند، و اختلافات آنها از طریق قانونی حل و فصل شود. مطمئناً وی سندیکالی تشکیل شد موفقتر هنرپیشه و تهیه کننده معلوم گردید، آنوقت برنامهها شکل و فرم بهتری خواهند یافت.

در خانه مطلب از این هفته بدینست  
با این نکته اشاره شود که متوالین  
تلویزیونی همیشه در همه حال با حسن

بینه در صفحه ۴۲



سعدیه

## ● شاید اوتها هنرپیشه سینمای ایران

باشد که هنوز نتوانسته است جلوه واقعی خود را در سینما آشکار سازد زیرا از آغاز تاکنون پیوسته بخاطر قلم مهربان و روتونی که داشته، در زندگی هنری خود نتوانسته است آن لحظه که حدیثه آل اوست دست یابد و بارها خود نزدیان ترقی دیگران شده است. در حالیکه میثوانست موفقیتی پیش از این داشته باشد و ناچار از نو آغاز کرده است.

«منوچهر طایفه» تنها هنرپیشه ای است که سینما را بخاطر نفس کار دوست دارد و بخاطر آنکه عاشق کار بازیگری است. هنوز که هنوز است چون روز آغاز کاریش یا شود و همچنان زائید الوصف کار میکند با ضافه آنکه وی در طول این مدت از کار در سینما تجربیات بسیار بدست آورده و همین تجربیات است که میبشود او در آغاز دوره تازه فعالیتش در سینما، با دقت و وسواس عملی بکارهت بگمارد و تمام مسامحت زندگیش را وقف کاری کند که بتواند جریان سالیهای از دست رفته را که در کار سینما هدر داده نماید.

منوچهر طایفه از یکسال قبل با ایضاد سازمان مشعل فیلم با همکاری «ساموئل حاجیکیان و آرمغان» فعالیت خویش را در یک نقطه تمرکز داد و دیگر از کارهای متفرقه کردن و پاپین شاخ و آن شاخ بریدن خودداری نمود چه وی قبل از این علاوه بر بازی کردن در فیلمهای دیگران خود در مقام تهیه کننده فیلمهایی چون ایستگاه ترن و نمره گرگها را ساخته بود که به علت عدم

تجربه کافی در زمینه تهیه کنندگی موفقیت عادی برایش بدست نیامده بود.

طایفه متفق است که «درجا زدن برای یک هنرپیشه بمثابة مرگ تدریجی برای او است» و همین علت او میگوید که در هر فیلمی که بازی میکند، کار در خود توجهش از قبلی ارائه دهد. و اینکه فیلم برپه او را با سرمایه خویش پایان برده که آماده نمایش است و زودی آنرا مشاهده خواهیم کرد.

در این فیلم ما با «منوچهر طایفه» دیگری مواجه هستیم و کسب عظمی از بروز یک استعداد خوب را شاهد خواهیم بود که میثواند نقطه عطفی در کارش بازیگری او باشد. وی پس از ساختن شهربیاه، فیلم دیگری را بنام قدر ساخته که فقط مقام تهیه کنندگی آنرا عهده دار بود و اینک مهمانهاست که در سد ساختن فیلم تازه ای است با نام «نیوژنکار» که اوائل ماه آینده فیلمبرداری آن آغاز میگردد و خودش اوبتقن «نیو» در آن ظاهر میشود و احتمالاً شرکت وی در این فیلم بسیار خواهد شد که او بهمرزهای آینده آلی که در زندگی سینمایی خود دارد دست یابد.

طایفه میثواند یک چهره خوب و موفق سینمای امروز ایران شود. اگر تهیه کنندگان بتوانند بطور کامل از او استفاده کرده و از قدرت بازیگری او بهره برند ■



# دستخط و روانشناسی

هنرمندان مورد علاقه شما ، از دید یک روانشناس معروف

## رپورتاژ از : شاهپور منصف

● اینروزها مسئلهایکه بیش ازحد مورد توجه قرار گرفته ، علم روانشناسی است که بی شک در بهبود اشخاص که همین اشخاص در بهبود اجتماع مؤثر هستند نقشی بس مهم داراست ، و بد نیست بدانید که « زیگموند فروید » روانشناس برجسته جهان معتقد است که « اگر می خواهید جهانی سالم داشته باشید ، باید در جستجوی افراد سالم باشید » ، و درخصوصی دیگر به پزشکان توصیه کرده که « اکثر بیماران شما

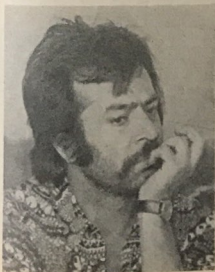
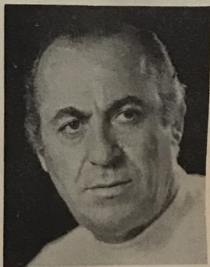
### آرمان :

خجول است و از ابراز کمالات فلسفی خود خجالت میکند ، ولو آنکه شرم و حیاء بیش از حد او ، به سرورش نماندود - به هیچ چیز با نادر آندوستی اهمیت نمیدهد و آفتاب به دوستی توجه دارد که حتی اگر از دوستش خیانت هم ببیند باز درصدد کلافی برنآمده ، و حاضر است که برای دوست حساب نکند ، همچنان دوستی خوب باقی بماند - علاقه بسیار دارد که پیوسته تنهه دار مسئولیت در زندگی بشود تا با آن حد که تمام بخاطر این علاقه خویش ، مسئولیتها را بر تنهده می - گیرد که مولفیت ویرا در معرض خطر می اندازد .

□ اهل غرور و تکبر نیست و بجز آن میتوان او را آدمی فروتن و منواضع معرفی کرد - در مواردی بسیار

حزین سال پس از مرگ من چو بارانی  
ز خاک نغمه برآمده در جبین من

سین



### ایرج قادری :

اینکه تا حدود زیادی ولخرج و دست و دلباز است .

□ تنهاست ، در حالیکه نهایتا را دوست ندارد و اما با هم روزگاری نتوانسته او را از غم تنهایی برهانند - دستش نمک ندارد و اغلب بسکاتی خدمت میکند که نمکدان شکن هستند ، معهده او توبه کار نیست ، و سعی دارد که برای آدمها شمه انگلی وجود آورد - بدلت از چا پلوسی بیزار است و قادر نیست که با افراد چا پلوسی ، معاشرت داشته باشد - در بسیاری موارد در قبای فکر می کند و دوست دارد که هر چیز و هر کسی را آنطور که دلت می خواهد محسوس کند و شاید با این غلت است که سعی دارد در رؤیا خواسته هایش را جامه عمل ببوشاند - خود خور میباشد و در ضمن بسیار با احساس ، و دیگر

سین  
رکب آینه میباید  
مادران تو رفت رو باد ، منی با کله سها من

بیماری نیست که به دارو و درمانی از اینطریق نیاز داشته باشند، آنها بیش از هر چیز به شناخت خویش نیازمند هستند و باز در جایی دیگر یک همدار عمومی داده است: قبل از اینکه اولین قدم دوستی را برای کسی بردارید، دهمورد او بررسی کامل کنید و روانکوی گفتار انجام دهید... خلاصه این روانشناسی است که ازدرون افراد، بدون اینکه خود بخواهد حرف میزند و باز این روانشناسی است که بسیاری از مسائل نهفته را آشکار میسازد، و در واقع در وهله نخست، روانشناسی فاش ساختن اسرار درون افراد است که شاید خود از وجود آنها آگاه هستند، ولی دیگران؟!،

دیگران کوچکترین اطلاعاتی از آنها ندارند و روی همین اصل نیز گاه بظلمت دست به بسیاری از اشتباهات میزنند،

- با کسی دوست می‌شوید که کوچکترین ارتباط روحی با آنها ندارد.

- داروئی تجویزی می‌کنند که نه تنها در بهبود بیمار مؤثر نیست، بلکه حال روحی او را دگرگون تر میسازد.

و و و ...

به حال روی این اصل، هفت گزشته با یکی از مشهورترین روانشناسان کشور تماسی گرفتیم و از هر یک از هنرمندان مورد علاقه شما، دستخطی که در حقیقت شرم‌نامه‌های آنهاست در اختیار روانشناس من بود و قرار دادم که آنها را از لحاظ روانی بطور مختصر و مفید مورد بررسی قرار دهم که آنچه شما در طی دوسه شماره از مجله مطالعه می‌کنید، عین گفته‌های اوست که پس از رؤیت شعر مورد توجه هنرمندان البته با دستخط خودشان در اینجا آمده است، می‌توانید مطالعه روانی کوچکی در زندگی هنرمندان محبوب خود نمائید.

### نعمت الله آغاسی:

برای او میگردم - بسیار در درج میبافد، و در عین حال از ناملایبات درس میگیرد - توجه زیادی به قولیاش دارد و از هیچ چیز با لغافه بدقولی متنفر نیست سدفرفشاس است و تا بحال شفه عملی از او سر بر نده که بتوان او را تأسیس دانست - حاضر است زنده نباشد تا زندهها را مرده بیند!

□ روزگار سختی را پشت سر داشته، و از آینده خود بیخودم - با مردم و حرفهاشان بسیار اهمیت میدهد دوست دارد که همیشه در زندگی با انجام کاری اجتماعی بر داند ساده‌بیراست تا حدی که این مسائل گاهی سبب تسخر او میشود احتمالاً سوء استفاده‌هایی نیز از سادگی و

زندگی قصه تلخی است که از آمارش  
سکه آزرده شدم چشم بی پایان دارم

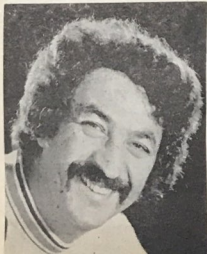
نعمت الله آغاسی

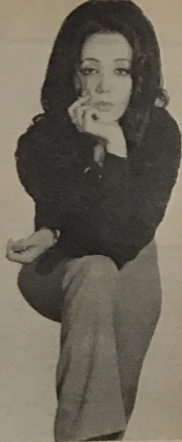


### منصور سپهرنیا:

□ بیش از حد متکی به نفس است و سعی او اینست که روی پای خود بایستد، و کلاً میتوان گفت که قادر نیست در زندگی بکسی جز خودش اعتماد کند - اهل ریک کردن نیست و در هر چه پیش آید خوش آیدد شعرا و استاد بسیار خوددار است و حتی در لحظاتی که در درونی طوفانی برپاست، نمیتوان وی را حتی آنقدر کسی منتقد تشخیص داد - دوست دارد که همه چیز را در حالی مثلن آهیز بنگرد و تا حد امکان از جدی تلقی کردن مسائل خودداری کند - از همه کس و همه چیز

کسی را دوست ندارد  
و من نمیشناسم  
منصور سپهرنیا





## سیدمین

### و دگر گونی تازه در چهره

● چندی قبل که سیدمین آخرین سحنهای فیلم جدیدش را با نامبرسانند گفت که از این پس کوشش خواهد کرد که ایفاگر نقش نخست در فیلمها شود و او این گفته خود را با عمل جراحی پلاستیک که روی دماغش انجام داد تکمیل کرد. زیرا در طی دو ماه اخیر با وجود پیشنهادات تازه ای که جهت بازی در فیلمها یاو شده ، ممهدا بدان عملت که ایفاگر نقش نخست نمیتوانسته باشد از قبول آنها خودداری نموده است تا این که هفته گذشته با اعضای خانواده تازه ای به هدنی کمدنتها بدنیال آن بوده رسید و نقش آفرین نقش نخست فیلم مستاجر ساخته « آرمان » خواننده و در قهرمان زندانستان فیلم را ایفا خواهد کرد.

در چهره وی پس از انجام جراحی پلاستیک دگر گونیهای تازه ای پدید آمده و بخصوص اینکه که تحت نظر یک آرایشگر مخصوص آرایش خود را صورت

آخرین سحنهای فیلم جدیدش را با نامبرسانند گفت که از این پس کوشش خواهد کرد که ایفاگر نقش نخست در فیلمها شود و او این گفته خود را با عمل جراحی پلاستیک که روی دماغش انجام داد تکمیل کرد. زیرا در طی دو ماه اخیر با وجود پیشنهادات تازه ای که جهت بازی در فیلمها یاو شده ، ممهدا بدان عملت که ایفاگر نقش نخست نمیتوانسته باشد از قبول آنها خودداری نموده است تا این که هفته گذشته با اعضای خانواده تازه ای به هدنی کمدنتها بدنیال آن بوده رسید و نقش آفرین نقش نخست فیلم مستاجر ساخته « آرمان » خواننده و در قهرمان زندانستان فیلم را ایفا خواهد کرد.

در چهره وی پس از انجام جراحی پلاستیک دگر گونیهای تازه ای پدید آمده و بخصوص اینکه که تحت نظر یک آرایشگر مخصوص آرایش خود را صورت

بنازیگر زن نیاز دارد و ورود هر چهره تازه، بسینما با موج استقبال عمومی روبرو میگردد و در اندک مدتی آتقدد پیشنهاد باو میرسد که وقت سر خارا نندارد هم بقول معروف ندارد من با سینما آشنا هستم و در خود نیز رگه هایی از اجرای یک بازی خوب می بینم ، بخصوص آنکه در مقام قیاس بر بسیاری کسانی که خود را همیشه میدانند برتری کلم دارم ، دگر گونی تازه ای که در قیافه و کارین هری «سیدمین» بعمل آمده موجب شده که بیش از پیش تهیه کنندگان متوجه او گردند و بدون شک در آتیه ای نزدیک او را در مقام یک ستاره بر کاسینمای ایران خواهیم یافت

تازه ای در آورده دیگر از آن بی سلیقگی های کوچکی که گاه و بگاه در او یافت می شد خبری نیست .

حالا صورت او میتواند بطور کامل چهره یک بازیگر سینما را داشته باشد بخصوص آنکه وی با کم کردن چند کیلوئی از وزن خود توانسته است قیافه ای چون ستارگان سینمای اروپا بدست آورد .

این دگر گونی که در زندگی هری وی پدید آمده از اسم او نیز جدا نمانده است، زیرا وی از این پس تنها با نام «سیدمین» فعالیت خود را دنبال خواهد کرد و نام فعلی خود «سیدآمده» را از اسم سینمایی خود جدا ساخته است.

«سیدمین» بازیگری است که متأسفانه مضامین مشکلات سخت خانوادگی خود مدتها از حریفه خود پنهان نموده است، استعدادی که از جهت ایفای نقش های مشکل

وی از خود نشان داده است نمودار کار خوب او بعنوان یک چهره مستند است که متأسفانه بطور باید و شاید هنوز از او بهره ای گرفته نشده است، بیاد آوریم بازی یک دست دروان او را در فیلم زقانه نقش زن ناسرملک . مطعی ، چه روان، خوب و قابل انطاف بازیگر آن نقش بود و یا تپ او را در فیلم میماد کاختم که متأسفانه پهنترفته بود . او معتقد است « اکنون که میخواهم بطور کامل خود را وقت سینما ، کاری که دوست دارم ، بنمایم و نامها را بنده ام صرف این کار نمایم چرا بازیگر نقشهای نخست فیلمها نشوم ، بخصوص آنکه سینمای امروز ما ، بیش از هر زمانی

# زنی در قلب همه

● «سوسن» خواننده ای است که درخشش واقعی را چندسال قبل آغاز کرد، درحالیکه ناآبل از آن در زمینه خوانندگی سالهای سال فعالیت داشت و کسی ارزش واقعی او را درنگ نکرده بود اما شرکت وی در یک برنامه رادیویی یک باره همه چیز را دگرگون کرد و از او زنی ساخت که اینک در قلب همه جا دارد و ترانه هایش وارد زبان عموم است .

«سوسن» در زندگی خصوصی خود زنی است عاطفی که در وجودش از غرور و خود پنداری چیزی نیست و بدان جهت که زندگی از صفر آغاز شده و سالهای سال با انبوه مردم مختلف روبرو بوده و آشنا شده ، حالا که باوج شهرت و محبوبیت دست یافته خود را بناخته و غرور او را فراتر گرفته است و شاید هم بیش از پیش خود را با مردم نزدیک تر حس میکند و بندرددل آنان گوش میدهد و بعید بنظر نمی رسد که اگر بگوئیم نیمی از درآمد خود را صرف حمایت و کمک باین و آدمیکند و شاید این یک نیروی پنهانی باشد که سبب گردیده این زن و چهره ای که همیشه لبخندی مرموز روی لبانش وجود دارد در قلب همه راه یافته و محبوب همگان شود .

آهنگهای از همگی حاکی از یک اندوه خاص است و شاید این صدای گرفته و بی اوست که بترانه های اولف و صفای خاصی بخشیده و سبب میگردد که بدلتا نشینند .

سوسن میگوید که از موقعیت ها سوء استفاده نکند، با آنکه یکی دو سال قبل میتوانست هر هفته یکی دو آهنگ جدید اجرا کند و از راه فروش آن ها یکمیانهای صفحه درآمد سرشاری عاید خویش سازد، معذرا ترجیح داده و میدهد که حرما و حتی هر دو ماه یک آهنگ تازه اجرا کند ولی باب میلش باشد و با تمام وجود آنرا بخواند و به همین خاطر است که اینک پس از مدتی سکوت از نظر اجرای ترانه های تازه چهار آهنگ جدید و آماده برای بخش دارد که از جمله آنان میتوان دل شکسته - کسی که با ما دورنگ نبود را نام برد .

سوسن برای این آهنگها گوش زیادی بخرج داده و معتقد است چون آهنگ های قبلی وی با توفیق روبرو خواهد شد. وی در زمینه کار بازیگری در سینما پس از شرکت در فیلم «فریاد» با آنکه پیشنهاداتی برای بازی در فیلم دریافت داشته بود ، معذرا آنها را قبول نمیگرداند آنکه چند قبل قراردادی برای شرکت در فیلم جدیدی بنام رضاتو پچی با سازمان سینمایی ژورنگ منعقد کرده که احتمالا یکی دو ماه دیگر جلوی دوربین خواهد رفت. وی در این فیلم با یک ایما نوردی و بهین غنیمت خواهد بود .

در مورد دعوت از سوسن برای اجرای برنامه در کاباره های تهران رقابت شدیدی مابین مدیران کاباره ها وجود دارد و این رقابت بصورتی در آمده که از چند ماه قبل وقت او را برای اجرای برنامه رزوم می کنند سوسن در ابتدای کسب شهرت خویش مدت های مدیدی در شکوفه نو تهران برنامه اجرا میکرد و سپس مدت یکسال از همکاری با سازمان موزور خودداری نمود و اینک بطوریکه اطلاع یافته ایم بزودی مجددا او را در شکوفه نو مشاهده خواهیم کرد .









# جیمز باند تازه‌ای در سینما ظهور میکند!

## رد تایلمور و «تیره‌تر از کهر با»

Darker Than Amber

«مک کی» مردی است مسلح و پیر از علائق رنگین و جوهره‌ها بود. به زندگی و الیته‌ادیات، که در یک قایق او کس در آبهای فلوریدا شکار می‌کند. یک روز در روس می‌کند دارد و کارش پیدا کردن اشیاء مسروقه و همکاری با کسانی است که به دلایلی نمی‌توانند برای پیدا کردن اشیاء دزدیده شده خود به قسان روی می‌آورند. دستمزد «مک کی» برابر با ارزش شیء از دارایی و اثباتی که او پیدا می‌کند. هست و این ردخور ندارد و آنهایی که به او مراجعه می‌کنند بدون هیچ‌گونه شکایتی، ایس دستمزد را باو می‌دهند...



«تیره تر از کهر با» اولین فیلم از این سری داستانهای مک دونالد است که به سبب کمپانی سینما منتشر شده و همان خصوصیات ویژه داستانهای «مک دونالد» را دارد، جنایت، خشونت و هرچیز دیگری که بتواند موجبات خشودی هر کس را فراهم آورد. در خود جمع کرده است.



باز یک سری سوناز اول این فیلم یعنی «تیره‌تر از مک کی» **رد تایلمور** است که نقش این قهرمان خون‌نرسد، کله‌شق و پیرترک را ایفا کرده و رد تایلمور که در بسیاری از فیلمهای بی اهمیت و متفاوت بازی کرده، با فیلم **«زاد بریسکی پوینت»** ساخته **«آنتونیونی»** بد تازه‌ای در کارکن بازیکری خود بوجود آورده و ارزش جداگانه‌ای در سینما کسب کرده است. وی به‌ظاهر فیلم‌کلیدی جوان، نامزد دریافت جایزه اسکار شده بود.

سینما باشد! این «مرد تازه» پسندید آمده است. آن هم در داستانهای هیجان‌آورد نوشته **«جان مک دونالد»**.

این قهرمان «تیره‌تر از مک کی» نام دارد. مک دونالد حاقق این قهرمان جدید تا کون داستانهای مختلفی نوشته که خوانندگان به حد چهل میلیون نفر دست آورده است و حالا پس از این تجربه تجاری او، سینما آنرا نیز تجربه می‌کند.

سکسی و خشونت با جیمز باند، امکانی عاطفی مقابل و شدیددی در تماشای آن موجود آورد... با این همه با سیری شدن دهه شصت، لب جیمز باند و جیمز باند پرستی نیز تا حدودی فرونشست. همچنان کلمه‌های گشت‌به‌مسافه، پوستر کراب، دروهای سرب نیز فروکش کرده و حالا با این قهرمان جیمز باند خلق کرد که موفق شده مردی که ختم حاره و هیجان در

دهه شصت سینما نمی‌تواند قهرمانی با اسم «جیمز باند» گردید که کلمه‌آمال هزاران تماشاگری شده که در سینما خوانان عنوانه خشونت‌آمیز و رضا‌های غیرواقعی و فانتزی بودند. جیمز باند (شون کاری) غایت آسما تماشای آن سراسر بود باشد، چرا که نیازهای قهرمان و ضد قهرمان پروری و نومات پروازها به آنها را که در کودکی با نوجوانی وجودشان نشان شده بود، بر آوردصاحت و سبای رنگین، شلوغ و بر جاده.

«سوزی کدال» ستاره انگلیسی که با فیلم «تقدیم با عشق» به اوج قیمت یک ستاره بین المللی دست یافت در این فیلم نقش «وانجی» بقیه در صفحه ۳۹



وسترن جدیدی از «آندرو مک لاکلن»

## دلار یا دینامیت

● آندرو مک لاکلن کارگردان فیلم «دلار یا دینامیت» کارگردانی خود را از سال ۱۹۵۵ در تلویزیون آغاز کرد و مدتی که در آنجا کار میکرد ۲۵۷ سریال تلویزیونی ساخت. در حال بود اولین فیلم وسترنش را تحت عنوان «مک لاکلن تا که عرضه کرد. البته قبل از ساختن اولین فیلمش مدتی آستین کارگردان نامی هالیوود «جان فورد» بود و بدین ترتیب است که در هر فیلمی از مک لاکلن، جای یابی از فورد را می بینیم.

منتقدین در باره اش می گویند که او میسواهد از فورد تقلید کند و در هر فیلمی می کند یا در جای پای این استاد قدیمی وسترن بگذارد.

از دیگر فیلمهایی که مک لاکلن بعد از مک لین تا که ساخته می توان از «نسل کیماب»، «راه غرب»، «بل شیطان»، «جنگجویان جهنم» و «وزیر» نام برد و بالاخره بعد از «دلار یا دینامیت» (پشتامتیحا) چند فیلم چون «حقت مرد از حلال» و «آدم زردی یک میلیون دلاری» (باش کت

جانورین) ساخته است. مک لاکلن وسترن ساز پرکاری در هالیوود لقب گرفته که البته هیچکدام از فیلمهایش هیچگونه تأثیر خاصی در سینمای وسترن نگذاشته اند. غیر از فیلمهای بالا باید از «شاندا»، «پاندورو» و «تکست ناپذیر» هم نام ببریم که وی این فیلمها را با همکاری «جیمزلی بارت» ساخته است.

«جیمزلی بارت» که ستاریو سه فیلم اخیر الذکر را نوشته، برای چهارمین بار با «مک لاکلن» در ساختن «دلار یا دینامیت» همکاری بر اساس داستانی پر فحش اثر «دیویس گراب» نوشته و در ضمن مدین تهیه این فیلم نیز بوده است.

داستان این فیلم تا اندازه ای در نوع خود نازکی دارد. فیلم ماجرای سزندان را بیان میکند که پس از مدتی طولانی از زندان آزاد میشوند. زمان داستان به سال ۱۹۳۵ بر میگردد و حادثه در یکی از شهرهای ویرجینیای غربی اتفاق می افتد. شروع فیلم با آزادی این سه زندانی

زمان است که یک تعقیب اضطراری آلود و پر درنده آغاز میشود...

تمامی حوادث داستان این فیلم «دشهره گلوری» و حومه آن اتفاق می افتد، نکته جالب و واقعی در این مورد آن است که نویسنده اصلی داستان «گراب» برای مگان حادثه داستان خود مدتی در شهر «ماندزویل» در ویرجینیای غربی زندگی کرده تا مدلی مناسبی برای ایجاد یک فضای واقعی بدست آورد، روی این اصل تهیه کننده کارگردان فیلم «آندرو مک لاکلن» هم در آغاز فیلمبرداری یک راست سراغ شهر «ماندزویل» رفت، چون تمام مشخصات این شهر با آن چیزهایی که نویسنده در داستان خود شرح داده بود، مطابقت میکرد و فضای مورد نظر مک لاکلن را بدست میداد.

«مک لاکلن» همیشه با هنریشان دلخواه و تمپین شده خود در فیلمهایی که ساخته کار کرده است. او ترجیح داده که همواره با «جیمز استوارت» یا «جان وین» و دست آخر «دراک هابن» همکاری داشته باشد، روی این اصل در بیشتر فیلمهای قبلی او «استوارت» یا «وین» بازیگر اصلی فیلم های او بوده اند و در دلار یا دینامیت نیز مک لاکلن از این بازیگران

است. او مدتی بوده تلویزیون رفته و در آنجا فعالیت می کرد. این نخستین فیلم او بقیه در صفحه ۳۸



بهره برده است، «جیمز استوارت»

که پیش از این با این کارگردان در فیلمهای «نسل کیماب»، «شاندا»، «پاندورو» همکاری داشته در این فیلم به نقش «ماتی» ظاهر شده است. درباره استوارت چیزی زیادی نمی توان گفت چون سابقه طولانی، نامیگر کار پر سینمایی او در هالیوود است.

### «جورج کندی»

که در «پاندورو» و «مک لاکلن» نیز بازی کرده اینجا نقش «زندانیان» را بازی کرده است. «ماتی» که در این فیلم نقش «ماتی» را بازی کرده است. وی سابقه ایفاگر نقش های «کول هندلوك» که جایزه اسکار بهترین هنرپیشه نقش دوم را بدست آورد، (۱۹۶۸) اقی تازه ای در کارش کرده و در فیلمهای متعددی ایفاگر نقش های حساس شده که بیشتر آنها را در تهران دیده ایم.

### «آن باکستر»

قدیمی هالیوود نقش «کلو» را بازی کرده. زنی که بنوعی در ماجرای این سه محکوم دخالت میکند. وی به خاطر فیلم «لوه تیخ» برنده جایزه اسکار شده است. او مدتی بوده تلویزیون رفته و در آنجا فعالیت می کرد. این نخستین فیلم او بقیه در صفحه ۳۸



## « فرار خرگوشان بطرف اردو گاهها »

فیلمی از «رنه کلمان»

● بیماری اخیر استاد مسلم موزیک و سینما، همه علاقه‌مندان او را نگران کرده است. مردی که نیم بیشتر زندگی خود را به خوشحال کردن مردم جهان گذرانده است و حالا درازما نیز یادی از او بکنیم.

موريس سوالیه دروداوم سپتامبر ۱۸۹۰ در «منل مونتانه» پاریس پدیدیا آمد. بعلت فرامادی که خانواده‌اش دست بگریزانش بودند موفق نشد تحصیلات خود را تمام کند و در سن دسالیگی از تحصیل دست کشید. ابتدا بتوان دستیار طراح دکورومستفاد استان های مسعود عروسکی مشغول کار شد.

سپس با اتفاق برادرش خودش را بیک گروه آکروبا تیک معرفی کرد ولی زیاد نتوانست مقاومت کند و به همین دلیل از آن دست کشید و بازحمت فراوان توانست در یک کاباره بعنوان خواننده مشغول کار شود. در آن موقع او فقط ۱۱ سال داشت ولی با کمی سن توانست در مدت بسیار کوتاهی زبان زد شود، و کم کم کارش بالا گرفت بطوری که طرف مدت کثرت از ۵۰۰۰۰ نفرام فرانس او را میشناختند.

در سن هفدهسالگی با ملکه تایت کالابهای فرانسه «میتین - کوگه» آشنا شد و با او یک دوج هنری تشکیل داد و در مدت خیلی کوتا موفق شدند نام جهانی برای خود دست و پا کنند.

و «تونی» مرد فراری بعدا میفهمد که چگونه آلوده آنها شده است و مجبور میشود با آنها همکاری کند. در این فیلم چند تن از بهترین هنرپیشگان سینما شرکت دارند که نخست از «ژان لوئی ترینیان» نام میبریم که ایفاگر مرد فراری یعنی «تونی» است. «رابرت داین» هنرپیشه قدیمی سینما که تاکنون در بیش از ۹۰ فیلم مختلف شرکت داشته است نقش «چارلی» رئیس دسته دزدان را بعهده دارد.

«آلدوری» که در سال ۱۹۲۶ در سیلوایسا متولد شده است ایفاگر نقش دیگری از فیلم یعنی «ماتونه» میباشد و خواهر هنرپیشه مشهور سینما و تلویزیون «مافارو» یعنی «تین افارو» به نقش «پهپر» ظاهر میشود. و در پایان باید از «لئاساری» هنرپیشه زیبای ایتالیایی نام ببریم که به نقش «همسر «رابرت داین» یعنی «سوکاره» ایفا می کند.

فیلم «فرار خرگوشان بطرف اردوگاهها» بنا بقول خود «رنه کلمان» یکی از بهترین فیلمهای اوست که از نظر مادی نیز بدون شک با موفقیت تجاری روبرو خواهد شد.

ترجمه از مجله بسوئو  
فیلم چاپ ایتالیا

مردی جوان و خوش قیافه . او مجبور میشود خودش مخفی کند، تشنه و گرسنه است تا اینکه خانه‌ای در کوهستان جلب توجه‌اش میکند و با فاصله با آنها می‌رود خانه نسبتاً لوکس و زیبائی است ولی اهالی منزل برای مرد گرسنه چاب هستند. زیرا با گرمی تمام پذیرایش میشوند و قبل از هر چیز او را از تشنگی و گرسنگی نجات می‌بخشند. در این خانه با تهیهی مختلفی آشنا می‌شویم که ابتدا باید از «چارلی» نام ببریم. مردی بلند قد، عصبانی و مقرراتی که برای رسیدن بخواستهایش تن به هر کاری میدهد. و بعد «ماتونه»، زرنگ و بی باک که هرگز ترس بخود راه نمیدهد. «پهپر» دختری است جوان و زیبا ولی هیچ چیز نمیتواند اصالتش را سنجین دهد و هر لحظه برای افراد خانه ناراحتی ایجاد میکند و بالاخره «سوکاره» زن زیبا و دوست داشتنی و همسر «چارلی» عاشقشیده و با مهربان دیگر رومانسی که در ماجراهای فیلم نقش «تونی» یعنی مرد فراری میشود.

اینها جمعاً یک بانده خطرناک را تشکیل میدهد که برای یکی از دستگیره‌های مونتانه این خانه دور افتاده را انتخاب کرده‌اند

● بدون شک با نام و رنه کلمان، بعنوان استاد مسلم سینمای فرانسه آشنائی داریم. کارگردانی که شهرتی جهانی دارد و فیلم‌هایش همیشه با موفقیت مادی و معنوی روبرو شده است.

اکنون آخرین مراحل فیلم برداری آخرین اثر «رنه کلمان» بنام « فرار خرگوشان بطرف اردوگاهها» فیلم برداری میشود. این فیلم اقتباس از نویسندگی معروف نوبلستانی که قزاقستان های زیادی از او بصورت فیلم در آمده است.

«رنه کلمان» دموود اشر جدیدش میگوید، «فیلمی است پلیدی و پر آکسیون، من اسولا باین نوع سوره‌ها علاقه مند و سعی کرده و خواهم کرد که همیشه فیلم‌هایم از چنین کم‌هایی برخوردار باشد.

داستان فیلم جدید «کلمان» از فرار یک مرد آغاز میشود.

مورد توجه مردم انگلستان قرار گرفت.

مردیس شوالیه در سال ۱۹۲۹ در اولین فیلم آمریکائی خود تحت عنوان «بی گناهان در پاریس» شرکت کرد.

در سال ۱۹۳۵ بار دیگر به پاریس برگشت و لی تنوانست در بهای شهرت و محبوبیت را بر روی خود بسنجد و بار دیگر راهی هالیوود شد.

از سری فیلمهای بعدیش می توان زی.زی. کانگان، په.په.فانی، جسیکا، نوع جدید عشق، مانکی بیگانه بر گردا را نام برد.

## شوالیه



در سال ۱۹۱۳ هنگامی که ۲۴ سال داشت جنگ جهانی شروع و او نیز بیخستن احضار شد و در طول جنگ اسپر دشمن شد و مدت دو سال از زندگیش در اسارت گذشت.

بعد از خاتمه جنگ بار دیگر «مردیس شوالیه» به فرانسه باز گشت و کار خود را از سر گرفت و علاوه بر خوانندگی در کارنامه های معروف فرانسه بازی در فیلمهای موزیکال را نیز آغاز کرد. در سال ۱۹۲۰ به انگلستان رفت و در لندن در یک نمایشنامه کمدی انتقادی شرکت کرد و تلاش

## معرفی کارگردان

# الیاکازان

کشف هنر پیشگامی چون: مارلون براندو - جیمز دین -

کارول بیکر و وارن بیتی



● در سال ۱۹۰۹ در قسطنطنیه ترکیه عثمانی بدنیا آمد و هنگامی که فقط چهار سال داشت عازم نیویورک شد و از کالج ویلیام فارغ التحصیل شد و بعد بمدت دو سال در مدرسه هنرهای درام «پسال» تحصیل کرد.

«الیاکازان» کارهای خود را از تئاتر شروع کرد ابتدا بعنوان بازیگر در سال ۱۹۳۳ در نمایشنامه ای شرکت کرد و ۵ سال بعد شروع به کارگردانی نمایشنامه های تئاتری نمود و در برادوی طرف مدت کوتاهی محبوبیت پیدا کرد.

«الیاکازان» بیکبار به کارگردانی تئاتر را کنار گذاشت و راهی هالیوود شد و در آنجا در فیلمهای تلویزیونی بعنوان هنرپیشه شرکت کرد. و بعد شروع به کارگردانی فیلم کرد و فیلم «توافق آقایان» او جایزه اسکار گرفت و نامی جهانی برای او بر مغان آورد.

«الیاکازان» جزو معدود کارگردانان سینماست که هنر پیشگان خوب و قدرتمندی را به سینما معرفی کرده است.

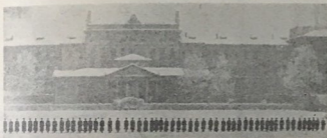
اولین کسی که توسط «الیاکازان» معرفی شد «مارلون براندو» می باشد که با شرکت در فیلم «دربار اندازه» که در واقع اولین کار او و شاهکار الیاکازان است جایزه اسکار گرفت.

بعد از مارلون براندو باید از «جیمز دین» نام ببریم. اکتوری که هنوز نظیرش در سینمای جهان دیده نشده است و الیاکازان او را با فیلم «شرق بهشت» بعنوان یک هنرپیشه پر قدرت معرفی کرد. «کارول بیکر» ستاره مشهور فعلی یکی دیگر از کشفیات الیاکازان میباشد که وی با فیلم «پسی دال» معروف شد.

«لی رمیک» هنرپیشه دیگری است که با شرکت در فیلم «چهره ای در جمیع» به کارگردانی الیاکازان به سینما کشف شده و «وارن بیتی» نیز با فیلم «شکوه علفزار» دوام و استقرار یافت.

فیلمهای شرق بهشت، رودخانه وحشی، وحشت در خیابانها، در بارانداز، شکوه فلزار، آمریکای آمریکائیزش جزو فیلمهای برجسته الیاکازان میباشد.

## \* نیکولاس و آلکساندرا



□ فیلمهای سام اسپیگل، همواره با جنجالهای بزرگی مواجه میشوند. پیر فروش ترین فیلمهای سال ۱۹۸۶ به خود میگردند و در جریان جشن اسکار، بیشترین «اسکار» را از آن خود میسازند، مثل فیلم های «لارنس عربستان، پل رودخانه گوی، ناگهان تابستان گذشته، شب زنگارها، لعن و سمرانجام و شناگر» که این آخری از لحاظ هنری نیز موفق شده است.

سام اسپیگل باز دیگر با دست پر بازگشته با فیلمی عظیم و پر خرج چون آثار گذشته وی: نیکولاس و آلکساندرا که ماجرای انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تزاری را بازگو میکند. این فیلم پتانز «اسپیکتکل» به معنای واقعی خودش بشمار میرود و فراترین شافتره کارگردان برجسته آمریکایی سازنده «پانون» که سال گذشته بخاطر این فیلم اسکار بهترین کارگردان را دریافت کرد، سازنده این فیلم می باشد.

بازیگران این فیلم جک هاوکینز، مایکل جیستون، جانت سوزمان که دو نفر اخیرا ذکر اینها نقش «فراز نیکلا و آلکساندرا» هستند و تام بیگر اینها نقش «راسپوتین» است.



## جهان سینما

### ریزه خیم

□ استلا استیونسی بازیگر نقش متوقفه یکی از روسای بانک مافیا در فیلم تازه ای در این زمینه خواهد بود. این فیلم دهه شانزدهم و نانی نام دارد، فیلم را «سامی هوارده» در نیویورک و اپالیا کارگردانی می کند. هنرپیشه دیگر این فیلم «لنرد» گروه است.

□ سام اسپیگل امیدوار است که برای فیلم «عدی» در کس «هارسون» را بازی بگیرد. این فیلم «جلی جنتلن مورد احترام» نام دارد.

□ آلن هرشولت فرزند ستاره قدیمی هالیوود، جن هرشولت، در حال تولید فیلمی دیگر است که بر اساس زندگی مادرش و جن - هرشولت میسازد که امیدوار است رمانسهای «توت او» را جهت ایجاد نقش پدرش تولید کند.

● بول برینر در آگوست و لئو به اتفاق در فیلمی از «ریچارد کول» به اسم «Farewell My Love» ظاهر خواهند شد. این فیلم که برت ریونولدر نیز در آن شرکت دارد در لوس آنجلس فیلمبرداری خواهد شد.

□ یونا هاجن آکتوریس معروف تاتر که در لندن در نمایشنامه «چه کسی از ویر - جنیوا و لاس میتر شده» ظاهر شده، برای کمپانی فوکس قرن بیستم در فیلم «دیگری» ظاهر میشود.

## دستور، دستور است



● مونیکلوین بدنمال مصاحبه های بی دین بالاخره نتوانست مدتی از اوقات خود را به استراحت بپردازد و با عنوان کردن نام «آلری تومورادویا» نویسنده جنجالی و برجسته ایتالیایی بار دیگر از وی خواستند تا در فیلمی شرکت نماید. این فیلم «دستور» دستور است» نام دارد که داستان زنی است شریتمند و بودژوا بنام «جورجیا» که طایفه پول کلانش، یک زندگی نومال دارد و هیچ چیز او را قانع نمیکند. این فیلم را «فرانکو جیرالدی» کارگردانی می کند.

## آخرین روزهای موسولینی

● «علیرقشاکت» «سرجو پاستوره» «بسنديگای هنرمدان ایتالیایی» «سرجو کونو» همچنان فیلم‌رانی آخرین اثر «سینماش» آخرین روزهای زندگی موسولینی» را ادامه می‌دهد. «سرجو پاستوره» معتقد است که سناریو این فیلم را قبلاً وی بنام «آخرین ۵ ساعت زندگی موسولینی» جلو دوربین برده است.

پهرحال «سرجو کونو» بنور از این جنجال‌ها همچنان بی‌گوش مشغول است و برای ایفای نقش نخست‌فیلم خود یعنی «موسولینی» از وجود «راد استایگر» استفاده کرده است.

در تصویربرداری «سرجو کونو» و در سمت چپ «راد استایگر» در لباس موسولینی دیده می‌شود.



## مونتان و دو فونسی!

□ برای نخستین بار در سینمای فرانسه دو هنرمند به روز این سینما که هر کدام در روال و ژانر کار خود، قدرت و محبوبیتی دارند، در بر روی یکدیگر در یک فیلم کمندی قرار گرفته‌اند. این فیلمی است ظاهراً در روال فیلم‌های «لوی دو فونسی» که «ژرار ادوی» ساخته است و یک داستان تاریخی دارد. لویی دو فونسی به نقش «دون سالوست» ظاهر می‌شود و دو مونتان به نقش «پلیز» تصویر این دو بازیگر را در صحنه‌ای از این فیلم که «جنون عظمت» نام دارد، نشان می‌دهد.

زندگی یک پرودور جوان رشته جامعه‌شناسی است که تزی دربار «جنایت شناسی» می‌نویسد. برای این منظور از زندانی دیدن می‌کند و بایک زنداندانی غیرعادی خارج‌العادة برخورد میکند که داستان زندگی‌اش را برای پرودور جوان بازگو می‌کند و این ماجرا، رفتار پرودور را دچار گرگونی می‌نماید.

نقش این زنداندان زن را «برنادت لافون» بازی خواهد کرد.

اسم «شایدگان» در هفتوال‌آخر و نیز مورد توجه شدید قرار گرفت.

در این فیلم «مارلون براندو» نقش اول را بازی کرده است.

فیلم «شاپلین» ساخته‌ی «کن راسل» نیز بعنوان بهترین فیلم خارجی از طرف روزنامه نگاران ایتالیایی انتخاب شد و «گلدنا - جاکسون» جایزه بهترین آکتریس سال را بدست آورد.

● **یک دختر زیبا مثل من**  
«فرانسواز دورو» با همکاری «ژان لوپد باوادی» سرگرم‌نویشتن سناریو فیلم جدید خود «ختری زیبا مثل من» است. این داستان

«رزماری مورفی» و «یاماها فرانکلین» سایر نقش‌های این فیلم جنگی را بر عهده دارند.

● **شکایت**  
هفته گذشته «سرجو پاستوره» از کارگردان مشهور ایتالیایی «سرجو کونو» به سندیگی خبر - «مدان ایتالیایی شکایت کرد» وی اظهار داشته است که هم اکنون فیلمی بنام «آخرین ۵ ساعت موسولینی» در دست تهیه دارد و «سرجو کونو» نیز با اقتباس از این ایده مشغول ساختن فیلم دیگری است بنام «آخرین روزهای موسولینی».

● **موفقیت مایکل وینر**  
موفقیت «مایکل وینر» به

## آخرین خبرها

● **بسیار آواز گاناس سیتی**  
«راکل ولتر» ستاره مسکس هالیوود برای فیلم تازه‌اش «بسیار آواز گاناس سیتی» مجبور شده بپردازد. وی این فیلم را در لوس آنجلس بازی می‌کند.

● **فیلم تازه کلیف رابرتسون**  
«دانیال موفیت» فیلم جنگی «بارون قرمز» که بر اساس حوادث جنگ‌های هوایی در جنگ بین ایتالیایی ساخته شده، فیلم جدیدی با الهام از جنگ اول ساخته می‌شود که نقش اول آن را «کلیف رابرتسون» بازی می‌کند.

# ۹۹ شوخی، شوخی ۶۶

## انعام

● روزی پسر فریدین کلاس لندن درس میخواند، درس کلاس مسئله ای را که حل کرده بود به

## هذیان

● ملی تایش در دوران تحصیل یکشب که فرسادی آن چند امتحان باهم داشت تا صبح نتوانید و آنقدر درسها را خوابید که سیمهای معسرستی اتصالی پیدا کردند و همین جهت فرادوره امتحانی تاریخ را چنین نوشت:

وقتی منولیا باهیر ایران حمله کردند یکی از گیلوهای قرمز بنام مسافلی میرزا از طریق زاده آهن تریز جنگل وارد استان شده و هفت رگمت نیسان صبح بجای آورد و در همین اثنا یک نواز طر فرفره بنوا از استعمار اصلی انحرک دایره گذشته و وادندط المرب گردید و از طریق اثرک به خلیج فارس گریخت ، خواجہ حافظ وارد مورگها شد و بحاسلمسرب عوامل تجزیه گردید و اسید سولفوریک بر آقا محمد خان اثر کرد ودر نتیجه آقامحمد خان شش ششم و شصت ABC با EFD مساوی شده و شاه عباس از خدمه دشمنی آگاه شد و گفت ، از يك نقطه خارج از صفحه بیش از یک خط نمیتوان منگ کرد. یکسی ویکسر از سرداران گفت زان دوله است اورمردی بود متوازی السطوح و غالباً روی محور اسلی قرار میگرفت و فاعل را اول جمله قرار داده و آنمعدرد do do استفاده میکند و هرگز در زندگی موازی ششدر انجام در راه فرماشتگن در گذشت و در نتیجه تاریخ باعدیتری اروپا پایان یافت.

عزیز کشاورز (خرم آباد لرستان)

معلم نشان داد، تا حساب او را کنترل کند.

معلم پس از دیدن مسئله رو بطرف او کرده گفت ، در حل مسئله ات سه دلار اشتباه کرده ای.

پس فریدین بلافاصله کیفیت را در آورده و یک دلار بطرف معلم دراز کرده گفت ، بقیه اش هم مال خودتان.

## راه نمایی

● همایون بیکی از دوستان خود که ساعتی خریدم بود در خیابان پر خورود ضمن صحبتها دوست او پرسید ؛ داسی ساعت جدیدی خریده ام ، نمیدانم چکار کنم که رنگ بزند .

همایون بلافاصله جواب داد اینکه کلاک ندارد آقا چند روز در جای مرطوبی بگذارد .

## دعوت

● اسدزاده روزی جمعی از دوستان را بخانه خود دعوت کرده بود و از این نظر مقدار زیادی نان برای غذا گرفته عالم خانه بود که یکی از دوستانش با او برخورد کرده گفت ،

اسد ... چه خیره ... مگر امروز گداها را بخانه ات دعوت کرده ای که اینهمه نان خریده ای. اسدزاده بلافاصله جواب داد: - مگر هنوز کلاک دعوت بدست تو فرسیده است .

## تقلب

● ایسرن و مهرزاد چندی پیش برای امتحان آئین نامه رانندگی مرامجه کردند و سر جلسه حاضر شدند ، افسر پلیس ورقه ها را بین همه توزیع کرد و پس از پایان وقت تعیین شده ورقه ها را جمع کرد . وقتی ایسرن و مهرزاد بیرون آمدند مهرزاد رو با ایسرن کرد و گفت ، من ورقه ام سفید داده چون چیزی بلد نبودم .

ایسرن : منم همینطور حالا خدا کند افسر پلیس متوجه که ما از روی ورقه هم تقلب کردیم .

## بدون تفسیر

□ چند سال قبل ، مهدی میناقبه به مناسبت موفقیت یکی از قبلمهای وحدت مجلس ضیافتی برگزار کرده و از وی بنحو شایسته ای تجلیل کرد. بعد از صرف نهار وحدت بعنوان تشکر صحبت کرده و ضمن حرف های خود گفت امیدوارم که دوستان من قبلمی درست کنند خوب و قابل توجه و روزی فرا رسد که من بافتخار آقای هایون آقا یاسمی ، آقای میناقبه ، آقای قدکچیان جشن بگیرم .

بعضی اینکه اسم قدکچیان و کلمه جشن از دهان وحدت خارج شد همه مدعوین بدون اختیار خندیدند.

## نزدیک بین

● فریدین زمانی که میخواست وارد نوبری هوایی شود ، مجبور شد که ضمن امتحانات بدکتی چشم پزشکی نیز مرامجه کند ، دکتر چشم پزشکی قبل از معاینه از او پرسید که خودتان کفر می کنید که چشمتان عیبی داشته باشد . فریدین - بله آقای دکتر من نزدیک بین هستم .

دکتر - چطور این مسئله را متوجه شده اید ، ثابت کنید .

فریدین - شما آن میخی را که آن طرف اطاق روی دیوار کوبیده اند می بینید .

دکتر - بله ... شما چطور .

فریدین ، ولسی دکتر ... من اصلاً آنرا نمی بینم .

## معذرت

● ایرتختمنی وارد دستشویی شده و خواست دست و صورت خود را بشوید که ناگهان تصویر خود را در آئینه بالای دست شویی دید . بدون آنکه دستش را بشوید در حالیکه از دستشویی خارج میشد گفت ،

- ببخشید قربان ، معذرت میخواهم ، نمیدانستم شما در دستشویی هستید .

## خرید

● آراستمیکت رفه بودم سلمانی چنددانه مویر را اصلاح

کنم. استاد سلمانی يك نفر را زير تیغ کشیده بود و هر یار که تیغ را میکشید، ناگهان تیغ به آسمان می رفت و می گفت، به چه کند است. ناراحت می شد... سلمانی بی روی خود نمی آورد و جلدانه بکارتش ادا می داد ولی بالاخره پس از داد و بیداد های مثنوی از کوره در رفت و با خشم گفت، داداش این چه بازی در آوردی؟ همش میگی کنده ... کنده ... مگه میخوای تیغ را بپرسی؟!

## میری و آزارسون

میری، آقای گلستان این کتاب که برای من آوردی مثل چرمه... اقلاً میخواستی بپاقلوه سنگ هم بپلوی آن بگذاری که روی آن بکوبم تکه تکه اش کنم.

گلستان، همین طور هست قربان اگر کتابت نمی بفتابان می توانی برای این منظور استفاده کنی.

فرستنده: میشا ایمانی (تهران)

## علت

● فروزان، بچه جان گریه میکن تا من نازت کنم.

بچه مگه فقط بچه های خوب رو ناز میکن .

فروزانند آره، فقط بچه های خوب و حرف شنو رو .

بچه - پس تو بچه خوب و حرف شنوی هستی که اینهمه تو فیلما نازت می کنی.



# دوست یابی



● مایل بکنابته باطر فداران کزینفور جونز - لی تیلوریا ناک - ایرج قادری هشم.

● **مشهد - خیابان محمدرضا شاه میدان ۲۳ پلاک ۸ د سیماک شبانی.**

● حاضرم یا دوستداران بهروز وتوقی - ناصر ملک مطیعی - فردین - ایرج قادری و بهمن مفید مکاتبه نمایند.

● **تهران - خیابان سرسبز کوچه زرین پلاک ۴ روح اله رحیمی**

● با دوستداران هنرمندانی چون فردین - بهروز وتوقی - ناصر ملک مطیعی - آفرین - پوری بنائی و کمترین - های مری - طهوری - اسدالله یکتا و بهرنیا حاضر بکنابتهام.

● **بزد - اداره پست و تلگراف و تلفن - صندوق ۱۲۱ - علی مهرنویان**

● مایل بکنابته با دوستداران بهروز وتوقی و بهمن مفید و مری آبیگ و دلیم داش آکسل مکاتبه داشته باشم.

● **با بلم - صندوق پستی ۱۰۹ محمدرضا مظفری**

● حاضر بکنابته با علاقه مندان سینما و تئاتر هشم.

● **تهران خیابان سینا - چهارراه خرمشهر کوی همایونی کوچه کامیاب پلاک ۸۳ - شلام رضا جورابی**

● مایل بکنابته با دوستداران سینمای ایران و هند و همچنین هنرپیشگانی چون دردمندار - همنوچ کماند و حیدیه رحمان - راج کمارت و جیتی مالاداز ایران فردین - هرزان - ناسرملک مطیعی هشم.

● **تهران : خیابان آریانا کوچه میانه دو آب پلاک ۱/۵ محمد اسکندر (اشرف)**

● حاضرم یا دوستداران

هنرمندان خوب و با ارزش کشور ما رضا بیگ ایما نوردی - عزت الله انتظامی - علی نصیریان - جمشید مشایخی - وهم چنین محمد علی جعفری مکاتبه هشم.

● **تهران - خیابان بهار چهارراه ایرج اول صنایع الدوله ساختمان شماره چهار طبقه چهار شرکت تزیینات - مهدی آقاچانی**

● با خواهران و برادران خوزستانی طرفدار ناسر ملک مطیعی - بهروز وتوقی - بیگ ایما نوردی و منوچهر وتوقند تقی مختار - بهمن مفید سعید داد - مری آبیگ - چارلز پروسون - حاضر بکنابتهام.

● **بندر ماهشهر - ام ۲۰ - اطاق ۱۲ نعمت الله بنی سعید**

● با دوستداران هنرپیشگان زیر حاضر بکنابته هشم. (ما یکل کین - پتر فینچ - استانیلی بیکر - هریت لوم - جیمز استوارت - کنت مور - پتر لایورد - ویکتور مانیور و مارچلو ماسترویان).

● **سمنان - خیابان شیرو خورشید هنرستان صنعتی سمنان - سال دوم فلز کاری - قربان علی ایمانی**

● با علاقمندان نقاشی و تهنای حاضر بکنابتهام.

● **آقاچاری - پست اداره شهر داری نادر رحیمی**

● با دوستداران بیگ ایما نوردی حاضر بکنابتهام.

● **بزد - میدان شاه - پسران سلطانی - احمد پیوندی**

● با دوستداران ملک مطیعی قادری - وتوقی - بهمن مفید مری آبیگ - آفرین مایل بکنابتهام.

● **بابل - هنرستان صنعتی - سال دوم رشته راه و ساختمان محمد رضا مظفری**

● علاقمندان با دوستداران فردین - شها - شون کانسری - ریچارد گارنسون - جولیا نوچا - استیو مک کویین - دلپ کمار - سارا با نوب و حیدیه رحمان - زرمانی و کستر و کودیا کار دینا بکنابته نمایند.

● **تهران - میدان شوش - خیابان شاهین - کوچه فروردین - پلاک ۱۵ - علی نیویدی**

● حاضرم یا خواهران و برادران جنوبی مکاتبه هشم.

● **دامغان - سال دوم دانشسرای مقداماتی - علی اکبر مجیدی**

● با علاقمندان پیر و زرتوقی ملک مطیعی - منوچهر وتوقی - قادری - بهمن مفید - سعید راد فردین - بیگ ایما نوردی - آرمان و جلال مایل بکنابتهام.

● **تهران - نازی آباد - خیابان سرسبز - کوچه زرین - پلاک ۴ روح اله رحیمی**

● با علاقمندان فیلم هنر حاضر بکنابتهام.

● **مرگان - سمیل لک تراشی برگو مهدی رضوانی**

● با علاقمندان شون کافری - ریچارد هرین - دلپ کمار - کودیا کار دینا - زرمانی - اکستر مایل بکنابته داشته باشم.

● **تهران - میدان شوش - خیابان شاهین - کوچه فروردین - پلاک ۱۵ - علی نیویدی**

● با مگلان جوانی که به فیلمبرداری علاقمندند و از این رشته اطلاع ندارند مایل به مکاتبهام.

● **تهران - شوش شرقی - کوچه محمدی - پلاک ۲ - جاوید رضائی**

● علاقمند مکاتبه با خواهران محصل شهرستانی هشم.

● **تهران - شوش شرقی - لب خط - کوچه کسری - پلاک ۲۲ حسین تهرانی**

● با شکست خوردگان در عشق حاضر بکنابتهام.

● **مرند - صندوق پستی ۴۴۷۲ غلامرضا عبدالمهی**

● با علاقمندان این سوسورتن ساز بزرگ مایل بکنابته هشم. هوارد هاکن - دانیل فورد - سیبیل - پ - و جومل

● **تهران - شوش شرقی - خیابان شهر ۴ راه هاشمی - شماره ۱۷ میقا ایمانی**

● مایل بکنابته با همه ملت ایران هشم.

● **اصفهان - خیابان هارونی - ابتدای کوچه مسجد علی - پلاک ۷۸ - محمد علی روشنی زاده**

# بازار

● **یکدوره کسب فیلم هنر از شماره ۲۵ الی ۲۲۰ بکثت مسافرت خارجی قیمت عادلانه و یکجا آماده فروش میباشد - توضیح اینکه کلیه مقالاتها و عکسهای درج شده در مجله های مذکور و همچنین تمیزی بسجده آنها تضمین میگردد.**

● **خرمشهر - صندوق پستی ۴۴۱ افضل اله ادهی.**

● **یک عدد دوربین فیلمبرداری ۱۶ میلیمتری ساخت آمریکا بدون قیمت و تضمین با سازاترین قیمت بفروش میرسد - در ضمن خریدار یک دوربین ۳۵ میلیمتری هشم.**

● **تهران - خیابان کرمان کوچه ساعتچی - شماره ۱۲ - احمد مجددی**

● **حاضرم یک دوربین فیلمبرداری ۸ میلی متر کبکثت دوم را با قیمت مناسب بخرم از فرزندندان محترم تقاضا می کنم با من به این آدرس نامه مرفوق فرمایند.**

● **شاهی - دبیرستان رازی کلاس ششم ریاضی رمضان اسدالله زاده**

● **یک سناریو برای فروش حاضر است - طالبین باین نشانی مکاتبه نمایند - اصفهان - خیابان میر - خیابان داروش - کوی زرین پلاک شماره ۵ منزل آقای حسین زرین فر - محمد رضا زرین فر**

● **مایل بکنابته باطر فداران فردین - ایرج قادری - بیگ ایما نوردی هشم.**

● **اراک - خیابان مشهد - زربری موزالیک سازی نیک بخت پلاک ۱/۱۳۲ - محمود حیدری**

● **علاقتمندان کمانیکه دوست دارند هنرپیشه شوند مکاتبه داشته باشم.**

● **اراک - خیابان حصار - کوچه سعیدی - جنب مسجد آخوند - کاشی ۱۸۶ - ابو الفضل خلیلی**



# پایان یک مسابقه بزرگ

● با انتشار این شماره مسابقه بزرگ «یک» به «ده» پایان می‌یابد و موجی که از ۱۵ هفته پیش آغاز گردیده بود بسکون و سکوت میگراید. در طی ۱۵ هفته گذشته در حدود دوازده هزار نامه از اطراف و کتاف ایران جهت این مسابقه دریافت داشتیم و طی ۱۵ هفته اخیر بیش از چهارصد نفر این مسابقه را صمیمانه دنبال کرده‌اند. در طی دوسه هفته اخیر که سوالات انسدکی جنبه آسان بود گرفت، انبوه نامه‌ها افزایش یافته است.

با طرح سوالات این هفته مسابقه ما نیز پایان می‌یابد و در اول بهمن ماه برندگان مرحله چهارم انتخاب و معرفی خواهند شد. همانگونه که قبلاً نوشتیم کلیه امتیازات شرکت کنندگان در مسابقه از هفته اول تا پایان پایکدیگی جمع میگردد تا پس از کسب امتیاز لازم در قریه کشتی شرکت داده شود و از این برهه کمک قابل توجهی بکسانی شده که فرستارسل پاسخ‌ها را نیافته‌اند در هفته گذشته برندگان مسابقه هفته هشتم را معرفی کردیم، در این هفته برندگان هفته نهم و دهم معرفی خواهند شد و اعلام نام برندگان مرحله سوم که قرار بود در این هفته موفق گردند، برای آنکه کسانی که تاکنون اقدام ارسال پاسخ نکرده‌اند پاسخ خود را ارسال نمایند بیفته آید همگول مینمائیم.

## برندگان هفته نهم مسابقه یک به ده

مناشه الله ایمانی - خیام رضایی - حسین صدوق سوادکوه - جعفر وظیفه فرد - محمد حسین طباطبائی - جعفر خانیا باقی - محمود سعادت - ایرج دولت یار - هاشم مصیبی - بهرام جمال‌الله ریگ برنده یک بلیط ژسینما می‌باشد.

ناصر مرادی مطلق (اندیشک) - حسن محمد خانی (شهر کرد) - علیرضا نوری مقدم (رضاییه) محمد جواد گل‌زردی (کرمان) - رضا کوهی (اسفهان) قاسم کلهی (اواز) احمد شاهرخیان (دزفول) عبدالله نوبیها (جناب آباد) حمید ماهر و (مشهد) جمشید مقدم (قم) هر یک برنده یک جلد کتاب می‌باشد.

## برندگان هفته دهم مسابقه یک به ده

محمود بردبار علی وحیدی - گلزار هدایتی - محسن حنجی -

ابراهیم انوری - ناهید منجمی - محسن فرید - عباس ظهوری - حسین کمالیان - علی اسمر آشتیانی - هر یک برنده یک بلیط ژسینما می‌باشند. خدیجه محمودی (شیراز) - محمد هاشم منتظری (ساری) میر و در موسوی (مرافه) - علی کریمی (بندر عباس) - حسن حیدری (اندیشک) - فاطمه احمدزاده (اسفهان) حمیده محسنی (کرمانشاه) - بهرام صادقی (تبریز) - جواد ارتقون (گرگان) حسین شامیاتی (مشهد) هر یک برنده یک جلد کتاب می‌باشند.

از کلیه کسانی که نامشان در فوق ذکر گردید خواهشمندیم برای ارسال جوابی آدرس دقیق خود را برای ما ارسال دارند. در ضمن چون تاکنون تعدادی از برندگان که از آغاز تاکنون نامشان در مجله اعلام گردیده برای ما آدرس دقیق خود را ارسال نداشته‌اند ضمن ذکر نام آنها تقاضا می‌کنیم هر چه زودتر برای ارسال جوابی آدرس دقیق خود را برای ما ارسال دارند.

کلمه اطعایی (مشهد) نصرت اعتضادی (رضاییه) احمد شاهر - خیابان (دزفول) - پرویز گرامی (اندیشک) - رضاشهد (پوشهر) - عبدالله نیم‌زاده (آبادان) پرویز رفیع نیا (بندر بلیوطی) دانیال دانیل (کرمانشاه) هادی شاه‌گلدانه (مشهد) سیروس کلاسی (شیراز) مهرداد ناسری (اسفهان) اسدالله چشمه‌نور (بندرماه شهر) - علی جوادیان (قزوین) - محمد مظفری (بابل) انزهرستان های مختلف که در طی هفته اول برنده یک جلد کتاب شده‌اند، و هنوز برای ما آدرس خود را ارسال نداشته‌اند از این نیز علی‌اسفرازان باقی - مرضی آلطه حسین تهرانی - علی قسری - ناصر گیاه - فرزین فتوحی - منصور قره باقی - حسن جلال‌پور - خسرو آذرنی‌پور - نادر حی‌شاد - تریا خدیویر ولی‌الله خسروی - کاظم سلطانیه زنجانی - غلامرضا میرمنوی - جعفر وظیفه فرد - علی وحیدی - که برنده یک بلیط ژسینما هستند تقاضا - مندمیم برای ما آدرس خود را ارسال دارند تا نسبت به فرستادن جوابی آنان اقدام گردد.

## ناهیته آینده و اعلام نام برندگان مرحله سوم

توجه فیلسازان بوده‌اند، نام پنج قهرمان معروف ایران را که به‌عالم سینما کشیده شده و در فیلم‌ها شرکت کرده‌اند برای ما ذکر نماید.

۴- در سینمای ایران تاکنون فیلم‌های متعددی ساخته شده که در رده‌های پر فروش ترین فیلم‌های تاریخ سینمای ایران بوده‌اند نام ده فیلم را حد اقل ذکر کنید

که فروشی بالاتر از ده میلیون ریال در ایران اول نمایش بدست آورده‌اند. ۵- جان وین تنها هنرپیشه معروف فیلم‌های وسترن در ایران است که تا بحال در آثار متعددی از سینمای وسترن آمریکا ظاهر گردیده است. برای ما نام پنج فیلم معروف او را بنویسید که در لباس کابوی های آمریکایی ظاهر شده است.

چندین سینمای بزرگ تهران دچار آتش سوزی مدحشی شده و از بین رفته که در حال حاضر یا تجدید بنا نگردیده و یا آتش هنوز بصورت مخروبه است. برای ما نام پنج سینما را ذکر کنید که دچار حریق و آتش سوزی گردیده است.

۳- قهرمانان ورزش نیز چون خوانندگان همیشه مورد

# ۱۵

۱- نام پنج فیلم ایرانی را برای ما ذکر کنید که در آن خوانندگان معروف کشور شرکت داشته و بازنگر نقش نخست بوده‌اند (نام و نام خانوادگی را درج کنید)

۲- در طی چند سال اخیر



## فردین و عشق

● عشق یکی از بزرگترین موهبت های خداست و انسان زمانی کامل است که عاشق باشد هیچ چیز نمی تواند ابدی باشد چون طبیعت وزندگی و جسم و روح ما در حال تغییر است احساس عاشقانه هم دائماً دستخوش تغییر می شود و حالت سودی و نزولی طی می کند.

● وقتی عاشق بودم هیچ چیزم بر این دنیا بود. وقتی شکست خوردم بیخمنی و حقیقتها بمن رو آورد. همه چیز را تاریک می دیدم. صدایها برایم نشت بودند. همه صداها مثل جسد شدن بند استخوانهایم بود بنظر من آمد همه هستی دست بیست همدارند تا مرا نابود بکنند.

## درد تاسکی های پارسی

□ یکروز « بریزیت یارود» سر یک چهارده پارسی وقتی قزاق فرمن بود از تاسکی پیاده شد و با عجله بطرف پلیس رفت ،  
- تاسکی پلیس ، این راننده بمن پیشنهادهای زشتی میکند . پلیس خونسرد فرانسوی جواب داد ، مگر شما پیشنهادهای او را قبول کرده اید ؟  
- نه این چه حرفی است .  
- پس برای چه ناراحت هستید پیشنهاد که جریمه است.

## صرفه زدر کدام است

□ بشون گانری برای بازی در هر فیلم جیمس باندنی مبلغ ۳۰۰۰۰۰ دلار دستمزد می گرفت با توجه به اینکه شغل سابق ایشان «تایپور سازی» بوده و هفته ای صد دلار می گرفته بنظر می رسد که «صرفه» با هنر پیشگی باشد.

## گناه اسم

□ سایبیل برتون همسر سابق ریچارد برتون بعدتی است که با یک رقاصه «اشتریبه تنس» مرافقه دارد. زیرا این رقاصه هم اسمش «سایبیل برتون» است و

رناتو سالواتوری - در بیان گری -  
ژرژ مارشال - کریستین کوفمن -  
بیر کوس .  
داده اند !!!

## ورزش

□ این داستان را هم از تماشای شب و شنیدیم . وی می گفت زمانیکه در دبس پرفسور سوسول با وحدت همبازی بودم ، مشاهده کردم که وحدت چند روزی ناراحت و کسل بر نامه اجرا میکند و مثل ایست که شما هم میخوانید ، یک روز دلم را بدبدا زده واژ او در این مورد سؤال کردم ، وحدت گفت آخرش را تا دیر وقت روی صحنه ام و هر روز ساعت شش نیز باید برای ورزش بلند شوم .

امسا وقتی با او گفتم ورزش کردن که خشکی ندارد و باید برعکس شاد و سر حال باشی میداند چه گفت ، گفت ، آخمن ورزش نمی کنم ، دختر همسایه بر بروی منزل ما هر روز ساعت شش در اطراف خوابش بر نه شده و ورزش میکند .

## شبهن ستاره پرکار

□ بر کارترین ستاره سینمای ایران در سال ۱۳۴۸ شبهن هر پشه معروف است که در آن زمان بعد از توفیق فیلم خورشید میدرخشد بر کارترین و موفق ترین ستاره روز سینمای ایران بود .

وی در آن سال در فیلمهای دولو و اسفر علی - اینتیه جورشه - دوستان یک رنگ - آخرین هوس ویمان شرکت کرد و خود در نظر داشت فیلمی بنام آنتشاره با سرمایه خودش تهیه نماید که اصلا عملی نشد و از مرحله حرف فراتر نرفت.

## یک فیلم، این همه پول

□ گران ترین دستمزد بازی در یک فیلم را در تاریخ سینما ویلیام هولدن برای بازی در فیلم یل روخانه که گوی بدست آورده است.

وی ب موجب قرارداد منتهی ده در صد سود فیلم را دریافت می نماید که تا آخر سال ۱۹۷۱ بطور تقریب سه میلیون دلاری (دویست و چهار میلیون تومان) از کمپانی کلمبیا پول گرفته و احتمالا یک میلیون دلار دیگر نیز نصیب او خواهد شد.

## داستان مروراید سیاه

□ فیلم مروراید سیاه از جمله فیلمهای ایرانی بود که در پاکستان بنمایش درآمد و در آن ایران شرکت داشت میگویند در آن زمانها یکی از نمایندگان استودیو های ایرانی که برای خرید فیلم بدان کشور رفته بود ، چون ملاحظه کرد که ستاره فیلم شبهن ایران است ، فوراً فیلم مرزور را برای نمایش در ایران خریداری کرده و نمایش در میآورد و از ایران نیز که در کار دوپله فعالیت داشت برای دوبله آن دعوت میکند ، وقتی فیلم برای اولین بار در سالن شاهرخ تهیه کننده فیلم از اینکته فیلمی شبهه فیلم او در پاکستان ساخته شده و نمایش داده و سفارت پاکستان شکایت میکند که تهیه کنندگان پاکستانی از روی داستان او فیلم ساخته و حتی ستاره ای

## این هنرمندان کجایی هستند؟

- ۱ - خاندن لکش اهل بابل
  - ۲ - ایرج رستمی اهل یزد
  - ۳ - کورس سرهنگ زاده اهل بکرمان
  - ۴ - وحدت اهل اصفهان
  - ۵ - ایرج اهل کاشان
  - ۶ - فروزنده اربابی اهل کاشان
  - ۷ - شلا اهل تهران
  - ۸ - فرانک اهل ماکو
  - ۹ - سیبلا اهل مشهد
  - ۱۰ - منوچهر اهل کاشان
  - ۱۱ - کلها اهل تهران
  - ۱۲ - روانیش اهل قزوین
  - ۱۳ - یاحقی اهل تهران
  - ۱۴ - آرمان اهل تبریز
  - ۱۵ - بهمنیار اهل تهران
  - ۱۶ - ناصر ملک مطیعی اهل تهران
  - ۱۷ - ناصر مسعودی اهل رشت
  - ۱۸ - منوچهر نوسوزی اهل تهران
- فرستاده ع - حیدری  
(اصفهان)

از این هفته در گروه سینماهای:

کاپری - نیاگارا - اروپا - میامی - الوند  
کیهان - ری - مارلیک - اورانوس - فردوسی  
سیلورسیتی (قلهک) و سیلوانا

منوچهر  
و ثوق

فروزان

تهیه کننده:

عباس  
همایون

کارگردان:  
شاپور قریب



محمول  
آئیس فیلم

سیدناقم

باشکرت:

صبری، آرزو، ناظری، صفیدی، عیشی، میران صدیقی، صادق پیراهن

## آغازی با شکوه در مطبوعات کشور



نیمه اول بهمن ماه «فیلم و هنر» در قرم و محتوای تازه با همکاری بهترین نویسندگان و مترجمین سینمایی کشور منتشر خواهد شد.

### معصومیت

(بقیه از صفحه ۱۴)

#### سد رهبران در فیلمسازی بوده است برای ما بگوید؟

در کار من خوشخانه چون با دو جوان دیگر کار می کردم مقداری تفاهم وجود داشت، و این تفاهم سبب شده بود هر چه که من دلم میخواست تا آنجا که مقدور آنها بود پدید میآمد. فقط نگرانی ما یک مقدار زمان بود.

مهمترین مطلب در فیلمسازی حاکمیت ما، قیلا بگویم کسیستما دنیا به خیابان کشیده شده است یعنی سینمای خیابانی و پلاشو، دود را همه کنار گذاشته اند. توی حقیقت دارند فیلمبرداری می کنند متأسفانه و متأسفانه مردم ما بقدری نسبت باین مطلب کم توجه دارند که گاهی انسان را از خودش متفرق میکند. مادر سینمای خودمان همیشه یک درگیری تلخ و زننده ای، هنگام فیلمبرداری در هوای آزاد با مردم داشته ایم. این واقعاً از نظر روحی شکننده است، جسم کنید شما برای فیلم تمام اجازتهای لازم را از مقام دولتی و غیر دولتی گرفته اید و مقامات دولتی نیز با حسن نیتی که دارند

جنباً صمیمانه کمک میکنند. بعد می خواهید فیلمبرداری را شروع کنید، دو سه تا بچه هفت، هشت ساله می آیند و متکه می اندازند، سنگا تینی که در «کلبه» دارد می چرخد، نکاتیفی که تهیه کننده پول بلا لایش داده، هنرپیشه ای کفو قش ارزش دارد. جال با این عمل بیجانان باید در کارشان وقفه پیدا شود. اگر بچه را بخوابد زیند که می توانید. اگر از نظر قانونی بخواهد با او طرف شویم، میگوید: **دعوتنامه میخوانم و ایسم** و اگر حرفی بزین کردن کلفت های محله جمع میشوند میگویند اصلاً این کارها حرام است! بندوق با تونو جمع کنید و برید!

خب ما نمیتوانیم با آنها درگیری پیدا کنیم. مجبوریم همیشه سرمان در لاک خودمان باشد. بقیه من تا زمانی که این مطلب «مردم و سینما» را حل نکنیم نمیتوانیم بساین سینمای فرهنگ خیابانی خودمان ادامه دهیم. ولی از طرف دیگر من این مطلب را مخصوصاً به آقای سعید راد که هنرپیشه با استعدادی میباشد و اکنون شناخته شده و در آیدنتین بهتر خواهد شد، میگویم، که حیجرت در کارشان حمله نکنند، یعنی فکر نکنند (آیته منظور

سعیدراد نیست) تا نتور داغ است باید ده تا نان بپزند، بگذارند یک لاک را کردان واقماً آزادی عمل داشته باشد. سخنانی که چهار شباً نهور کار لازم دارد طرف ۶ ساعت فیلم برداری نکند که هنرپیشه بخواهد برای فیلم دیگرش سرواز کند و شهر دیگری برود، زیرا آنچه همان است که قیلا بوده است. هنرپیشه ها باید با فیلمسازان همکاری کنند. ذهن آدم مثل آیینه است. اگر کدر بشود بخصوص هنرمندان که انسانهای حساس هستند، دیگر کار نمی شود کرد. هنگام فیلمبرداری میگویند بجهتم ولی موقعی که پشت «مورولوامی» نشیند میگویند ای کجی این صحنه اینطور فیلمبرداری میشد. این جا یک «کلوز آپ» کم است، چرا این کار را کردم که زودتر بکش برسد، و این موضوع، وقت هنرپیشه خیلی در کار فیلمسازی مؤثر است که متأسفانه کسی رعایت نمیکند.

ادامه دارد

### سیامک دو لتشاهی

(بقیه از صفحه ۱۷)

که با هر پیتاش، کلایمیکیب و نسیم داریم، و البته من دم مورد خودم

میگویم این همکاری را ادامه دهیم و در فیلمهای سازندگان دیگر شرکت کنیم.

### آیا هنگام فیلمبرداری شما دچار مشکلاتی شده اید؟

الته هر فیلمی که بخواهد در هوای آزاد فیلمبرداری شود خواهی نخواهی با مشکلاتی روبرو میشود، ولی خوشبختانه ما با مشکلات زیادی روبرو نشدیم و حتی مردم کلانشان نیز نهایت همکاری را با ما کردند.

قطب سخنها را ما زیاد تکرار می کردیم. البته نه بنابر آنکه ما تازه کار بودیم، بلکه خود «هر پیتاش» مایل بود اینکار انجام شود.

### دلار یادینامت

(بقیه از صفحه ۲۷)

پس از بازگشت مجدد به سینماست.

سایر نقش های مهم فیلم را این بازیگران بر عهده دارند: اشتر ابدی (که این اواخر سخت بازار اودر فیلم های پوستر گرفته، بوج کشیدی، این گروه خشن، حماسه کیبل هوک و جونا مرنر) دی نقش «پیلی» دزد بانگرا بر - عهده دار - کورت راسل به نقش «جان» ظاهر شده ویدیو فیلم های «والث - دیزی» شرکت فالانهای دارد - ویلیام بیدوم، کاتی کانون، و... شما ملک لاکن برای صحنه های سیاهی لشکر از وجود مردمی عالی شهر استفاده کرده است. فیلم بطریقه واید - اسکرین توسط «هادی» استر ادلیتک جونور» (رنکی) فیلمبرداری شده که بنوبه خود یکی از بهترین مدیران فیلمبرداری در هالیوود بشمار می رود. این فیلم را کمیانی کلمبیا در تمامی جهان توزیع خواهد کرد.

## امیرش روان (بقیه از صفحه ۱۶)

● بر نامه های آینده پارتان کدام است؟

□ فعلا مشغول ساختن فیلم «خاطر خواه» اقتباس از نوشته هنر کار خودتان اورتونی کرمانی «سردید اطلاعات هفتگی» میباشم و بعد قرار است پیرای آقای جسمانیان فیلمی بسازم که «فرین» در آن بازی خواهد داشت و در سنن قراردادهاش نیز با استودیو پارس فیلم دارم.

● گفتید فرین، با ممکنه پیرسم نظرتان نسبت به فرین چیست و آیا او هنوز در کارش موفق است یا خیر؟

□ من همه حرفهایم را که در مورد «فرین» گفتند تکذیب میکنم و میگویم که فرین هنوز در کارش موفق است. او یکی از بهترین و بزرگترین هنرپیشگان سینمای ما است. و اگر گاهی فیلم بدی از او نمایش میدهند مقصر فرین نیست، بلکه کارگردان و تهیه کننده فیلم میباشد.

بافرین خیلی راحت میتوان کار کرد. باید داستان خوبی نوشت و بعد از او دعوت کرد تا در فیلم شرکت کند. اگر سازندهای نمی تواند از استعداد پیش از حد او در کارهای استفاده کند، نباید از وی خرد گرفت و بدون شک اگر فیلم خوب و حساب شدهای از وی ساخته شود آنوقت خواهید دید که هنوز فرین یک هنرپیشه پر قدرت است.

● از اینکه لطف کردید به چند سؤال من جواب دادید نهایت متشکرم.

□ خواهش میکنم سلام بر ا بدوستان برسانید.

## پوری بنائی (بقیه از صفحه ۱۶)

فعالیت جدیدی دارید؟  
-بله، متأسفانه فعلا نمیتوانم روی پیشتهاداتی که بمن میشد دقت کنم. زیرا حوصله نداشتم ولی اکنون سعی خواهم کرد در

فیلمهای خوبی شرکت کنم. انشاء الله یکی دو قرارداد با آقای رضا صفائی دارم که بزودی فیلمبرداری یکی از آنها شروع خواهند شد. با آقای فردین نیز قرارداد دارم و در ضمن آقای شببانی تازه با زنده روز دیگر فیلم جدیدشان را شروع خواهند کرد کمترین در آن بازی خواهند داشت.

بمنوان آخرین سئوالم از اومیربیم، «راستی خانم بنائی، میگویند نسبت به گذشته شما کمتر در مجامع عمومی دیده میشوید و بسیاری دیگر از زندگی اجتماعی گریزان هستید» کمی عصبانی میشوید، ولی در نهایت آرامی میکنید.

«بهبود وجه اینطور نیست، اتفاقاً نسبت به گذشته من بیشتر در مجامع دیده میشوم. مثلاً برای نمونه همیشه تصمیم داشتم که از برنامههای تالار رودکی استفاده کنم، ولی نمیتوانستم. اکنون در نهایت آزادی و با خیالی آسوده بدیدن برنامههای هنرکی آن میروم. و من بعد نیز سعی خواهم کرد پیش ازین از اوقات بیکاریم برای دیدن آنچه در برنامهها استفاده کنم.»

## جیمیز باند (بقیه از صفحه ۲۶)

را بازی کرده، زنی که در ماجرای هر کاریش شرکت دارد و بهتر اوس میکی کمک می کند تا قاتلین را دستگیر سازد.

● **تئودور ریگل**، بازیگر تئاتر و سریال های تلویزیونی و خواننده آهنگهای عامیانه ایفاگر نقش «دایر» است، «دوست تراویس» که او را در بدام انداختن قاتلین یاری میدهد.

● **جین راسل**، که ستاره بزرگ و مشهور سینما دلبی دهه ۳۰ و ۵۰ بوده و خاطره فیلم معروف اودیباغی در سال ۱۹۴۵ فراموش نشدنی است، پس از یک دوره رکود و سکوت سه ساله بسا ایفای نقش «بیر آلاما» در این فیلم به سینما بازمیگردد.

● **جیمیز بوت**، در نقش میکی قایق دار، قربانی و دامی است بقیه در صفحه ۴۲

## یادداشت های هفته (بقیه از صفحه ۱۰)

کارشندان و نسبت به همکاران خود با یکتوج ملاحظه کاری و به اصطلاح «قدم آهسته» رفتار و فکر می کنند و دلیلش این است که فلانی ممکن است با شنیدن حقیقت درباره خودش، کلی برنجند و یا شاید قراردادش را یا ما لغو کند!

حقیقت این است که عده ای از هنرمندان ما، خصوصاً آنهایی که نقطه ضعفی نیز دارند و به اصطلاح «ریگی» در نقش، از شنیدن انتقاد یا حقیقت درباره خودشان بیدارند و گوئی بارودن تمام ضعفهای هنری آنها، دیگر یکی اعتبارشان را در سینما از دست خواهند داد. بدین ترتیب است که اکثر آنها این «سکوت» درباره خود یا «وقایع» خود را همچنان حفظ می کنند چون «مردی» که از این کار بخت می آورد، می تواند همچنان برده ای روی کارهایشان و شخصیتشان و خلاصه نحوه فعالیتشان در سینما یا تئاتر بکشد و نیز «کار» آنها حیف و میل نشود. باعثش تأمس است.

### جشمید از میان

## ● پولیتیک های قلابی و حرفهای بی نتیجه!!

با آنکه از آغاز سال ۱۳۵۰ بارها گویندگان و مجریان برنامههای تلویزیون، در برنامههای مختلف خصوصاً «شما و تلویزیون» به تماشاگران قول داده بودند که از پاییز اعمال تغییرات کلی در برنامههای تلویزیون خواهند داد و سریالهای تازه جایگزین سریالهای قدیمی خواهند گردید ولی اکنون که فصل پاییز تمام شده و حتی اولین ماه زمستان با به بنام رسیده است هیچگونه از این قول و قرارها به انجام نرسیده است بطوریکه باعث بدبینی و ناراحتی تماشاگران از تلویزیون ملی ایران گردیده است.

اواخر فصل تابستان بود که بی دینی در تلویزیون اعلام میشد از فلان تاریخ آگهیهایی که جنبه جایزه دارد پخش نخواهد شد. چندی این کار عملی گردید ولی جایگاه حتی بیشتر از سابق این نوع آگهیها پخش شد. بطوریکه مشاهده میشود هر کون تلویزیون از نظر آگهی بسیار قش است و براحتی قادر است ترتیب تهیه سریالها و برنامههای متنوع دیگر را فراهم نماید.

ولی متأسفانه مسئولین مربوطه چنین نمیکند، معلوم نیست تا چه موقع باید پولیتیک های قلابی سر کار استوار و حرفهای بی معنی بی نتیجه اینچنین اختیاری را دید و شنید و دم بر نیارود؟ هر چند این نوع برنامههای خسته کننده تلویزیون برای سینمای بومی مفید است و تعداد زیادی از تماشاگران آنرا بسوی سینما میکشاند ولی به حال تکلیف آن همه از تماشاگران تلویزیون که بخاطر گرفتاریهای داخلی اجبار در خانه ماندن دارند و وسیله تفریحی دیگری بیج تلویزیون ندارند چیست؟

### رضا شمشادیان

## استودیو عکاسی فدرا

عکاس مجله فیلم و هنر و هنرمندان کشور  
خیابان هلمی - بالاتر از پستخیز سینما ۷۸ تیکت تلف ۹۳۳۰۸

## دو هنرمند بزرگ و محبوب سینما

در یکی از پر شورترین حوادث جنگ دوم جهانی خاک ماجراجویی هستند که نظیر آنرا سینما تا بحال بخاطر ندارد.

برنامه این هفته گروه سینماهای:

# گلدن سیتی - رویال سانتروال - متروپل

## راک هودسن - سیلو اکوشینا



در فیلم رنگی  
**HORNETS NEST**

## هنگ خردسالان

با شرکت: سرجیو فانتونی

پاکوردانی: فیلم کارلوسن محصول یونایتد آرٹسٹ

## سینمای مسلح

(بقیه از صفحه ۱۴)

برد. در داین فیلم گرز و شمشیر و سپر از مسائل مسلحی بودند که بکار گرفته شد.

از سال ۱۳۳۶ بمبد فیلم های تاریخی در ایران رونق سابق خود را از دست داد. و سازندگان فیلمهای فارسی که تعدادشان تقریباً زیاد شده بود به فیلمهای عشقی و اخلاقی روی آوردند و سینمای مسلح تاریخی پراعی مدتی در بوته فراموشی فرو رفت. تا اینکه مجدداً پارسفلم، **یوسف و زلیخا** را با شرکت فخرالدین هنریشه ترک و فرزندان بکارگردانی رئیس فیروز آماده نمایش نمود.

این فیلم فروش بسزائی کرد و عدهای را بفکر تهیه این نوع فیلمها انداخت. اما از آن جهت که پارسفلم دکورهای جالبی برای فیلمهای تاریخی ساخته است و همیشه می تواند از این دکورها استفاده کند. از اینرو فقط پارسفلم اغلب فیلمهای تاریخی را روانه پرده سینما مینماید.

در ضمن استودیو صرطلانی نیز فیلمهایی در عماره کندی، اما پاسوژ تاریخی و حماسی، نظیر **پسران علاءالدین و چراغ جادو**، چهل دزد بمباد، و دوره فیلم دیگر در این ماه ساخته که بیک ایمانوردی در این فیلمها، ایفای نقش میکرد و سهرنیا، گرشا، موسلانی و فرانک نیز در این فیلمها بازی داشتند.

همچنین فیلم دیگری با نام **دللی و مجنون** توسط سیاهامک یاسمی ساخته شد که بصورت سینما اسکوپ رنگی با شرکت هرزد و توفی، آفرین، آسمان، حمایون، ویکتوریا و بیگ ایمانوردی به نمایش درآمد.

در این فیلمها از سلاح شمشیر، و گرز برای مبارزه استفاده میکنند. و چند فیلم دیگر نیز مانند **خروشیرین**، **نیل شجاعان**، **غروب بت**، **پرستان** از پارسفلم نمایش درآمده که فخرالدین هنریشه ترک در آن بازی داشت و نیلوفر و فرزندان در این فیلمها همبازی

او بودند، فخرالدین در این فیلمها که تم تاریخی و عشقی داشت با شمشیر و احیاناً نا کشتی کج! نبرد می کرد و بار دیگر تماشاگران فیلم فارسی را با عملیات قهرمانی رزمندگان قدیم آشنا می ساخت. در حال حاضر نیز پارسفلم در تدارک چند فیلم تاریخی دیگر می باشد که بی گمان بار دیگر یاد فیلمهای تاریخی قدیمی را در اذهان زنده خواهد کرد و سینمای مسلح تاریخی نیز جای خود را در میان فیلمهای جنایی و جاهلی حفظ خواهد نمود.

در هفته آینده به بررسی فیلمهای مسلح جنائی در ایران می پردازیم.

## از صفر تا بینهایت

(بقیه از صفحه ۹)

و سینما از مردم نباید فاصله بگیرد. اگر احیاناً فیلمی من بسازم که مردم آنرا نبینند این فیلم بنظر من بی ارزش است. من تلاش میکنم فیلمی بسازم که مردم از آن خوششان بیاید و از آن استقبال کرده و بشینند بیایند زیرا سینما بنظر من یک هنر عمومی است. نیک هنر شخصی.

- مسئله عمدی دیگری  
**کادرهای شما چشم میخورد**  
**مسئله درون گرایی**، شما است در شخصیت های قهرمانان یا قهرمان داستان و در حقیقت شما تلاش میکنید که در فیلمهایتان **ذات** افراد و خصائص اخلاقی و جسمانی آنها را آشکار سازید، خواستم بپرسم که این توجه شما، یک مسئله دانشگاهی است یا ذاتی؟!

- چون اصولاً در مورد این «درون گرایی» که شما مطرح کردید، قبلاً فکر نمی کنم. بدین ترتیب نمیتوان گفت که این یک مسئله آکسایب است. بلکه من ذاتاً پابین کار علاقمندم.

ادامه دارد



## حمید قنبری (بقیه از صفحه ۳)

حمید قنبری، از جمله اقدامات اساسی که لازم بنظر میرسد اصلاح اساسنامه سندیکا بوده که در مجمع عمومی امسال تصویب خواهند شد، در وزارت کار و امور اجتماعی تصمیم گرفته شده که علاوه بر هیئت مدیره و هیئت بازرسان یک هیئت داوری نیز سندیکا داشته باشد و مسأله در دوره آینده گرفتاریها پیمان صورت خیلی خوبی حل خواهند شد پس تمام اختلافات و گرفتاریهای هنرمندان هیئت داوری ارجاع میگردد و آنوقت به مورد آن تصمیم خواهند گرفت و این مسئله بازسنگینی از دوش هیئت مدیره بر خواهد داشت.

از جمله اقدامات اساسی که مقرر است فراهم شده، بیمه هنرمندان بطور کامل و امور درمانی است و مسئله دیگر ایجاد صندوق تعاونی و ایجاد مسکن.

در این دو مرحله با وزارت فرهنگ و تفریح تماس گرفته و جلساتی تشکیل شده و وزارت فرهنگ و هنر با حسن نیتی که بوضع هنرمندان از نظر بیمه و امور درمانی و مسکن دارند برنامه خیلی مفصلی تدوین شده که انشاء الله در دوره آینده آن را هیئت مدیره جدید انجام خواهند داد. ما از شرکتیای بیمه فهرست های مختلفی برای بیمه هنرمندان گرفتاریم که اینک مشغول مطالعه پیشنهادت هستیم و یک ماه دیگر کار دارد و ماطسی جلسه ای تصمیم خود را در مورد بیمه و امور درمانی هنرمندان خواهیم گرفت که در سال ۱۳۵۱ کلیه هنرمندان هر قلم در مقابل حوادث بیمه شوند. در مورد مسکن با مسئولی که در هیئت دولت برای این کار هستند مثل سازمان مسکن و وزارت آبادانی و مسکن تماسهای خواهم گرفت تا بلکه بتوانیم زمین از دولت بسیاری ساختمان باشگاه و سندیکای هنرمندان بگیریم و همچنین در جوارش بتوانیم زمین در سافت کمپس برای آپارتمان سازی و ویلا سازی برای هنرمندانی که صدور صد احتیاج دارند با اینکه خانه و مسکنی داشته باشند.

من امیدوارم هیئت مدیره جدید بتواند این دو مسئله را که از عهده کار های سندیکا است در دوره سوم دنبال کنند و به نتیجه کامل برسند.

### فیلم و هنر : بهوان آخرین سوال خواستیم از نحوید انتخابات دوره سوم برایمان صحبت کنید و اگر در این مورد نظریاتی دارید بیان کنید.

حمید قنبری، پرواضح است در دوره دومی که انتخابات بود در باشگاه هنرمندان استودیو میثاقیه شده ای کاندیدا بودند برای هیئت مدیره بدین صورت که با عده ای خود را کاندید میکردند یا عده ای از دوستانشان پشت میکر فن آمدند و رفقای خود را کاندید میکردند. در این دوره چون تشکیلات وسیع تری بوجود آمده و موجودیت را بنگاه هنرمندان حس کرده اند و احساس کرده اند که وجود سندیکا چقدر لازم و ضروری است این مرتبه حتماً تعداد کاندیدا زیادتر خواهد بود و ولی حتماً کسانی باید خودشان را کاندیدا کنند که وقت بیشتری داشته باشند برای اینکه توجه دارید که این کار باید کاملاً بیانی است و هیئت مدیره حقوقی دریافت نمی کنند. پس بر این هر کس خودش را کاندید می کند باید وقتش کند که در هفته چند ساعت وقتش را بسندیکا اختصاص دهد و فقط هدف شرکت در جلسه هیئت مدیره نیست. بلکه در زمانه که در این باره هستند و سندیکای ادارتی دارند هر یک از افراد هیئت مدیره وظیفه دارند که مدتی از وقت خود را در این مورد صرف کنند.

در هر صورت هر یک از اعضا سندیکا می توانند خودشان را بطور آزاد کاندیدا نمایند در صورتیکه فقط فقط فکر کنند که وقت این کار را دارند یا نه و از فکر جاریشان باز نمی مانند و من قول میدهم شما که با مقدماتی که برای انتخابات دوره جدید چیده شده بهیچوجه در انتخابات سسته بندی در کار نیست و دوستانمان بطور کامل در ملی این چهار سال با کار افراد آشنا شده اند و بدینسان که چه کسی پیش دلسوزی میکند و حس فداکاری در وجودش هست. من اطمینان دارم با اطلاعی که

همه اعضای سندیکا دارند و موقعیت حساس خود را در یافته اند، افرادی خود را کاندیدا خواهد کرد و یا دوستانشان را لایق کاندیدا شدن میدانند باید کوشش کنند افرادی را کاندیدا و انتخاب کنند که واقفاً از مناصب قلب هفتاد خدمت باشد زیرا دو سال که سندیکا در پیش دارد، دوره سازندگی و موفقیت کامل است.

این نکته لازم است میگویم که چون در سندیکا به ملت قلمت جا افتاد برگزاری انتخابات وجود نداشت و اعضای سندیکا چند ساعسی باید برای استماع گزارش هیئت مدیره و دادن رای و فرات از آراء در محل انتخابات میماند، لذا با موقت وزارت فرهنگ و هنر تا از امروزه انتخابات شد و با موقت هیئت مدیره اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران برای شرکت کلیه

## در حاشیه

(بقیه از صفحه ۴۷)

جلسه عمومی سندیکای هنرمندان سینمای ایران که روزی شنبه بر گزار خواهند شد بهاس خدمات صادقانه ای که حمید قنبری در راه خدمت سندیکا انجام داده است از وی تجلیل بعمل آید. قنبری در چهار سال اخیر تمام وقت خود را صرف سندیکای هنرمندان نموده است و وجود او در مقام دبیر سندیکا منشا اثرات بسیاری بوده است.

سابقه ای عواجه گردیده است. اینک تهیه کنندگان دیگری بدین پیشنهاد کارگردانی فیلمی در سازمان های خود داده اند که در حال حاضر بزرگ مشغول مطالعه آنها است و فقط قرارداد کارگردانی فیلمی را در فردوسی فیلم، با سرمایه محمد کریم ارباب پامضا رسانده است.

### تجلیل از قنبری

گروهی از هنرمندان سرشناس سینمای ایران مصمت در

## بیمار کی

چشم عروسی در پیش دارید، جشن نامزدی میخواهید بگیرید، جشن تولد در پیش دارید.

یا اینکه

میهمانی مجللی میخواهید برپا کنید

کانون هنرمندان با دعوت از خوانندگان معروف رادیو و تلویزیون منجمله عارف، پوران، الهه، رسایی، رامش، رامین، کیان، شهره، پیمان، راشین، طلوع، سوسن، و گروههای معروف جاز با هر امکانی آماده گرمی بهترین جشن های شماست.

کانون هنرمندان - بین سه راه شاه چهار راه کاخ لکن ۶۶۱۴۴۴

## جیمز باند

(بقیه از صفحه ۳۹)

برای گروه جانی های این فیلم. سایر نقش های این فیلم برداشت های کلاک، ولیم اسمیت، آنا کاپری و رابرت فلیپین؛ بازی می کنند.

**«رابرت گلوز»** که سابقه ای در ساختن فیلم های دکومانتی در امراتیک دارد، این فیلم را که گردانی کرده، گلوز از ستاروی «ادواتر» برای فیلمش استفاده نموده است. گلوز اخیراً فیلم «شماره یک» را ساخته. تهیه کنندگان «تیم تراژیک» با اولتر سلرز و چلنرینوز هستند.

تمام صحنه های خارجی این فیلم در «عماری» و «ناسو» باهاما فیلم برداری شده که فضای مناسب برای حساس ترین صحنه های همچنان آزر فیلم جانی که تراویس بیک بازی می کند، برای نابودی قاتلین دست میزند، بشمار میرود. قاتلین آن که فیلم های جیمز باندی نیز در این مکانها ساخته شده است.

پهرحال «دنیایاورد» با این فیلم در رده جیمز باندها می آید. نهد و سیداد باور اولو شگوه خود را در دهه شصت تجدید می کند.

## من از میعادگاه

(بقیه از صفحه ۱۵)

داستان را بنام میعادگاه ختم داشت و سیروس الوند نیز داستان فیلم را برایش نوشت و مکانس پانانده هم مسائلی را که در دیوان فیلم با آن وابستگی داشته، او نوشت. در مرحله ادغام داستان میعادگاه ختم و داستانی که الوند نوشته بود، بهزاد فراتی با کمک کرد.

چون الوند مایل بود که نامش بهمنواسند نیست، فیلم قید شود در حالی که رویک و بهزاد فراتی نیز در این مورد دخالت داشتند. باین صورت قبول کرد که نامش با دو نفر دیگر بیاید که نامش نیز بهمنوان تقریباً هم قید شود و من بخاطر او این کار را انجام دادم. هفته آینده تمام میشود

## سندیکی تلویزیون

(بقیه از صفحه ۱۸)

فیت نامت و هر دو نندگان بازیگران توجه از خود نشان میدهند و همین حس نیست متوالان است که متوالی همتری را بر می انگیزد.

فیلم هر دو هم بعنوان یک وسیله ارتباط جمعی لازم میدانند که در رویه های هنری با تلویزیون همگامی داشته باشد و در انعکاس آن همگامی صمیمانه خود را ابراز دارد.



و حالا بد نیست چند اظهار نظر کوتاه از هنرمندان تلویزیون را در باره تشکیل سندیکای هنرمندان تلویزیون بیاوریم.

**«پرویز کاروان»** تهیه کننده و بازیگر سر بال سرکار استوار میگوید: تشکیل سندیکای هنرمندان تلویزیون ضروری و واجب است. اما من فکر میکنم کسانی که در کار نامشروعند باید سندیکای جداگانه داشته باشند، وجود سندیکای متوالان بکار هنر پیشه اهمیت میدهد، زیرا حالا که هنر پیشه در استخدام دولت نیست و کار حرفه ای، بطور آزاد مورد بهره برداری قرار می گیرد، باید سعی شود از طریق شرکت تعاونی و سندیکای مورد حمایت قرار گیرد. در حالی چون قضیاتی برای ادامه برنامه های یک گروه تلویزیونی نیست از این رو تشکیل سندیکای متوالان پیشنهادی برای گروه های تلویزیونی باشد.

● «فخری لنگرد» میگوید معروف تلویزیون که هم اکنون برنامه شش شور عشق را میبندد می کند در این باره میگوید:

« البته من فکر میکنم ایجاد سندیکای فکر خوبی باشد تا باین وسیله از هنرمندان حمایت شود، اما چون وضع من هنوز در تلویزیون چندان مشخص نیست و موکول است به تشکیل دو دستگاه رادیو و تلویزیون، از این دو میفرمایم راجع به لزوم آن اظهار نظر دیگری نکنم.

● خانم « سعیده » خواننده گروه موسیقی اصیل ایرانی تلویزیون نیز معتقد بود که سندیکای سندیکای هنرمندان تلویزیون پیشنهادی خوبی برای همه دست اندکاران امور هنری در تلویزیون می باشد.

●●● در هفته آینده بحث و گفتگوی در باره تشکیل سندیکای هنرمندان تلویزیون، با بازیگران سر بال های ایرانی خواهیم داشت.

## نامه وارده

(بقیه از صفحه ۴۷)

بعد از مطالعه نسخه ناهس آن ستاریو شفاها آینده های زیادی دادم که متأسفانه بعلم نبودن وقت (چون آقای میرصندزاده در ساختن فیلم بجه داشت) نتوانست ستاریو کامل کنم و با عذر خواهی از ایشان وقت نگارشی ستاریوهای دیگر، ناراحتی موجود رفع شد و تهیه نگارشی ستاریو رضا چلچله و چراغ جادو که هیچ صحبت و فراموشی در آن وجود نداشت یافت. اما آقای بیک ایمانوردی مدتها قبل از صحبت من با میرصندزاده، مبلغ هزار تومان به بنده داد که به مسئولین ایماژ فیلم بنده (بابت پیش قطعی که از آنها گرفته بودم، و ستاریوی «ساعت فاجعه» را از آنها تحویل گرفته و به ایشان واگذار کنم. که مسئولین ایماژ فیلم خود را برای شروع فیلم «ساعت فاجعه» آماده کرده بودند و در نتیجه ستاریو را تحویل ندادند و خود بخود قرانمن و بیک ایمانوردی مبنی بر کار روی ستاریوی ساعت فاجعه منتفی شد. که بنده هم پول را که از آقای بیک ایمانوردی گرفته بودم (که بصورت چکی بود که هرگز اقدام به وصول بان کردم) دوباره به ایشان دادم.

اما این میان آقای شمشادیان با قره سنی مسأله را طوطر دیگری جلوه داده اند و خواسته اند از بنده بکنج کلاه بردار بسازند و نتیجه این میشود که در یک نشریه سینمایی که جمیع فوق العاده زیادی از دست اندکاران سینما در این دیار روی آن حساب میکنند، چنین یک نشریه بیضی می باشد.

با توجه به اینکه مسئولین استودیو «آر» بی میلی تمامی نامنی یا مسئولین مجله فیلم هنر، کلیه مطالبی که شمشادیان در مورد بنده نوشته، تکذیب کرده اند که حتی بعلم نبودن وقت و یا نبودن جا، چاپ آن به توفیق افتاده است. استدعا دارم مطالب فوق را در نشریه خود چاپ کنید تا حقیقت امر برای دست اندکاران سینما و همچنین برای خوانندگان مجله روشن گردد.

با ارادت زیاد. سیروس الوند

## برنامه امشب

### سینما تخت جمشید



### دنیای زیبای برداران گرم

باشکرت: «لاورنس هاروی» ایوت میمیو - تری توماس

شروع: ۷:۳۰ - ۷:۴۵ بعد از ظهر - روزهای تعطیل ۱۱ صبح - تلفن ۴۴۰۰

برنامه آینده: سامورای

# دختر فراری

يك اثر شاد و كمدي از سينماي ايران



● دگر گونی که در سال های اخیر در سینمای ایران پدید آمده، موجب آن گردیده که در نوعی تهیه فیلم نیز تغییراتی حاصل شود و تهیه کنندگان سینمای ایران برای ساختن آثار خوش، از راه های تازه، فکرهای تازه و چهره های تازه ای بهره ببرند. به همین جهت است که ملاحظه میکنیم که سینمای ایران نیز مانند سایر کشور های پیشرفته جهان بتدریج دارای یک سینمای پیشرفته و خوب از جهت تکنیک و فکر میگردد و آرام آرام راه بسزمن های دیگر می برد. این راه پایی بسازار های جهانی، مخصوص کشورهای همجوار سبب گردیده که تهیه کنندگان واقعی فیلم در ایران تلاش کنند که کار های قابل عرضه تری تهیه و بمررض نمایش در آورند.

«پارس فیلم» استودیو مجهز و قدیمی ایران که پوسته در ایجاد دگر گونی های خاص در سینمای ایران سهم عمده ای داشته است، بار دیگر اقدام به تهیه فیلم تازه ای نموده است که در این هفته بنمایش در خواهد آمد.

در این اثر دلپذیر ایرانی که بصورت رنگی بطریقه ایستمن کار ساخته شده است و فیلمبرداری آن در ایران و ترکیه انجام گرفته چهاره های معروف و محبوبی شرکت دارند که در راس آنها زهما یون

کمدین هیرمند سینمای ایران باید نام برد که در این فیلم نقش آفرین یکتا بازی خوب و دلپذیر است. او در این فیلم نه تنها نقش ماموری است که برای این بین پرودا بانده خرابکاران چهره گازی حاضر است دست برند، حتی آگس محبوس شود لباس زنانه بتن کرده و دنبال مأموریتش رود.

غازی ستاره مشهور که قبل از این وی را در فیلمهای ماه پیشونی، شوهر خوشکله و جیب پر خوشکله محصولات دیگر پارس فیلم دیده ایم در این فیلم نیز بازیهای خیره کننده و هنرش توانسته است نقش درخور توجهی ارائه دهد و چون گذشته کارش با موفقیت مواجه گردد.

چهارنگر ففاری، کلاه تبا و فاضانه نیز سایر بازیگران فیلم هستند که هر یک از آنان سعی در ارائه یک کار خوب در ملی فیلم داشته اند.

«دختر فراری» که توسط دکتر اسماعیل کوشان تهیه کننده معروف سینمای ایران تهیه شده است، بعلا آنکه دارای سوزهای کملا جدید و جالب است از جمله آثاری است که برای آن موفقیت کفلی پیش بینی میگردد، حسن مهدي یادگار، بعد از سالها تجربه در زمینه کمک فیلم برداری، امور فیلم برداری فیلم را تهیه دار است که توانسته بعنوان اولین کار خود

پارس یکصد و دو روز از ارائه دهد، در دختر فراری مطرح دانسانی پرداخته میشود که اگر آه دهه نزاری بخصوص سلامت در همین حال که دارای فرس دلنشین و سرگرم کننده است و با این داستان مناظر بدیع و تازه استانبول و کرانه های دریای سیاه جلوه و جلای خاصی بخشیده است.

پارس فیلم که قبل از این در ساختن آثار بر فروش سینمای ایران موفق کفلی داشته است، دختر فراری را بعنوان یکی از جدید ترین محصولات خود بنمایشگران فیلمهای سرگرم کننده کمدی هدیه میکند.

شما وقتی دیدن این فیلم میروید، همه چیز را فراموش می کنید و بقدری تحت تأثیر داستان و زیبایی های فیلم قرار میگیرید که نمیتوانید احساس کنید زمان بچه سوختی میگذرد.

**فیلم دختر فراری از این هفته در سینماهای اونیورسالت - پاسیفیک - ایران - سایتا - آیسفون - دریا - مونت کارلو - پانوراما - موناکو - پرسیولیس - مراد - کارون - داریوش و آستارا (تجربش) بنمایش در خواهد آمد و نمایش آن فرصت مغتنمی است برای دوستداران آثار خوب و جالب توجه سینمای ایران.**

# گزارش فیلم



آنا تومی وحشت

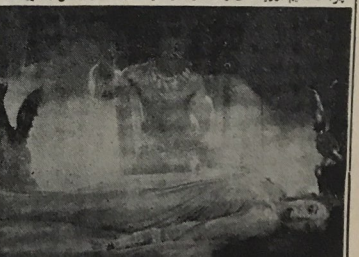
## مرگ با نقاب سرخ

The Masque of the Red Death

«در اجروم» فیلمستان جوان و انرژیک امریکایی، در میان سینماگرانی که دست درکار ساخته‌های «مارک» (هراس انگیز، وحشت آور) دارند، عموماً چهره‌ای متضاد متفاوت داشته است و این به لحاظ آن بوده که وی «خود» را نه از راه بازیگری درگمان می‌نگرد، بلکه از یک زاویه دید کاملاً متضاد نگاه می‌کند و از این روش که مفهوم «هراس» و «وحشت» به زبان کورمن، آن نیست که از زبان فیلمسازان دیگر می‌شود.

به پنداشت کورمن - به استنباط از فیلمی که از وی دیده‌ایم، منجمله همین فیلم «مرگ با نقاب سرخ» (اسم اصلی: نقاب سرخ) - ریخته‌های خوف را باید در پدیده‌های روح آدمیان و در مقابله نیروهای بزانی و اهریمنی درضرب سرشت آدمی جستجو کرد. همین خاطر نباید دستخوش شکافی شویم اگر کمی بینیم کورمن در جستجوی ماثری‌های داستانی ایده‌آل برای فیلمی‌اش و برای تصویر کردن آندیشه‌هایش، اکثر آثار توولهای «ادگار آلن پو» مدحجه است، چرا که «پو» نیز در قالب یک نویسنده افانه‌های سیاه، و خطفکری همچون کورمن داشته است.

در سکانس جانی قلعه و پرنس پراسپرو در همین فیلم «مرگ با نقاب سرخ» از زبان یکی از کاراکترهای فیلم اشاره‌های درباب «آنا تومی وحشت» می‌شود، و در پراسپرو در پاسخ می‌گوید «دان و وحشت» جزو امر است. این در واقع می‌تواند متعین کننده اعتقاد کورمن درباره «وحشت» باشد چرا که گنیم او ریخته‌های وحشت را در اندیشه‌های کسندر و ضمیر آشفته



نمایی از «مرگ با نقاب سرخ»

آنانها جستجو می‌کند و این به سوچ خود جملیه است سراسر رمز و راز، و بر اساس این منطق است که دانش وحشت نیز لاجرم جانی در میان اسرار می‌یابد.

جز این، آنچه که به یک فیلم راجر کورمن، شخص و نمازمی باشد، فضاهای گرفته و تار و خفان آوریت است وی می‌آورد، نگاه کنیم به همین فیلم «مرگ با نقاب سرخ» که در آن یک فضای باز و یک فضای بسته می‌بینیم، اما در هر حال، این هر دو، وهم انگیز نفس‌گیرند؛ یکی فضای باز و همه‌آلود دهکده و جنگل که طاعون بر آن پنجه افکنده و بر درجه خوف انگیز بودن آن افزوده است، و دیگری فضای «کلاستر و فوبیا» که پرنس که محیط آن را می‌نه مرگبار از طاعون، بلکه از وجود عوامل و مسائل دیگری مثل شیطان پرستی و شهواتی و شکنجه و کشتار زندانیان، هراس انگیز می‌نماید.

تسلط و قدرت کورمن به ویژه در خلق فضای نخستین، یعنی فضای مهم قلعه دهکده، اعجاب آور می‌نماید. این‌ها بخصوص در همان سکانس افتتاحیه فیلم، ظهوری خله انگیز دارد، پس از فصل کینز فیلم که زمینه چشم‌آزایی باز می‌شود که در آن شاهد پیرزنی می‌شویم با چهره‌ای کیده و بیگری خمیده که در حال عبور از جنگل است. بیگری پوشیده در شل و ماسک قرمز (سمبول طاعون، مرگ سرخ) او را صدا کرده و با آوازی رسا می‌گوید: «مادر پرگ، این گل را بپوش بکنده و بگو که روز آزادی آنها نزدیک شده» سپس گل سپیدی را قرمزگون کرد و به دست پیرزنی می‌دهد.

پس از این با فاصله شانه‌ای از هجوم یک گروه سوار کار به دهکده می‌بینیم. کیفیت هجوم آنها (بجای آن که نزدیک است زیر مس روان هلاک‌شود)، تصویری به عنوان یک جمع مجاوز از آن در ذهن کماشگر می‌سازد. با دیدن این صحنه آدم می‌پندارد که مقصود از «روز آزادی» که «مرگ سرخ» به آن اشاره کرده است، روز آزاد شدن مردم دهکده از مدار تجاوز و استبداد و پرنس پراسپرو است، ولی عکساً به کلی در مسی باید که این آزادی، گناه است از «مرگ»، چرا که طاعون از طریق همان پیرزن به دهکده راه می‌یابد و به سرعت بنبر مرگ و هلاکت می‌افتد.

فیلم با این صحنه و به نظر می‌رسد که همچنان در راه‌های آن مبتنی بر این فیلم هوشمندانه به نظر می‌رسد که همچنان در راه‌های آن مبتنی بر استعاره باقی می‌ماند، و نشانه‌های از راه‌های سرخ و آتاکم در آن به چشم نمی‌آید و مرگ جهانی که بیان فیلم به نا یوشدگی و صراحت می‌گراید، حرف‌های فیلم نیز به آن راه می‌روند که رنگ شعار به خود بگیرند.

علاوه بر این، در باره‌های صحنه، استیل و ضبط فکر خود کورمن نیز دچار انحراف می‌شود، و این لطیفی است که وی برای خلق و حتم اضطراب و رو بهمان کارهای متعارفی می‌کند. همه‌ای که فرا جیب به داخل اطاق مخصوص پرسش شیطان می‌گذارند و بخصوص کیفیت فرار او از این اطاق، کلیه‌ای، می‌نماید (مگرچه البته رفتار دوربین در همین سکانس، عالی است) و با صحنه‌ای که فرا جیب که در جستجوی پدر و نامردش پا به سیاه‌های قلعه پرنس می‌گذارند و در یکی از سلسله‌های زندانی کره منظر، بطور ناگهانی چهره نشان میدهد، و با ظنیر این، کولونه است که دوربین در اوائل فیلم باز به گونه‌ای ناگهانی از چهره طاعون ده‌آند پیرزن می‌گیرد.

اما در موارد دیگر، کورمن اکثر انحرافات و وضعیت‌هایی که کار-اکترها در محیط‌های خاص می‌یابند، برای خلق وحشت استفاده می‌کند، و نیز از رویای کارک و تیره آدمیان (نوجه کنیم به طرز رفتار خشونت‌آمیز پرنس با میهمانان قصر که آنها را چونان حیوان می‌تکارد و وادارشان میکند تا مثل یک حیوان رفتار کنند. این استحاله ظاهری، بدیهی است که بخاطر جنبه‌های نمادگرایی نه وسیولیتش، وهم انگیز می‌نماید).

معارضه و خیر و شر (چه در وجود هر کاراکتر و چه با جنبه‌های تمثیلی بین دو کاراکتر، و دستاویز دیگر است برای هراس آفرینی. اشاره می‌کنیم به معارضه خیر و شر در وجود پرنس که البته سهم و شره در کاراکتر او، سهم مسلط است، اما بهرحال نشانه‌های از «خیر» نیز در وجود آن آدمی‌ها شده شیطان پرست هست (بخاطر بیابورید که سمبول «مرگ سرخ» به «جینو» می‌گوید: «سلاح محبت با پرنس مقابل کن». این آسیب‌پذیری عاطفی پرنس در مقابل «عشق» و «محبت»، دلیلی است بر باقی بودن بارقه‌های از غواصی‌ها نشانی در وجود او). معارضه و خیر و شره را در وجود آن مرد کولونه نیز می‌بینیم که مگرچه دخترکی را عاشقانه دوست دارد، اما آلمان نیز مستقل و مودی و گنجه‌گن که نور است که با خنده و تیرنگ، مردی را در لباس موریل به آن وضع فوج آتی بوند.

اساساً خود فیلم نیز در قالب جمله‌ای به مضمون و هر کسی آفریننده بیست خود و دوزخ خویش است، اشاره‌ای به همین معارضه دارد و در سنجش نوجه کنیم به بهره‌گیری هوشمندانه تصویری از مفهوم این جمله، به این

شکل که ما قاصد مرگ پرئس پراسپرو را هجیره خود او و یا سیمای دوزخی می بینیم .

در پایان ، اشاره ای ستایش آمیز داریم به فیلمبرداری عالی و استثنائی این فیلم که کار و نیکلاس روگه ، فیلمبردار چیره دست انگلیسی است. سهمی عمده از افق و جاذبه های افتتاحیه و اختتامیه و سکانسهای زیبای آن ، جویا نا و نیز برخی از سکانسهای چشمگیر داخل لفظ ، مرهون فیلمبرداری آتسلفر پک فوق العاده و نیکلاس روگه است. بخصوص در دو سکانس مهمانی و نا مانسک قصر ، حرکات افقی دوربین در جلوی کارهائی که در برگیرنده مناظر عمیقی هستند ، یادماندی است . در مورد و نیکلاس روگه ، به نیت بدانید که او از دو سال قبل با کارگردانی فیلم « فرود آمدن » ( با همیاری دونو نام که در بهرجه فیلمسازان پیوسته سال گذشته نیز خود مستقیماً با نام « Walkabout » ساخت . این هر دو فیلم که « روگه » ضمناً فیلمبرداری آنها را هم به انجام رسانده است ، تحسین شدید منتقدین اروپائی را بر آورده اند .

کارگردان تهیه کننده ، راجر کورمن ، سناریو و چارلز بوونوت - ار. رایت کمپبل ، فیلمبردار ، نیکلاس روگه . طول زمانی فیلم : ۸۵ دقیقه محصول سال ۱۹۶۳ کمپانی آمریکن اینترنشنال .

هنرپیشگان : ویستنت پرایس ( پرنس پراسپرو ) ، چین آشر ( فرانچسکا ) ، هیزل کورت ( جویا نا ) ، نایجل گرین ( پدرفرانچسکا ) .

## کار تان با نبود ، آقای کاردان!

# عمو یادگار

چو نخستین تجربه سینمایی پرویز کاردان، چهره آشنای برنامه های تلویزیونی ، یک کمدی اندکی متفاوت است که می گوشتد اصوات کمبشیرا از دل سازهای زارهای به گوش رسا ند.

روشنتر بگوئیم، فیلم با بهای کمبشیرا از عناصر و عواملی می گردد که پیش از این کمتر در فیلمهای فارسی مطرح بوده اند. نگاه کنیم به همین کاراکتر وافر آنتونی که کاراکتر محور فیلم است و ریشه های کمدی فیلم از خصوصیات او نیز از تضاد که بین رویهای او و واقعیات منظر این رویها ما وجود دارد، آب می خورد. این نوع کمدی برای نمایشگر فیلم فارسی کمدی تقریباً ناشناخته و تجربه نشده است. ولی البته گفتنی که فیلم تنها سعی می کند در بهایها و افقهای کمبک تازه برسد، حال آنکه ماهه اصلی، به توفیق از همان چندین گوشه ای، پس بیبینیم که تلاش کاردان به چه میزانی موفقیت آمیز و تاجچه حدی نا موفق بوده است.

بدهی است که وظیفه اصلی فیلمساز دروهله اول، شناساندن کاراکتر عمود یادگار است. این معرفی با لفظ به نحو مطنوئی صورت می گیرد . عمو یادگار ما یک کاراکتر رویائی و خواب زده با خصوصیات حسنه انسانی می شناسیم که اصالت همین خصوصیات و توان استفاده قوی او به تأثیر بی رویاییش باعث شده که مردم معمولاً خوبش نگیرند. فیلم عمو به موازات شناساندن هرچه بیشتر این کاراکتر ، با یک نکت ساده و ملایم به بیان ماجرای رقابت عشقی عمو یادگار با واحد آقای صاب ، بر سر ازدواج با دختر به اوست ، دردی می پردازد و هر چند که این ماجرا هم به دراز می کشد و تطویل کار می یابد ، تا حدودی رسته های حوصله نمایشگر را می سسند ، اما شیرینی دبا لطف و نیز اصالتی که در پرداخت صحنه های مربوط به فصل کندارخواستاری رعایت شده ، در مجموع کیفیتی خشنودکننده به آن داده است و بخصوص آنکه از ناهماهنگی ، افقهای کمدی فیلم نیز تخصص خود را در قالب برخورد ها و تضادهای جزئی و واقعیت برای عمو یادگار ، حفظ می کنند. تا آنکه عمو یادگار شاهد قتل عمویی می شود و از این لحظه به بعد است که فیلم یک لحن تقریباً جدی می یابد و نمایشگر در شرایطی ناگهانی و ناخواسته ، یک نیروخ جدی از عمو یادگار می بیند.

البته گرایش فیلم به یک ماهه جدی و یا چهره نمودن یک نیروخ جدی از عمود یادگار ، می تواند این ایراد داشته باشد ، اما به شرط آنکه این کار با تمهیدات قبلی و به گونه ای حساب شده صورت گیرد تا دیگر شکر منتظر و ناگهانی جلوه نماید و بقدرت سریع ، ماهه تأکید شده ای مثل درقات عشقی و خواستگاری ، به ماهه کاملاً متفاوت دیگری مثل ماجرای یک قتل ، سوچ نمود .

کار تان آنکه خود کاردان نیز می مانند با این ماهه لندی چکار کند



□ پرویز کاردان و آرزو در نمایی از :  
وعمو یادگار

و چون نتیجه ای نمی گردد ، باز بر می گردد به یک موقعیت زمینه کمندی و این هسان جستجوی یادگار وزری است ( تحت تعقیب احدآقا صاب ) در پی یافتن ریشه های سرف و به دام انداختن سارقین ، که این یک اجرای کاملاً کمدی دارد ( برخلاف اجرای سکانس قتل و چند صحنه ای که در پی آن می آید که لحن تلخ و جدی دارند ) .

بهرحال این تغییر لحن دادند با کیفیتی که ذکرش رفت. عمده ترین نقطه ضعف فیلمرا آشکار می سازد، ضعف دیگر فیلم به اعتقاد ما ، سنگی هسان مستقیم و محکم است که فیلم به سرپال تلویزیونی سرکار استوار دارد : او لا که فیلم دو پرسوناژ اصلی این سریال را بر آید که واقعا جای مناسبی در متن فیلم داشته باشند، به علاوه گرفته و فیلمساز کمترین تلاشی برای معرفی ایشان به خرج ندهد، یعنی آنکه اکثر قرار باشد کسی سرپال سرکار استوار را ندیده باشد و بدون سابقه ذهنی این دو پرسوناژ را در فیلم بیبندد، آثار را سخت عجیب و غریب و غیر عادی خواهد یافت ( بخصوص که فیلم تا کیدهای زانی هم بر خصوصیات کیدهای آبی خود دارد). شیرازیان، نام صحنه های مربوط به پاساژها و دفتر و کارخانه همان میزبان همان میزبان همیاری سرپال مرهون را دارند به نظر ما ، یکچنین سنگی های شددی شایسته یک فیلم سینمایی که مدتی است چهره ای مستقل از سرپال تلویزیونی دارد، نیست اما بیبینیم که عمود یادگار چه امتیازاتی دارد: پیش از هر چیز، اصالت یک کمدی ایرانی را دارد که به هیچ روی نیز به ابتذال نمی گراید و حتی « کاردان » ( بازویی ) از همان عوامل راجح تفراتی فیلمهای فارسی هم بهره گیری های در دروال داستان فیلم و با لاف شناسا ندن هر چه بیشتر عمود یادگار می کند. مثلا صحنه حمام و یاسمانی ، با لاف های کمبک بجانلی که از آنها گرفته شده ، جزئی از همان ماجرای معارضه دروقیب عشقی به نظر می رسد و یا صحنه کلاه و آواز خوانی آن رقصه بسا مخافتهایک که عمود یادگار بسا متن اشعار آواز او ابراز می کند ، عملا به آن راه می رود که گوشه های از شخصیت و خصوصیات اخلاقی عمود یادگار را نشان دهد و بنابراین اثری است که این عامل اجرائی ، جاذبه های خود را برای آن نمایشگر می یابد ، هر چه که دلیل اساسی وجود این سکانس در فیلم ساختن و اوست ، صحنه ای که ، پیوسته با فیلم و در خدمت آن گرفته می شود. در ضمن ، فیلم از نکات و ظرافت « اصل ایرانی نیز خالص نیست و زیبایی و کاراکترها هم اصالت دارند. کاراکتر خود عمود یادگار با بازی خیلی خوب پرویز کاردان ( که در قالب دبا یازگرمه موقتدی می نماید تا در قالب کارگردان ) جای حرفی باقی نمی گذارد. در ضمن انتخاب بازیگران شخصیت های زری و احدآقا صاب نیز برای نقشی مرهون ، بقینا انتخابی بسیار مناسب بوده است ، چرا که ایشان نیز بیشتر به لطف خصوصیات فیزیکی - اصالت تیبیاتی راکه در فیلم به آنها وابسته اند ، منعکس می کنند .

و دست آخر در دفاع می آید که نادانی کمبک از هوزیک تم فیلم که توسط دمجنی میرزاده تصنیف شده و علاوه بر آنکه موسیقار و سرکار است ، در خیلی صحنه ها در خدمت فیلم هست ، مثلا در صحنه ای که عمود یادگار با درگلو می اندازد و برای عا لکاره نزد احدآقا صاب می رود ، این در واقع موزیک است که به کاراکتر او بعد می دهد و وی را گردن کلفت به نظر می رساند ، و با بهای باوریم استفاده بجا و مناسب از موزیک ، به علاوه از تم اصلی و عاقلانه آهنگ کردی و اسمیر یازم جوانم ، در صحنه رویای معاشقه عمود یادگار با خاتم دبیود ، منشی مدیر کارخانه .

# در حاشیه

## فردین هنوز بت است

● دو هفته قبل در مورد فردین مطلبی داشتیم و از زندگان خود خواستیم که در مورد فردین برای ما نظریات خود را ارسال دارند. در طی این دو هفته بیش از سیصد نامه دریافت داشتیم که فرستاده آنان از میان کلیه طبقات سراسر ایران از ازا ننجوگر، فته تاکاگر - در مورد فردین و شخصیت هنری او اظهار نظر نموده و صمیمانه او را تأیید کرده بودند.

چون بخواست فردین از ادامه این بحث خودداری ننموده ایم بدینوسیله از طرف شورای نویسندگان و هنرمندان شایسته فردین از یکایک کسانی که برای این بحث ما، مطلب نامه ارسال داشته و لگن نظریات خود را ارسال داشته بودند تشکر می‌کنیم و امیدواریم از اینکه بخاطر ظلمت جا نمی‌توانیم نام یکایک آنها ذکر کنیم پوزش‌مان را بپذیرند. این احساسات پاک و صمیمانه نشان داد که مردم سرزمین ما ناچاهند. نسبت به شخصیتی که محبوب آنان است وفا دارند و پیوسته مشوق و موید او هستند.

## بیک در اهواز

● جمعه گذشته با دعوت مدیریت سینما دنیای اهواز رضا بیک ایمانوردی به اهواز مسافرت نمود و سینمای مزبور هفته گذشته فیلم «رضاجله» را بر روی آکران آورد و بخاطر استقبالی که از آن بعمل آمد مدیریت سینما برای پاسخگویی به احساسات مردم بیک را به اهواز دعوت نمود. طی دو روز اقامت ایمانوردی در این شهر صنعتی استقبال گرمی از وی بعمل آمد و روز یکشنبه پهران مراسم ترحیم و مراسم گدشته فیلم رضا چالچله علاوه بر اهواز، در اسفهان نیز نمایش داده شده که در آنجا هم با استقبال زیاد مواجه گردیده است.

## دنیای خود ما

● فرشته مهبان و همسرش بهزاد اشتیاقی هم اکنون یک برنامه‌ی بی‌دیدی برای تلویزیون

## فردین هم مرخص شد

● بدنبال ناصر ملک‌مطیعی، فروزان، ساموئل خاچیکیان، هستی کرشاد توفی، مختار و... دیگران

کامل هفته‌های گذشته بخاطر ابتلا به بیماری آنفلوآنزا چند روزی در منزل بستری شده بودند و اواخر هفته گذشته فردین هم بمناسبت در منزل بستری گردید. فردین قبل از آنکه در منزل بستری شود مذاکراتی با فریدون زورک داشت جهت شرکت در فیلم تازه‌ای که او خواهد ساخت که گویی از نتیجه این مذاکرات اطلاعی در دست نیست.

## تجلیل از هنرمندان

● دو هفته‌گفته گذشته در سالن اجتماعات سینمایی هنرمندان فیلم ایرانی مجلس کوچکی ترتیب داده شده بود که در آن چند تن از سردبیران و نویسندگان مطبوعات و هنرمندان معروف سینمای ایران شرکت داشتند.

در این دیدار، حمید قیصری ضمن تشکر از همه هنرمندان کور برگرادی جشن‌های دو هزار و پانصصماله ایران با صدنگی همکاری کرده بودند، هدیه کوچکی که شامل یک لوح منشور کوروش کبیر که در قاب زیبایی قرار داشت برای هنرمندان شرکت کننده در جشن سینیکا (سوسن - گویی - سمن) سلیمان اکبری تهیه دیده بود توسط آرمان هنرمند معروف به آنان اهدا شد.

## سفر ملک مطیعی

● این هفته با پایان فیلم - برداری «شلوارک داغ و کلاه مخملی» محصول پارس فیلم و «خاطر خواه» محصول فولکس فیلم و ناصر ملک مطیعی بمدت ۲۰ روز سفر اروپا خواهد رفت و

## برندگان هشتمین جشنواره بین‌المللی

### فیلم‌های آموزشی

● هشت سال قبل وزارت آموزش و پرورش اقدام به برگزاری فستیوالی نمود که اینک صورت یکی از جشنواره‌های خوب جهانی در آمده است. در این فستیوال که از جهت انجام نوعی برگزاری تاکنون تقریباتی در آن حاصل شده «جمعه دلفان» بعنوان جایزه انتخاب شده که فیلمهای برنده اهداء می‌شود. در هشتمین جشنواره فیلمهای انتخابی در سرشته علمی - جهان - شناسی و تربیتی بود که در میان ۶۹ فیلم شرکت کننده از ۱۹ کشور برگزیده شده بود.

وزیر آموزش و پرورش طی ضیافت شامی جوایز فیلمهای برنده را بشرح زیر اهدا نمود:

### رشته فیلمهای علمی

- ۱- فیلم (بیوسر) محصول شوروی برنده دلفان مطلا.
- ۲- فیلم (بیره‌های اقلان) محصول انگلستان برنده دلفان نقره.
- ۳- فیلم (دایره) محصول هندوستان برنده دلفان برنز.
- ۴- فیلم (آتمالیات) محصول چکواکی برنده دلفان برنز.
- ۵- فیلم برندگان مهاجر وزارت فرهنگ و هنر ایران گواهی‌نامه امتیاز.

### رشته فیلمهای تربیتی

- ۱- فیلم (مشکلات جوانان) محصول کشور کانادا برنده دلفان مطلا.
- ۲- فیلم (هلتا) محصول کشور آلمان برنده دلفان نقره.
- ۳- فیلم (آثر موسیقی در کودکان) محصول کشور ژاپن برنده دلفان نقره.
- ۴- فیلم (گسترش کلاس شماره ۴) محصول کشور انگلستان برنده دلفان برنز.
- ۵- فیلم (برای یاد گرفتن آماده ام) محصول کشور استرالیا برنده دلفان برنز.

### رشته فیلمهای جهان‌شناسی

- ۱- فیلم (چهره‌های شهر) محصول کشور استرالیا برنده دلفان مطلا.
- ۲- فیلم (ایسلند) محصول اطریش برنده دلفان نقره.
- ۳- فیلم (جشن هنر سراز) محصول لوژیرون ملی ایران برنده دلفان برنز.

## بازگشت ناتاشا



● **ناتاشا ستاره فیلمهای ایرانی پس از يك سفر چند ماهه اينك به تهران بازگشته و خود را براي شركت در فيلمهاي اراني آماده ميكنند. وي در تغييراتي كه در فرم آرايش و قياقه خود داده در نظر دارد از اين پس با يفاي نقشهاي مثبت تري در فيلمها بپردازد.**

در حال حاضر چند فيلمساز با وي مشغول مذاكره اند و از او دعوت نموده اند كه نقش عمده اي در فيلمهاي آنان عهده دار شود.

● **ناتاشا اين روزها بعثت علاقه خاصي كه پائار باستاني ايران دارد اكثر اوقات خود را بمشاهده آنان اختصاص داده و در نظر دارد قبل از آنكه فعاليت مجددش شروع شود سفرى نيز باسفيان و شيراز بنمايد.**

با مراجعت بوطن نخست در يك محصول تينافيلم بكارگرداني رضا ميرلوحى وسپس دريكى از محصولات استوديو عصرطلاسى شركت خواهد كرد. ملك مطيعي دارد، مهيدا مستمزدى كه بمقصدى قرارداد هاى هم با پارس فيلم و و گروه ارگستر او ميدهد پيش از دوپست هزار ريال نيست كه آنهم فيلم دارد. بقول معروف بعضى اوقات «ملا- خور» ميشود.

### ژورك عوفق

● **برويز مقصدى آهنگ - ساز معروف با فرسيد رمزي تهيه كنده برنامه هاي چشمك و شش و هشت تلويزيون دچار اختلاف شده و از ساختن آهنگ براى اين**

## نامه وارده

□ دو هفته قبل در صفحه پادداشت هاى هفته مطبوعه از يكى از همكاران مدرج شده بود كه گويي طرح آن بدان صورت صحيح جلوه نميكرد ، بهمين علت مسئولين استوديو «آر.بي» هفته گذشته تلفنى مراتب را تكذيب كردند كه متاسفانه بعثت آنكه چاپ مجله پايان يافته بود ، درج آن ميسر نشد در نظر داشتيم در اين هفته نظر استوديو آر.بي را چاپ كنيم كه نامه اي از سيروس الوئند، همكار قديمي خودمان در پاسخ آن يادداشت ها دريافت كرديم كه راستش با وجود طولاني بودن آن ، بخاطر آنكه مسائلي در آن مطرح شده بود حيفمان آمد چاپ نشود .

### دوست عزيز ، آقاى علي مرتضوي

بعد از ماهه ها كتاره گيري از مطبوعات ، اين اواخر عجيبي فكر نوشتن مطبوعه و نگارش مقاله اي وسوسه ام كرده بود . شايد به اين خاطر كه هنوز نيامده از آن سفر خاصي كه چند نفر در زمينه ستاروي نويى بوجود آورده اند دزده شده ام و روي همين اصل هواي نوشتن براي مجله سينمائي بسرم زود ميخواستم دوباره با مقاله هاي بيوند سابق خودم را با فيلم بهتر برقرار سازم . ولي موردى پيش نيامده وقتي حاصل نميشد . اما حالا كه هم موردش پيش آمده وهم وقتش ولي ديغ و تا سف از اينكه مايه اصلي نگارش اين مطلب يكوعو گله گذاري توأم با اعتراض وهمچنين يكچوردرددل است .

غرض چاپ مطبوعه است بدون عنوان درستون «يادداشت هفته» مندرج در فيلم و هنر شماره ۳۶۴ تاريخ دوم دى ماه كه مطبوعه آن حضرت شمشاديان (كه همچوقت يادم ميرود زماني در كنارش با يك هدف و روي يك خط در جمله هاي فيلم و هنر و ماه نو قلم ميزدم وجه خاطرات خوشي بوده كه يادش بخير) مطالبائي نادرست در باره مخلص قلمي فرموده اند كه سخت مايه حيرت و تعجب بنده است آقاى شمشاديان نوشته كه سيروس الوئند (بنده) براي تنظيم ستاروي رضا چلچله و چراغ جادو مبلغ هزار تومان براي رفع گرفتاري شروع كار گرفت و ديكر نيامد .

يعني چه ؟ مگر ميشود يك ستارست از يك تهيه كنده براي رفع گرفتاري بول بگيرد ؟ يا آقاى شمشاديان بچشم خودشان ديده اند كه آقاى بيك ايمانوردي براي رفع گرفتاري (متوجه منظور كه هستيد) بنده بول داده اند . و يا مگر آقاى فريدون كه كراشان بول گرفتن از تهيه كنده ها براي رفع گرفتاري است كه آقاى شمشاديان نوشته بنده چاپي از فريدون گله گذاشته ام . پيني كار ستاروي نويى و ستارست بودن تا اين اندازه از نقطه نظر آقاى شمشاديان بدرونازرف و آبروست ؟

آقاى شمشاديان كه مسئوليت بزرگي چون «نويستد سينمائي بودن» را بردوش ميكنند چطور بخودشان اجازه ميدهند بنويسند بنده براي رفع گرفتاري شروع كار نوشتن ستاروي رضا چلچله و چراغ جادو از بيك ايمانوردي پول گرفتن در حاليكه خودشان با چشم خودشان شاهد همه چيز بودند و خوب ميدانند كه بنده نه قرار دادي در مورد نگارش ستاروي مذكر اعماضا كردم و نه بولي بابت آن گرفتم و نه براي رفع گرفتاري از ايشان تقاضاي پول كردم و نه اسوا لا آقاى بيك ايمانوردي خصمي هستند كه با شعاصي مثل بنده بول براي رفع گرفتاري بدهند .

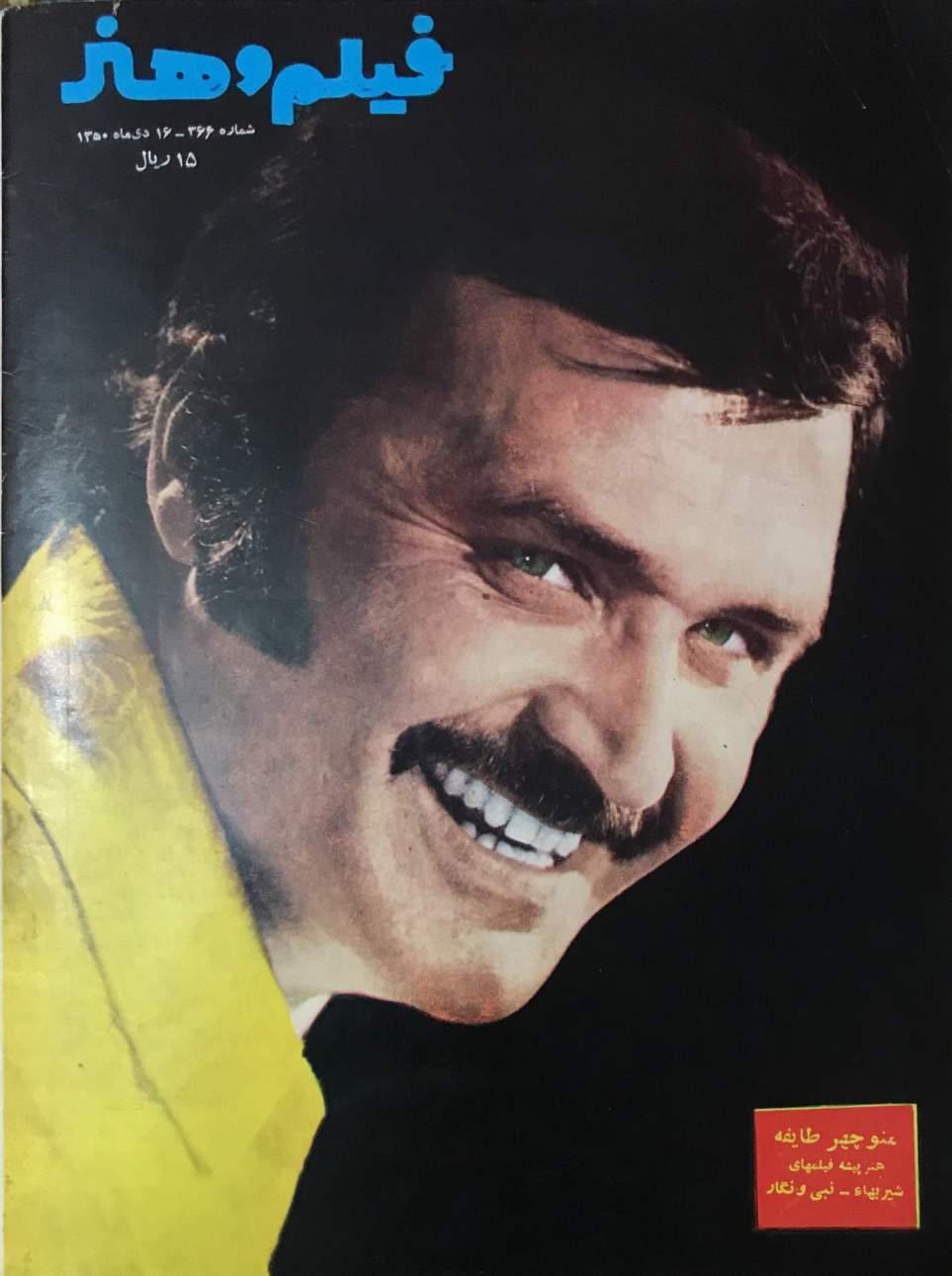
آقاى ميرصمدزاده كارگردان فيلم رضا چلچله از بنده خواستند كه روي ستاروي رضا چلچله و چراغ جادو كار كنم . بنده

بقه در صفحه ۴۲

# فیلم و هنر

شماره ۳۶۶ - ۱۶ دی ماه ۱۳۵۰

۱۵ ریال



منوچهر طایفه  
چهره پنده فیلمهای  
شیربها - نبی و نقار